

# پیام فدایی

# ۳۰۰

ارکان چریکهای فدایی خلق ایران

سال بیست و هشتم

شهریور ۱۴۰۳

گرامی باد خاطره الهام بخش تمامی جانباختگان جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱ در دومین سالگرد قیام دلاورانه مردم ما علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

## بگذار برخیزد مردم جی بچند...!

فیزش سراسری شهریور ۱۴۰۱:

ما همه مهسا هستیم... این دیگه اعتراض نیست...  
شروع انقلابه... اصل نظام نشانه ست...  
برخی شعارهای مردمی: "جمهوری اسلامی نابود باید  
گردد". "اصل نظام نشانه ست". "وای به روزی که مسلح  
شویم". "مرگ بر دیکتاتور". "مرگ بر ستمگر چه شاه  
باشه چه رهبر"!



### در صفحات دیگر

- جنبش ۱۴۰۱: گذشته چراغ راه آینده است! ..... ۳
- گزارش سیاسی مرکزیت چریکهای فدایی خلق ایران به نشست وسیع تشکیلاتی ..... ۶
- گزارشی از نشست عمومی فعالین سازمان ..... ۱۰
- گزارش تشکیلاتی مرکزیت به رفقا ..... ۱۱
- سرکوب، پاسخ رژیم به اعتراضات پرستاران ..... ۱۹
- در باره ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس ..... ۲۰
- مروری بر آنچه در جنبش ۱۴۰۱ گذشت! ..... ۲۱
- گزارش آکسیونهای فعالین سازمان ..... ۲۵
- کمکهای مالی به سازمان ..... ۲۸

گزارشی از نشست  
وسیع تشکیلاتی اخیر  
چریکهای فدایی  
خلق ایران

صفحه ۲

اخیرا سازمان ما نشست تشکیلاتی خود که بر اساس اساسنامه سازمان، نقش کنگره را به عهده دارد را برگزار نمود.

بنا به سنت همیشگی نشست های چریکهای فدائی خلق ایران، در ابتدای جلسه، به خاطره همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به ویژه کمونیستهایی که در صفوف چریکهای فدائی خلق در مصاف با دشمن شجاعانه جنگیدند و جان باختند یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس مقررات ناظر بر اداره نشست طرح و به

تصویب رفقا رسید. آنگاه نشست بررسی گزارش سیاسی مرکزیت که قبلا در اختیار رفقا قرار گرفته بود، پرداخت و همه رفقا فرصت یافتند ملاحظات خود را در این رابطه طرح و پیشنهادات و انتقاداتشان را به اطلاع بقیه شرکت کنندگان برسانند. پس از مباحثات انجام شده، این گزارش به اتفاق آراء تصویب و قرار بر انتشار بیرونی آن گذاشته شد.

در این گزارش در ابتدا شمائی از اوضاع سیاسی جهان و تشدید تضادها و رقابت های امپریالیستی و گرایش قوی امپریالیستها جهت رفتن به سمت جنگ های هر چه بزرگتر و جهانی تر پرداخته شده و سپس با اشاره به درگیری ها و جنگ های جاری در منطقه و به خصوص نسل کشی جنایتکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل در غزه، بر واقعیت تنیدگی صهیونیسم با امپریالیسم اشاره شده و بر این امر تاکید شده که آزادی خلقهای منطقه وابسته به مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم است. در بخشی دیگر از این گزارش به اوضاع ایران پرداخته شده و با اتکاء به روندهای عینی نشان داده شده که جمهوری اسلامی با انتخاب پزشکیان قصد فریبکاری در میان توده ها برای حفظ و بقای موجودیت خود را دارد اما در عمل این رژیم فاقد چنین پتانسیلی بوده و رئیس جمهور جدید حداکثر کاریکاتوری از خاتمی و "پروژه کلان اصلاحات" وی خواهد بود.

همچنین در این گزارش تاکید شده بود که در حالیکه جنبش انقلابی مردم ما از عدم وجود یک رهبری انقلابی در صحنه مبارزات درون جامعه ایران در رنج است، اما جامعه

## گزارشی از نشست وسیع تشکیلاتی چریکهای فدایی خلق ایران



در بخش بعدی مباحث نشست، گزارش تشکیلاتی مرکزیت مورد بررسی نشست قرار گرفت. این گزارش به رئوس فعالیتهای سازمان از نشست قبلی تا امروز پرداخته است. نشست با اختصاص زمان کافی به بررسی همه مسایل طرح شده در این گزارش پرداخت. رفقا در جریان بررسی این گزارش به خصوص به کمبودها و ضعفهای موجود که مانع گسترش هر چه بیشتر فعالیتهای تشکیلات می باشد پرداخته و هر رفیقی امکان یافت انتقادات و پیشنهاد های خود را برای غلبه بر این کمبودها ارائه نماید. پس از اینکه همه رفقا فرصت یافتند

موضوعات مطرح شده در گزارش را بررسی و پیشنهاد های خود را در اختیار نشست قرار دهند گزارش تشکیلاتی با توجه به ملاحظات رفقا به تصویب نشست رسید.

از آنجا که به طور سنتی گزارش مالی ضمیمه گزارش تشکیلاتی به رفقا می باشد این گزارش نیز که ریز هزینه ها و منابع در آمد تشکیلات را در بر می گیرد مورد ملاحظه و بررسی رفقا قرار گرفت. با توجه به این واقعیت که درآمد های تشکیلات صرفا از طریق حق عضویت اعضا، فروش نشریات و کمک های مالی فعالین و دوستداران سازمان تهیه می شود، بر ضرورت جمع آوری کمک های مالی به منظور تامین مالی فعالیت های انقلابی سازمان تاکید شد.

نشست ۲۰۲۴ پس از چند روز کار مستمر و تعیین چهارچوب فعالیتهای آینده بر واقعیت صحت تحلیلهای چریکهای فدایی خلق، استقبال نیروهای روشنفکر جامعه از خطوط سیاسی و تحلیلهای سازمان و فعالیتهایی که در این زمینه قابل مشاهده است تاکید کرد و بر گسترش فعالیتها در این حوزه و ضرورت در پیش گرفتن روشهایی که تحلیل ها و مواضع سازمان را هر چه فراتر از وضعیت کنونی در داخل ایران انعکاس دهد و صرف انرژی بیشتر در این زمینه به آخرین قسمت کار خود رسید. در بخش انتهایی طبق سنت همیشگی، مرکزیت جدید سازمان برای دور آتی انتخاب شد.

نشست وسیع تشکیلاتی چریکهای فدایی خلق ایران همچون همیشه با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

با طیفی از دار و دسته های ضدانقلابی روبروست که برای رسیدن به قدرت چشم به امداد های قدرتهای امپریالیستی بسته و با اتکاء به این قدرتهای ضد مردمی، خود را آلترناتیو جمهوری اسلامی جلوه می دهند. سپس گزارش نتیجه گرفته که مقابله با این دار و دسته ها و نظراتی که اشاعه می دهند و همچنین افشای نظرات اپورتونیستی در جنبش انقلابی و طیفه مبارزاتی ای است که در مقابل نیرو های انقلابی قرار دارد.

در گزارش سیاسی مرکزیت ضمن اشاره به شرایط مادی جامعه و چشم انداز خیزش های انقلابی هر چه بزرگتر در آینده، و طیفه شرکت هر چه سازمان یافته تر در آنها مورد تاکید قرار گرفته و تاکید شده که اتفاقا شرایط غلبه بر ضعف بزرگ این خیزش ها یعنی عدم سازمانیافتگی و فقدان یک رهبری انقلابی، در دل همین خیزش های خودبه خودی، شکل گرفته و این خیزش ها امکان غلبه بر این ضعف را تسهیل می کنند. سپس گزارش با توجه به تجربیات خیزش های اخیر و به ویژه خیزش ۱۴۰۱ و یورش جوانان با کوکتل مولوتف به مراکز سرکوب و تبلیغ جمهوری اسلامی و کوشش در جهت مسلح کردن خود و سر دادن شعارهایی هم چون "واک به روزی که مسلح شویم" و یا "ما اهل جنگیم حیف که بی تفنگیم" که توسط توده های ستمدیده و انقلابی بلوچستان سر داده شد نتیجه گرفت که این واقعیات نشان می دهد که در جامعه ما، ستمدیدگان خواهان مسلح شدن و جنگ با دشمنانشان می باشند. واقعیتی که وظیفه انقلابیون کمونیست را روشنی بیشتری می بخشد.

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**



## جنبش ۱۴۰۱: گذشته چراغ راه آینده است!



جنبش انقلابی ۱۴۰۱



قیام بهمن ۱۳۵۷

"این دیگه اعتراض نیست شروع انقلابه"، "حجاب فقط بهانه است اصل نظام نشانه ست"، و ... مهمتر از آن عمل به این شعارها، در شکل آتش زدن کیوسک‌های حفاظتی، مراکز سرکوب نظیر مساجد و مقرهای بسیج، حمله و کشتن نیروهای سرکوبگر و مصادره سلاح (به خصوص در مراسم جهلم حدیث نجفی) و استفاده وسیع از کوکتل مولوتف علیه ساختمان‌ها و مراکز سرکوب حکومت شدت نفرت انباشته شده مردم از جمهوری اسلامی و عزم آنها برای به زیر کشیدن جانیان حاکم را منجلی ساخت.

این جنبش سرانجام تحت تاثیر یکی از وحشیانه‌ترین تعرضات سرکوبگرانه حکومت، از شلیک مستقیم و کشتار تظاهر کنندگان تا دستگیری های وسیع و شکنجه و تجاوز و سر به نیست کردن پیش‌برندگان و هدایت کننده‌های جنبش در نبردهای خیابانی، با شلیک گلوله به چشم و سر و اندام جنسی تظاهر کنندگان و وارد آوردن صدمات جسمی مادام‌العمر به آنان، با قتل عام توده‌های دلاور و بی‌دفاع بلوچ در زاهدان و لت و پار کردن دانشجویان به پا خاسته در صد دانشگاه کشور و نمایش عامدانه این جنایات فاشیستی در سطح جامعه به خون نشست و امواج آن تا برآمد اجتناب ناپذیر خیزش آتی، موقتا فروکش کرد.

رژیم بنا به برخی آمار های منتشره تنها با دستگیری ۹۰ هزار تن از معترضین در همان روزهای اول و با قتل بیش از ۶۰۰ نفر و اعدام شماری از دستگیر شدگان قادر به حفظ حکومت خویش از خشم و نفرت توده‌ها شد.

به رغم شکست در این نبرد اما، این جنبش عظیم همچون هر جنبش توده‌ای دیگری در تاریخ، تجارب و آموزش‌های بزرگی را از خود بر جای گذارد که بدون

توده‌های به پا خاسته با تعرض به هر آنچه که نمادی از این نظام استعمارگر و سرکوبگر بود، با مقاومت در خیابان‌ها و کوچه‌ها و با نمایش یک شجاعت باورنکردنی یعنی سینه سپر کردن در مقابل گلوله‌های نیروهای سرکوب پیام این که مردم بیش از هر زمان دیگری نمی‌خواهند یوغ اسارت و سلطه دیکتاتوری حاکم را بپذیرند و خواهان آزادی و به دست گرفتن سرنوشت خویش هستند را با صدایی رسا به این رژیم و اربابان و حامیان امپریالیستش اعلام کردند. عمق و گسترش این اعتراضات تا حدی بود که حتی کودکان دبستانی به آن پیوستند و شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر جمهوری اسلامی سر دادند. دانش آموزان در دبستان و دبیرستان با شعارها و اعمال انقلابی‌شان علیه مدیران و رؤسائی که سرسپردگی‌شان به جمهوری اسلامی عیان بود به پا خاستند. جلادان حاکم در واکنش به این اعمال، مدارس دخترانه را مورد حملات شیمیایی قرار دادند!

**زنان بویژه زنان جوان یکبار دیگر پتانسیل مبارزاتی عظیم خود را در این جنبش در پیشاپیش صفوف تظاهرات و همدوش با مردان به نمایش گذاردند. روسری‌ها به عنوان یکی از سمبل‌های ارتجاعی نظام جمهوری اسلامی و یکی از نمادهای بی حقوقی نیمی از جمعیت در خیابان و در جلوی چشم مزدوران تا بن دندان مسلح حکومت از سر برداشته شده و به آتش سپرده شدند. به جز خواست صریح سرنگونی تمامیت این حکومت به مثابه خواست ۲۵ ساله اکثریت آحاد جامعه، در میان انواع شعارهای سر داده شده ظهور و گسترش رادیکالترین شعارها نظیر "وای به روزی که مسلح شویم"، "می‌کشیم، می‌کشیم هر آنکه خواهرم کشت"،**

با فرارسیدن شهریور ماه، این ماه خون و آتش در تاریخ مملکت ما، پاس داریم یاد سرخ و جوان هزاران هزار تن از کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان و دیگر توده‌های ستمدیده ای که با وجود زخمهای گرانبار در دو سال پیش ناشی از مبارزه و مقاومت در برابر دژخیمان جمهوری اسلامی، دیگر بار به پا خاستند و با فریادهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" بر ریش جادوگر پیر تف انداختند. پاس داریم خاطره دلاوری‌های زنان و مردانی را که پس از کشته شدن دختر بی گناه کرد، ژینا (مهسا) امینی به دست مزدوران جمهوری اسلامی، با خروش قهر آمیز خود در ۱۶۵ شهر کشور و با مجازات و حذف حداقل ۹۰ تن از نیروهای سرکوبگر آنچنان درسی به حاکمان ضد خلقی و اربابان بین المللی آنها دادند که هنوز هم که هنوز است، کابوس آن دست از گریبان دژخیمان حاکم و حامیان بین المللی شان برنکشیده است؛ تا جایی که از این جنبش در میان محافل طبقه حاکم به عنوان جنبشی "کم نظیر" (حمید رضا جلایی پور، یکی از جلادان موسوم به اصلاح طلب) که نوید "فروپاشی اجتماعی کشور" را می‌دهد (محمد خاتمی رییس جمهوری سابق جمهوری اسلامی) یاد شده است.

در جریان این شورش توده‌ای بنا به تخمین‌های محافل نزدیک به حکومت که البته تمام حقیقت را بیان نمی‌کنند "حداقل دو میلیون تن" در مدتی حداقل بیش از صد روز در درگیری‌هایی که چیزی از صحنه‌های یک جنگ خیابانی کم نداشت برای سرنگونی جمهوری اسلامی شرکت داشتند. اما این اعتراضات مطابق ارزیابی‌ها و نظر سنجی‌های مؤسسات امپریالیستی نظیر "موسسه تونی بلر" با همراهی و حمایت ۸۲ درصد از جامعه قرین بود که خواهان "تغییر" رژیم هستند.

شک آگاهی و به کارگیری آنها شرط لازم پیروزی نهایی توده‌ها بر دشمنان‌شان می‌باشد. اگر بپذیریم که گذشته چراغ راه آینده است، سالگرد جنبش ۱۴۰۱ فرصتی است تا برای یک بزرگداشت واقعی از این جنبش و جانباختگانش بر برخی از مهمترین آموزشها و پیام این جنبش به آیندگان تاکید گردد.

### برخی از مهمترین تجارب جنبش ۱۴۰۱

۱- جنبش توده ای ۱۴۰۱، از لایبالی نامای رویدادها، موضع گیری‌ها و مصاف‌های دلیرانه توده‌ها با دشمنان‌شان از کردستان و زاهدان گرفته تا تهران و کرج و شیراز و مشهد و... یکبار دیگر بر این واقعیت مهر تاکید زد که دشمنان اصلی مردم ما امپریالیست‌ها حاکم بر اقتصاد و جان و مال و هست و نیست توده‌های تحت ستم ما هستند. اینان سلطه غارتگرانه خویش را از طریق حفظ و حراست از بقای سگ زنجیری‌شان در ایران یعنی رژیم وابسته و سرکوبگر جمهوری اسلامی ندوام می‌بخشند. این امپریالیست‌ها از آمریکا گرفته تا اتحادیه اروپا، کانادا، چین و روسیه هستند که به دلیل منافع بیکران اقتصادی- سیاسی خویش در ایران (از غارت و چاول ثروت‌های طبیعی متعلق به مردمان ما، یعنی نفت و گاز و معادن سرشار مواد اولیه تا پیشبرد سیاست‌های ضد انقلابی و سرکوبگرانه خویش از کانال رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی)، ندوام حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته بر ایران و رژیمی که خود در کنفرانس گوادلوپ در سال ۱۳۵۷ بر توده‌های ما تحمیل کردند را تضمین می‌نمایند. بر چنین اساسی آنها هر بار با تاکتیک‌های مختلف و اغلب مزورانه، این رژیم را در مقابل شورش توده‌ها تقویت و حفظ می‌کنند.

رویدادها و حقایق جنبش عظیم توده‌ها در سال ۱۴۰۱ نشان داد که به رغم تمامی ظاهراً دفاع از زنان ایران توسط نمایندگان این قدرت‌ها و اظهار همراهی کردن‌ها و ادعاهای دفاع از دموکراسی و حقوق بشر و انقلاب مردمی علیه جمهوری اسلامی، در عمل آنها نه تنها دست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در اعمال کثیف‌ترین سرکوب‌ها از جمله ارتکاب به "جنایت علیه بشریت" در خیابان‌های ایران علیه توده‌های به فریاد آمده باز گذاشتند، بلکه با رساندن منابع مالی از کانال‌های مختلف به این رژیم یک بار دیگر در سخت‌ترین شرایط در نقش "امدادهای غیبی" با ارسال وسایل... یاری در قطع اینترنت و غیره به کمک رژیم وابسته به خودشان در سرکوب انقلاب در ایران آمدند. در گرماگرم سرکوب خونین مردم آنها تروریست‌های این رژیم را آزاد کردند، در ارگانهای حقوق بشر و زن در سازمان ملل مناصب ریاست و مدیریت به آن اهدا کردند و در هر جا هم

در عرصه خارج کشور این جنبش، نقش کثیف سلطنت طلبان به عنوان بازوی خارج کشور وزارت شکنجه و سرکوب اطلاعات در حمله به نیروهای مخالف بویژه کمونیست‌ها و در تهدید به قتل و کشتار مبارزین و فرزندان مردم در صورت به قدرت رسیدن و مهمتر از همه در حفظ سپاه و ارتش (یعنی کل نهاد های حافظ نظام ضد خلقی حاکم) به سرعت در مقابل دید همگان قرار گرفت. سلطنت طلبان و رهبران فاسد و دزدشان با شعارهای "مرگ بر سه فاسد، ملا چپی مجاهد" و ... نشان دادند که حتی فاقد ظرفیتهای فریبکارانه آخوند بیسوادی مانند خمینی هستند که حداقل پیش از به قدرت رسیدن از دموکراسی و آزادی برای کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها دم می‌زد و با این مانورها توانست اعتماد بخشی از توده‌ها را به خود جلب کند.

که دست‌شان می‌رسید سعی کردند برای روز مبادا کثیف‌ترین و ضد خلقی‌ترین مهره‌های رسوا و آبروبخته اپوزیسیون را به مثابه "رهبر" جنبش توده‌ها به ستم‌دیدگان قالب کرده و از آنها حمایت کنند (مورد نماینده زنان و مردم ایران خواندن مسیح علی‌نژاد توسط رئیس جمهور فرانسه را به یاد آوریم). این یکی از بزرگترین آموزش‌های جنبش سال ۱۴۰۱ برای جوانان آگاه ما بود که با تکیه بر تجارب انقلاب سال‌های ۵۶-۵۷ و تمام سال‌های حاکمیت این رژیم در هر خیزش توده‌ای آتی، بفهمند دشمنان و دوستان واقعی مردم ما کیانند و مردم ایران در مبارزه برای رسیدن به آزادی تنها باید بر نیروی سازمانیافته خود تکیه کرده و ماهیت ضد خلقی قدرتهای امپریالیستی حامی این رژیم را هر چه بیشتر درک کرده و قادر به شناسایی آنان در لباسهای مختلف به عنوان دشمن اصلی خود باشند.

۲- در ارتباط با همین آموزش است که می‌توان دید چگونه جنبش توده ای سال ۱۴۰۱ فراتر از هر گونه تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی که از جمله به نفع سلطنت طلبان صورت می‌گرفت، ماهیت ضد خلقی و رسوای دار و دسته فرزند عیاش شاه را که از او به عنوان "رضا شاه دوم" نام برده می‌شد را افشاء نمود و با صراحت و روشنی بی نظیری به همگان نشان داد که آنها در خارج از کشور به عنوان دشمنان قسم خورده مردم ما و همکار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای سرکوب و ایجاد تشنت در صفوف اپوزیسیون به نفع دشمن عمل می‌کنند.

اگر در سالهای ۹۶ و ۹۸ محافل امپریالیستی در هراس از تاثیرات جریان‌های چپ و کمونیست و آزادیخواه و خیزش‌های طبقه کارگر بر افکار عمومی کوشیدند با اتکاء به سناریوهای ورشکسته و مهندسی شده، این گونه جلوه دهند که شعار "رضا شاه روح شاد" یک شعار توده ای در ایران بوده و مردم ایران خواهان قدرت گیری دوباره سگان زنجیری سابق

امپریالیست‌ها یعنی خانواده پهلوی، به جای جمهوری اسلامی هستند، جنبش دلیرانه ۱۴۰۱ با پژواک شعارهای رسای "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی برابری" که در دانشگاه های کشور تا بلوچستان دلاور و کردستان قهرمان طنین افکند و رشکستگی سلطنت طلبان در میان توده های داخل کشور و در صحنه اصلی مبارزه را به عینه به نمایش گذارد. در عرصه خارج کشور این جنبش، سلطنت طلبان با حمله به نیروهای مخالف به ویژه کمونیست‌ها و با تهدید به قتل و کشتار مبارزین و فرزندان مردم (در صورت به قدرت رسیدن) نقش کثیف خود را به عنوان بازوی خارج کشور وزارت شکنجه و سرکوب اطلاعات آشکار ساختند. آنها به خصوص با اعلام موضع خود مبنی بر حفظ سپاه و ارتش (یعنی کل نهاد های حافظ نظام ضد خلقی حاکم) واقعیت وجود ارتجاعی خود را در مقابل دید همگان قرار دادند. سلطنت طلبان و رهبران فاسد و دزدشان با شعارهای "مرگ بر سه فاسد، ملا چپی مجاهد" و ... نشان دادند که حتی فاقد ظرفیتهای فریبکارانه آخوند بیسوادی مانند خمینی هستند که حداقل پیش از به قدرت رسیدن از دموکراسی و آزادی برای کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها دم می‌زد و با این مانورها توانست اعتماد بخشی از توده‌ها را به خود جلب کند. جنبش ۱۴۰۱ نشان داد که توده‌ها فرسنگ‌ها از ضد انقلاب حاکم و دار و دسته‌های آن نظیر اصلاح طلبان و از ضد انقلاب مغلوب یعنی پس مانده های دزد و فاسد رژیم سابق یعنی سلطنت طلبان عبور کرده‌اند.

۳- با فروکش جنبش سلطنت طلبان و سایر مرتجعین نظیر مسیح علی‌نژاد و سلبریتی‌های صادراتی جمهوری اسلامی حاضر در صفوف اپوزیسیون که توسط جریان‌های امپریالیستی بر پیکر نحیف آنان باد دمیده می‌شد، پس از همه تلاش‌های خود علیه جنبش توده‌ها از صدا افتادند، همچنین پروژه‌های فریبکارانه و چند سویه "آلترناتیو سازی" توسط امپریالیست‌های حافظ جمهوری اسلامی و دشمن توده‌ها، عقیم ماند. در جریان جنبش ۱۴۰۱ در بخش خارج کشور همه شاهد بودند که امپریالیست‌ها برای تاثیر گذاری بر جنبش انقلابی ۱۴۰۱، جدا از تقویت عملی و پنهانی رژیم جمهوری اسلامی به اقدامات توطئه آمیز دیگری در سطح اپوزیسیون دست زدند. آنها با به صحنه فرستادن افراد و جریان‌های ظاهراً مخالف جمهوری اسلامی نظیر حامد اسماعیلیون در جریان این جنبش و حمایت‌های آشکار مالی و لجستیکی و تبلیغاتی از کمپ آنان در جریان تظاهرات‌های همزمان در ده ها شهر کوشیدند تا بار دیگر تمام نیروهای ضد خلقی و خلقی را زیر نام "همه با هم" و تحت یک پلاتفرم رفرمیستی و بی خاصیت دست ساز خویش و شعارهای بی خاصیت تر و تفسیر برداری نظیر "زن، زندگی، آزادی" به خط کنند. به رغم برخی



## آلمان: گزارشی از آکسیون بزرگداشت جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱



با فرا رسیدن دومین سالگرد جنبش انقلابی ۱۴۰۱، در روز شنبه ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴، فعالین چریکهای فدایی خلق در آلمان در مرکز شهر دورتموند، به یاد جانباختگان این خیزش توده‌ای، در اعتراض به موج وحشیانه اعدامها، یک آکسیون اعتراضی و افشاگرانه علیه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی برگزار کرده و یاد جانباختگان این خیزش را گرامی داشتند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند.

در این آکسیون اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و آلمانی در افشای کشتار وحشیانه رژیم داروشکنجه جمهوری اسلامی پخش گردید و همچنین با برگزاری میزکتاب با شرکت کنندگان به بحث و گفتگو پرداخته و به سوالات آنان پاسخ داده شد. شرکت کنندگان در این مراسم از ملیت‌های گوناگون بوده و تعداد شرکت کنندگان ایرانی چشمگیر بود.

عکس‌ها، بنرها و سرودهای انقلابی جلوه خاصی به این آکسیون داده بود و همچنین برخی از شرکت کنندگان به گرفتن عکس از پوسترها و بنرها موجود در این مراسم پرداختند. این آکسیون از ساعت ۱۴ آغاز و در ساعت ۱۷ با موفقیت به پایان رسید.

## زنده باد انقلاب!

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!**  
**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان**  
**۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴**

عروج و افول خود نشان داد که دشمنان مردم ما یعنی رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های حامی آن با اعمال یک دیکتاتوری مطلق العنان و عریان در تمام عرصه‌های زندگی و کار کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، خلقهای تحت ستم و ... ضمن غارت و چپاول سیستماتیک حیات و کار آنان و هم زمان مسدود کردن کوچکترین منافذ سیاسی برای ابراز مخالفت مسالمت آمیز و طرح رای و مطالبات بدیهی‌شان، یک جنگ تمام عیار و بی‌رحمانه را بر آنان تحمیل کرده اند. این دشمن است که شکل مبارزه را بر توده‌های بجان آمده تحمیل کرده است. با چنین دشمنی بدون تشکل، تسلیح، اتحاد و مبارزه نمی‌توان مقابله کرد و پیروز شد. این پیام آشکار جنبش ۱۴۰۱ به تمام توده‌های مبارز داخل و خارج کشور است که برای نابودی این رژیم و تحقق نظامی که در آن نان، مسکن، کار و آزادی و استقلال برای همگان تضمین شده باشد مبارزه می‌کنند. جنبش ۱۴۰۱ در خون فرو نشست اما شرایط مادی ای که ماشه شلیک این جنبش را کشید با ریشه‌های هر چه تنومندتری در اعماق جامعه تحت سلطه ما باقی ماند. این حقیقتی است که کابوس سرمایه داران حاکم و رژیم مدافع آن را تشکیل می‌دهد.

قهرآمیز مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه و ایجاد تشکل‌های مخفی است. این روند در مقابله با بیماری علنی‌گرایی قرار دارد که توسط خود رژیم و لیبرال‌های خادم نظام در زیر سایه سیاه دیکتاتوری بر روند حرکت روشنفکران جویای راه در اینجا و آنجا مستولی می‌شود و باعث به هزر رفتن و شکار عناصر انقلابی جامعه می‌گردد.

در طول این جنبش بر بستر شعارهایی نظیر "وای بروزی که مسلح شویم"، "ما زن و مرد جنگیم، حیف که بی تفنگیم" و ... شاهد ده‌ها عملیات پرتاب کوکتل به مساجد و مقرهای استقرار بسیجی‌های سرکوبگر و ... و حمله به نیروهای سرکوبگر و مصادره سلاح آنان در شهرهای مختلف بودیم. ماجرای تشکل و مقاومت مسلحانه دلیرانه جوانان ایده‌ای که برای مقابله با جمهوری اسلامی و جنایات آن چندین عملیات نظامی را علیه نیروهای مزدور در منطقه سازمان داده بودند نیز نمود دیگری از رشد اجتناب‌ناپذیر این گرایش در میان جوانان مبارز و آگاه است.

بدون شک می‌توان در باره تنوع و ابعاد درس‌های بی‌شمار جنبش سال ۱۴۰۱ که زمین را در زیر پای جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیست‌اش تکان داد هر چه بیشتر نوشت، اما جنبش ۱۴۰۱ در جریان

موفقیت‌های اولیه دشمنان مردم در پیشبرد این پروژه که به ویژه با همکاری بخشی از نیروها و جریان‌های چپ‌سازشکار و درمانده، پیش رفت، اما این "آلترناتیوها"ی دست ساز امپریالیست‌ها خیلی زود نشان دادند که به دلیل ماهیت سازندگان‌شان و شعارها و مواضع‌شان (از جمله مخالفت‌های رسوای‌شان با هر گونه اعمال قهر انقلابی از سوی مردم سلاخی شده در کف خیابانها علیه رژیم) جایی در قلب توده‌های داخل کشور باز نکردند. چرا که مردم ما می‌دیدند که یک سر این گونه آلترناتیوها به اصلاح طلبان داخل و صادراتی‌های خود رژیم در کانادا و اروپا وصل است و سر دیگر آن نیز در آخور کنفرانس‌های امنیتی فاشیستی‌ترین قدرت‌ها و محافل امپریالیستی در مونیخ و ... قرار دارد. در نتیجه آلترناتیوهای ضد انقلابی‌ای نظیر حامد اسماعیلیون و شرکاء مانند دانه‌های برف در تداوم جنبش گرمابخش و رادیکال توده‌ها آب شدند. گرچه چنین دستاوردی به معنای از بین رفتن چنین سیاستی در اشکال متفاوت در آینده نیست اما شکست این پرده از سیاست امپریالیست‌ها یکی دیگر از دستاوردهای جنبش توده‌ای سال ۱۴۰۱ بود.

۴. بدون شک هیچ نیروی واقع بینی نمی‌تواند به رغم تمامی نقاط قوت و پیشرفت‌های جنبش ۱۴۰۱ بر بزرگترین ضعف آن یعنی عدم وجود رهبری متشکل و انقلابی در راس این جنبش چشم پوشی کند. جنبش ۱۴۰۱ یکبار دیگر بر هزینه‌ها و درد و رنج‌های ناشی از عدم وجود یک تشکل و رهبری مردمی و انقلابی بر نهضت دلاورانه توده‌ها دست گذارد و بر ضرورت حرکت و تلاش برای کمک به ایجاد آن تأکید نمود. در شرایطی که نیروهای مروج پاسیفیسم و روشنفکران جدا از توده با برخوردهای انتزاعی خود فقدان رهبری انقلابی بر جنبش را وسیله رواج یأس و ناامیدی قرار داده‌اند، روند عینی خود این جنبش ثابت می‌کند که هر گونه حرکت برای از بین بردن این مانع تاریخی تنها و تنها از طریق تلاش برای دخالتگری مادی و معنوی در جریان خود این جنبش‌ها امکان پذیر است و شعار باید در مبارزات خودبخودی توده‌ها در هر سطح و شکلی شرکت کرد و آن را ارتقاء داد، صحیح‌ترین برخورد به این واقعیت را منعکس می‌کند.

۵- در ارتباط با واقعیت فوق است که بالاخره باید بر مهمترین دستاورد شادی‌بخش و امید برانگیز جنبش ۱۴۰۱ در ایران دست نهاد و آن هم مشاهده روند تلاش جوانان آگاه و انقلابی برای دست یازیدن به شیوه‌های مخفی رادیکال و

## گزارش سیاسی مرکزیت چریکهای فدائی خلق ایران به نشست وسیع تشکیلاتی



تهدید و حتی دستگیری و دادگاه ختم شود.

جدا از فلسطین ما شاهد جنگ در یمن و سوریه و لبنان و عراق هستیم که از سوی نیروهای نابتی امپریالیست‌ها و به خصوص امپریالیسم آمریکا پیش می‌رود و به گویائی سیاست آتش افروزی امپریالیست‌ها، این دشمنان اصلی مردم ایران، خاورمیانه و جهان را نشان می‌دهد. جدا از خاورمیانه اوکراین نیز جبهه دیگری از جنگ‌افروزی امپریالیست‌ها می‌باشد و این جنگ به دلیل دخالت ناتو هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. امروز ناتو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی" با ارسال میلیاردها دلار اسلحه به جبهه‌های این جنگ عملاً با ارتش روسیه امپریالیستی در جدال است، ارتشی که در مقابل با سیاست‌های جنگی امپریالیسم آمریکا به این کشور لشکر کشی کرده و حدود ۱۸ درصد از خاک اوکراین را اشغال کرده است. در این اوضاع امپریالیسم آمریکا و حامیان و متحدینش ضمن محکوم کردن دولت چین به عنوان مدافع روسیه در این جنگ به هر وسیله ای متوسل می‌شوند تا چین را نیز آماج حملات خود قرار دهند، امری که می‌تواند به جنگ اکران ابعاد هرچه وسیعتری بخشد.

نگاهی به مباحثات و تصمیمات هفتاد و پنجمین نشست سالانه ناتو "سازمان پیمان آتلانتیک شمالی" که در روزهای ۹ تا ۱۱ جولای (۲۰۲۴) در واشنگتن برگزار شد به روشنی نشان می‌دهد که چگونه امپریالیسم آمریکا بر طبل جنگ می‌کوبد. این نشست با شرکت ۲۲ کشور عضو و ۴ کشور متحد یعنی ژاپن، استرالیا، زلاند نو و کره جنوبی برگزار شد.

از آغاز تا پایان این نشست تاکید بر این امر بود که خطر روسیه و چین برای به اصطلاح "امنیت جهان" خطری واقعی است که ناتو باید خود را برای مقابله با آن آماده کند. این تصمیم در واقع صدای طبل‌های

رسانه‌ای از آن دفاع نموده است. در واقع بدون خواست و ارادهٔ مقامات آمریکایی این جنگ یک روز هم امکان پیدا نمی‌کرد. همه این واقعیات بیانگر آن است که جنگ اسرائیل علیه خلق فلسطین در واقع جنگ امپریالیسم آمریکا نیز علیه مردم تحت ستم فلسطین می‌باشد. بی‌جهت نیست که نخست وزیر اسرائیل روز چهارشنبه سوم مرداد ۱۴۰۳ ضمن حضور در کنگره آمریکا آشکارا به این امر اعتراف نمود و در حالی که از حزب الله و حماس به عنوان گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی نام برد گفت: "اسرائیل در نبرد خود با جمهوری اسلامی برای منافع آمریکا می‌جنگد". وی همچنین تاکید نمود که "مبارزه ما مبارزه شما است و پیروزی ما پیروزی شما خواهد بود".

واقعیات ذکر شده در فوق تنیدگی صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا را به روشنی در مقابل دید همگان قرار می‌دهد. جنایات اسرائیل در غزه و نسل‌کشی مردم فلسطین که با حمایت و پشتیبانی آشکار امپریالیسم آمریکا پیش رفته است باعث رسوائی هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا نیز گشته است، رسوائی ای که از چشم افکار عمومی جهان پنهان نمی‌باشد و در تظاهرات‌های بزرگ توده‌ای در شهرهای مختلف جهان نسل‌کشی اسرائیل در غزه و حمایت آمریکا و متحدینش از آن، بارها فریاد زده شده است. در سایه شوم این جنگ، پرده‌های زینتی دروغین "دمکراسی" و "حقوق بشر" دولتهای غربی نیز هر چه بیشتر دریده شده‌اند. اکنون در آمریکا و اروپا، شرکت در تظاهرات، نمایش کوچکترین سنبل دفاع از مردم فلسطین (نه حماس و حزب الله)، پوشیدن چفیه و سنجاق سینه حاوی پرچم فلسطین، حمل شعارهای ضد صهیونیستی (نه ضد مردم یهود) و خلاصه هر گونه اظهار نظر در اماکن عمومی در محکومیت نسل‌کشی فلسطین و دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین حتی در محیط‌های دانشگاهی می‌تواند به اخراج از کار،

### رفقا! با درود های انقلابی!

نشست وسیع تشکیلاتی ما در شرایطی برگزار می‌شود که قدرتهای امپریالیستی، جهان را به سوی جنگی ویرانگر می‌برند و در همان حال جنگ و ویرانی به یکی از مشخصه‌های منطقه ما (خاورمیانه) بدل گشته است. دشمن صهیونیستی با حملات مرگ‌بار خود به خلق فلسطین، غزه را به ویرانه‌ای بدل کرده و تاکنون باعث مرگ بیش از چهل هزار نفر گشته است که بخش بزرگی از آنها کودکان و زنان غیر مسلح و بی‌دفاع فلسطینی هستند. در چنین اوضاعی، تروریسم دولتی اسرائیل با ترور یکی از رهبران حماس در تهران و بیخ گوش نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و ترور یکی از رهبران حزب الله لبنان در بیروت می‌کوشد فضای جنگی را تشدید و این جنگ ضد مردمی را گسترش بیشتری بخشد.

با توجه به شدت و گسترش اعتراضات توده‌ای در سراسر جهان علیه جنایات دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق فلسطین "دیوان بین‌المللی دادگستری ICJ" که از آن به عنوان دادگاه جهانی نیز نام برده می‌شود یعنی عالی‌ترین نهاد قضایی جهان کنونی، نتایج و نخست وزیر جنایتکار اسرائیل را به جنایت علیه بشریت محکوم نموده و دادستان اصلی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) در تلاش است حکم دستگیری او را به اتهام استفاده از گرسنگی دادن به عنوان سلاح جنگی علیه مردم غزه و جنایت علیه بشریت، صادر نماید. اما در این حین کنگره آمریکا با دعوت از نتایج و جنایتکار و تشویق وی به دلیل پیشبرد جنگ علیه مردم فلسطین یعنی نسل‌کشی این مردم در غزه نشان داد که امپریالیسم آمریکا پشتیبان قاطع دولت صهیونیستی اسرائیل در سرکوب خلق فلسطین می‌باشد. در واقعیت امر امپریالیسم آمریکا نقش اصلی را در نسل‌کشی خلق فلسطین به عهده دارد، چرا که دولت اسرائیل توسط واشنگتن مسلح و تجهیز شده و در عمل دولت آمریکا هزینه‌های این جنگ را پرداخته و در همه جا از نظر دیپلماتیک و تبلیغات



جنگی را به صدا در آورد که امپریالیسم آمریکا جهت "تسلط جهانی کامل" بر روی آن می‌کوبد.

امر پوشیده ای نیست که در چهارچوب استراتژی آمریکا برای قرن ۲۱ که رسماً از سوی دولت آمریکا منتشر شده است این دولت اعلام کرده است که اجازه نمی‌دهد هیچ دولتی نقش رهبری وی در جهان را به خطر بیندازد. بر این اساس با توجه به رشد روز افزون اقتصاد چین و این واقعیت که دولت چین هر روز بازارهای بیشتری را تحت نفوذ خود در می‌آورد و نقش بزرگتری در اقتصاد جهان پیدا می‌کند در رقابت امپریالیستی، دولت چین یکی از آماج‌های اصلی قدرت امپریالیستی آمریکا قرار دارد. بی دلیل نیست که نشست ناتو در واشینگتن (اتحاد نظامی‌ای که زیر رهبری آمریکا است) رشد همکاری‌های استراتژیک چین با روسیه برای تغییر نظم حاکم بر جهان - که بر اساس منافع آمریکا شکل گرفته - را خطری بزرگ برای جهان "مبنی بر قانون" یعنی سلطه بلا منازع آمریکا اعلام کرد و نگرانی خود را از این امر مطرح و تلاش برای جلوگیری از تغییر نظم جهانی موحود را در دستور کار خود قرار داد. این امر بیانگر آن است که آمریکا و ناتو خود را برای جنگی جهانی آماده می‌کنند. درست در همین راستاست که آمریکا و متحدینش از یک طرف شروع به خرید و تولید هرچه بیشتر تجهیزات نظامی کرده‌اند و از طرف دیگر با اعلام اجباری کردن خدمت سربازی می‌کوشند تا صفوف ارتش‌های سرکوبگر خود را هر چه بیشتر گسترش بخشند. واضح است که اجباری کردن خدمت نظام وظیفه به معنی آن است که آمریکا به ارتشی بزرگ‌تر از ارتش داوطلب موجود نیاز دارد و در راستای همین نیاز پیش می‌رود. وزیر دفاع انگلستان نیز در رابطه با "تزلزل" پایه‌های نظم بین‌المللی "مبنی بر قوانین" (بخوان "نظم امپریالیستی موجود") هشدار داده و می‌گوید: "ما خود را در آغاز این دوره جدید می‌یابیم و از دنیای پس از جنگ به دنیای قبل از جنگ رسیده‌ایم." با چنین هشدار و وزیر دفاع انگلستان به واقع از احتمال جنگ‌های بیشتر در آینده و در اساس با چین و روسیه سخن می‌گوید. بر این مینا، وی خواهان افزایش و تقویت هزینه‌های دفاعی جهت آمادگی برای پنج سال آینده شد.

از طرف دیگر در شرایطی که جهان را خطر جنگی در ابعاد جهانی تهدید می‌کند شاهدیم که پوتین نیز تهدید به استفاده از سلاح اتمی می‌کند؛ و آمریکا نیز به نوبه خود در تلاش جهت گسترش و تقویت زرادخانه هسته‌ای خود می‌باشد. نباید فراموش کرد که امپریالیسم آمریکا در سال ۲۰۱۹ به طور یک جانبه از پیمان نیروهای هسته‌ای که در ۱۹۸۷ با شوروی سابق

واقعیت این است و تجربه هم نشان داده است که دخالت‌های جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه نه در تقابل با امپریالیسم بلکه اتفاقاً در جهت پیشبرد برنامه‌های آنهاست. این همان امری است که نیروهای اپورتونیست در جنبش قادر به تشخیص آن نیستند و نمی‌توانند ببینند که این دخالت‌ها نه تنها هیچ سودی برای اقتصاد ایران و مردم ایران ندارد بلکه بارسنگینی است بر دوش بودجه کشور، و عاملی است که باعث تشدید فقر و فلاکت در میان توده‌های ستمدیده گشته است. بنابراین باید با قاطعیت روی این واقعیت پا فشرده که سیاست خارجی‌ای که جمهوری اسلامی در شرایط جهانی حساس کنونی پیش می‌برد که تحریم‌ها و هزینه‌های بالای نظامی ذاتی آن می‌باشد درست در راستای منافع امپریالیستها و در تقابل با منافع کارگران و ستمدیدگان می‌باشد.

امضاشده بود خارج شد تا بتواند با تقویت زرادخانه هسته‌ای اش سروری آمریکا در جهان را تداوم بخشد.

واقعیت این است که تاکید بر میلیتاریسم و کوبیدن بر طبل جنگ دلائل اقتصادی خاص خود را دارد. لنین در رابطه با جنگ جهانی اول بر اساس تجزیه و تحلیل واقع بینانه‌ای که از پدیده امپریالیسم ارائه داده بود مطرح کرد "جنگ مولود اراده شرارت‌بار سرمایه‌داران درنده خو نیست. گرچه بدون شک فقط به نفع آنها انجام می‌گیرد و فقط بر ثروت آنها می‌افزاید. جنگ مولود تکامل نیم قرن سرمایه جهانی و میلیاردها رشته و ارتباطات آن است." (نقل از "وظایف پرولتاریا در انقلاب ما- چگونه می‌توان به جنگ خاتمه داد"). امروز نیز در رابطه با احتمال وقوع جنگ جهانی دیگری چنان واقعیتی مطرح است. رشد شدید اقتصاد چین در چند دهه اخیر و تضعیف موقعیت اقتصادی ایالات متحده آمریکا امری است که دولتمندان امپریالیسم آمریکا را بر آن داشته است که بکوشند با تکیه بر قدرت نظامی برتر خود موقعیت فائقه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم کسب کرده‌اند را حفظ کنند. آنها سیاست "محور و چرخش به آسیا" را در دستور خود قرار دادند که به خصوص در زمان اوپاما بیشتر روی آن تکیه شد. بر اساس این سیاست، امپریالیسم آمریکا دولت چین را خطری بزرگ و رقیبی خطرناک معرفی می‌کند. مثلاً ترامپ اخیراً چین را "قدرت تجدیدنظرطلب" که می‌خواهد نظم موجود جهانی را تغییر دهد، نامید و اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن به ریاست جمهوری آمریکا قصد دارد "حاه طلبی" های این قدرت را مهار نماید. باید دانست که سیاست "محور و چرخش به آسیا" سیاست پذیرفته شده توسط کل امپریالیسم آمریکا است و جدا از اینکه کدام

حزب در آمریکا در قدرت باشد دنبال می‌شود. به همین دلیل است که بایدن، رئیس جمهور متعلق به حزب دموکرات آمریکا، چین را "مهم‌ترین چالش هر کشور و ملت در جهان برای ایالات متحده" نام می‌برد. یا آنتونی بلینکن وزیر خارجه کنونی آمریکا از حزب دموکرات با صراحت در باره امپریالیسم چین گفت "چین تنها کشوری است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای انجام آن را دارد. چشم انداز پکن ما را از ارزش‌های جهانی که در ۷۵ سال گذشته پیشرفت‌های زیادی در جهان داشته دور می‌کند." از این روست که تمام دولتمندان آمریکا از ضرورت مقابله با به اصطلاح "روش‌های تجاری ناعادلانه" دولت چین سخن می‌گویند و نگرانی خود را از رشد امپریالیسم چین در مقابل امپریالیسم آمریکا پنهان نمی‌کنند. از جمله اسناد دفاعی ایالات متحده تأکید دارد که چین

"بزرگ‌ترین پتانسیل را برای رقابت نظامی با ایالات متحده و رقابت در فناوری‌های نظامی مخرب دارد که می‌تواند در طول زمان مزایای نظامی سنتی ایالات متحده را که در نبود استراتژی‌های متقابل مهارکننده ایالات متحده که وجود ندارد، خنثی کند." ([Quadrennial Defense Review Report" \(PDF\). United States Department of Defense. February 6, 2006.](#))

با توجه به جهت‌گیری‌های امپریالیسم آمریکا به سوی یک جنگ جهانی و در شرایطی که متحدین‌شان نیز خود را در شرایط "قبل از جنگ" می‌بینند بطور طبیعی شاهد رشد روزافزون راست‌ترین جناح‌های سرمایه داری و رشد فاشیسم در کشورهای گوناگون می‌باشیم که تأییدی است بر این امر که جهان امپریالیستی به قول وزیر دفاع انگلستان وارد "دنیای قبل از جنگ" شده است.

تشدید رقابت‌های امپریالیستی و تلاش برای گسترش منطقه نفوذ که البته ذاتی نظم جهانی امپریالیستی کنونی است همراه با رشد روز افزون بحران‌های اقتصادی در نظام سرمایه داری و تشدید فقر و فلاکت و بیکاری، امکان خیزش‌های توده‌ای و رشد و گسترش آنها را در سراسر جهان بالا برده است. ما هم اکنون شاهد گسترش و اوج‌گیری چنین خیزش‌ها و جنبش‌های انقلابی توده‌ای در نقاط مختلف جهان از کشورهای آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا و آسیا هستیم که بی‌شک در درون خود امکان ایجاد رهبری‌های انقلابی را به وجود خواهد آورد. در واقع این جنبش‌ها و خیزش‌های توده‌ای نویدبخش مقابله مبارزه انقلابی توده‌ای با نیروهای امپریالیستی و به طور کلی با امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی خلق‌های جهان می‌باشند.

با توجه به واقعیت‌هایی که در بالا به آن اشاره شد حال ضروری است به ایران بازگردیم و ببینیم که جمهوری اسلامی که

امپریالیستها و در تقابل با منافع کارگران و ستمدیدگان می‌باشد.

حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران و شدت استثمار کارگران و زحمتکشان و ولخرجی‌های جمهوری اسلامی در رابطه با پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی در منطقه نه فقط فقر و گرسنگی و بی‌خانمانی به اکثریت مردم ما تحمیل کرده است بلکه باعث نابسامانی‌های گسترده‌ای از قطع برق‌های مکرر گرفته تا ابراز ناتوانی دولت در پرداخت پول به کشاورزانی که از آنها گندم خریداری شده تا گسترش جرم و جنایت و دزدی و... گشته است. در چنین شرایطی مدام بر شدت ناراضی و خشم و نفرت مردم از وضع موجود افزوده می‌شود، به طوری که هر روز شاهد رشد و گسترش اعتراضات مردمی در سراسر کشور می‌باشیم. به واقع روزی نیست که در گوشه‌ای از این سرزمین شاهد اعتصاب و اعتراض کارگرانی که دستمزدهایشان چند برابر زیر خط فقر قرار دارد و سرمایه‌داران از پرداخت به موقع همین چندرغاز نیز خودداری می‌کنند، نباشیم.

این وضع در شرایطی است که سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران متأثر از بحران بزرگی که سراپای سیستم سرمایه‌داری جهانی را فرا گرفته است، قادر به پاسخ‌گویی به ابتدائی‌ترین نیازهای جامعه نمی‌باشد. در نتیجه بر زمینه بحران موجود شاهد گسترش و شدت‌یابی ابعاد باور نکردنی فقر و فلاکت کارگران و توده‌های ستمدیده ایران می‌باشیم. شاهدیم که ارزش پول کشور هر روز کمتر شده و تورم لجام‌گسیخته هر روز قدرت خرید رنجبران را کاهش می‌دهد. کار به جایی رسیده است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند که اقتصاد کشور با بالا ترین نرخ تورم سالانه یعنی ۵۲٫۳ درصد مواجه شده که به اعتراف خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی در ۸۰ سال گذشته سابقه نداشته است. این واقعیات به همراه اعمال دیکتاتوری عریان و شدیداً قهرآمیز برای حفظ وضع موجود کارد به استخوان توده‌ها رسانده است. وقوع خیزش‌های بزرگ توده‌های اخیر و این که با گذشت زمان فاصله این خیزش‌ها هر چه کوتاه‌تر شده است بیانگر شدت تضاد بین اکثریت مردم ایران با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و به عبارت دیگر بیانگر شدت تضاد بین خلق و امپریالیسم می‌باشد.

شرایط عینی توصیف شده همراه با روحیات مبارزاتی‌ای که توده‌ها چه در جریان خیزش‌های مردمی از جمله خیزش ۱۴۰۱ نشان دادند و چه با تحریم گسترده انتخابات ریاست جمهوری اخیر پس از مرگ رئیسی جنایتکار آشکار شد به روشنی پایگاه بسیار محدود دیکتاتوری حاکم و گستردگی و شدت خشم و نفرت توده‌ها از وضع موجود و این دیکتاتوری را در مقابل

**تشدید رقابت‌های امپریالیستی و تلاش برای گسترش منطقه نفوذ که البته ذاتی نظم جهانی امپریالیستی کنونی است همراه با رشد روز افزون بحران‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری و تشدید فقر و فلاکت و بیکاری، امکان خیزش‌های توده‌ای و رشد و گسترش آنها را در سراسر جهان بالا برده است. ما هم اکنون شاهد گسترش و اوج‌گیری چنین خیزش‌ها و جنبش‌های انقلابی توده‌ای در نقاط مختلف جهان از کشورهای آمریکا لاتین گرفته تا آفریقا و آسیا هستیم که بی‌شک در درون خود امکان ایجاد رهبری‌های انقلابی را به وجود خواهد آورد. در واقع این جنبش‌ها و خیزش‌های توده‌ای نویدبخش مقابله مبارزه انقلابی توده‌ای با نیروهای امپریالیستی و به طور کلی با امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی خلق‌های جهان می‌باشند.**

اغلب نیروهای مخالف جمهوری اسلامی تحت تأثیر رسانه‌های امپریالیستی و ناتوان از ارائه یک تحلیل واقع‌بینانه و وقوف به این واقعیت که حرکت این رژیم در منطقه در جهت اجرای وظایفی است که امپریالیست‌ها بر عهده رژیم وابسته خود قرار داده‌اند، با این دید که گویا رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم مستقل می‌باشد همه عملکردهای این رژیم در خاورمیانه را ناشی از جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند. جالب است که این نیروها در حالی از به اصطلاح قدرت جمهوری اسلامی و جاه‌طلبی‌هایش دم می‌زنند که این رژیم حتی زمانی که می‌خواهد تعدادی موشک به سوی اسرائیل پرتاب کند از قبل به اربابانش اطلاع می‌دهد. تازه، اکثر این موشک‌ها به اسرائیل نرسیده در هوا منهدم می‌شوند و همان داستانی تکرار می‌شود که در جریان موشک‌پراکنی به پایگاه "عین الاسد" آمریکا در عراق اتفاق افتاد، واقعه‌ای که ترامپ بعدها اعلام کرد که جمهوری اسلامی به ما گفته بود که چند موشک پرتاب خواهد کرد!

واقعیت این است و تجربه هم نشان داده است که دخالت‌های جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه نه در تقابل با امپریالیسم بلکه اتفاقاً در جهت پیشبرد برنامه‌های آنهاست. این همان امری است که نیروهای اپورتونیست در جنبش قادر به تشخیص آن نیستند و نمی‌توانند ببینند که این دخالت‌ها نه تنها هیچ سودی برای اقتصاد ایران و مردم ایران ندارد بلکه بارسنگینی است بر دوش بودجه کشور، و عاملی است که باعث تشدید فقر و فلاکت در میان توده‌های ستمدیده گشته است. بنابراین باید با قاطعیت روی این واقعیت پا فشرد که سیاست خارجی‌ای که جمهوری اسلامی در شرایط جهانی حساس کنونی پیش می‌برد که تحریم‌ها و هزینه‌های بالای نظامی ذاتی آن می‌باشد درست در راستای منافع

رژیمی وابسته به امپریالیسم می‌باشد در چنین اوضاع و احوالی و در شرایطی که سایه جنگی بزرگ بر سر جهان در حال گسترده شدن است، چگونه و چه خطوطی از سیاست‌های امپریالیستی را پیش می‌برد. قبلاً اشاره کردیم که اگر جهان به سوی جنگی ویرانگر پیش می‌رود منطقه ما سالهاست که شاهد جنگ و ویرانی است و اتفاقاً در اکثر این درگیری‌ها از حوثی‌های یمن تا حزب الله لبنان و از حماس تا سوریه و عراق در همه جا رد پای جمهوری اسلامی به روشنی دیده می‌شود. جمهوری اسلامی یا نیروهای نظامی‌اش را همچون سوریه برای پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی در آن کشور به میدان فرستاده است و یا به تسلیح نیروهای نیابتی خود و قرار دادن امکانات مالی و غیره به آنها مبادرت کرده است.

**دخالت‌های جمهوری اسلامی در آتش‌افروزی در منطقه این امکان را به قدرت‌های غربی حامی این رژیم داده است که بتوانند در تبلیغات رسانه‌های خود از رژیم جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از محور شر نام برده و از آن به عنوان لولویی برای توجیه سیاست‌های امپریالیستی خود در منطقه خاورمیانه استفاده کنند. اما، واقعیت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ادامه سیاست خارجی امپریالیست‌ها و به طور مشخص امپریالیسم آمریکا است.**

باید تأکید کرد که توجه به نقش سرکردگی امپریالیسم آمریکا در جهان (پس از جنگ جهانی دوم) و برجستگی سنتی حضور این قدرت جهانی در ایران در دو رژیم وابسته شاه و جمهوری اسلامی به هیچ وجه نافی نقش و وزن دول امپریالیستی چین و روسیه و یا اتحادیه اروپا و کانادا و سایر شرکا و رقبای آمریکا در ایران نیست. بطور مثال امپریالیسم روسیه و چین در ایران با توافق آمریکا دارای یک بازار معین (در اشکالی نظیر غارت ارزان نفت و گاز، قراردادهای تجاری و صدور کالاهای بنجل، صدور سلاح و جنگ افزار برای تقویت ارتش و سپاه، پروژه رسوای نیروگاه اتمی بوشهر و...) بوده و از غارت منابع و ثروت‌های طبیعی کشور ما و استثمار طبقه کارگر و خلق‌های تحت ستم دارای سهم مشخصی هستند. این قدرتهای غارتگر جهانی دشمنان قسم خورده مردم ایران بوده و از بقای نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در ایران و تداوم حاکمیت رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی سود می‌برند. در تحلیل نهایی اما این امپریالیسم آمریکاست که قدرت فائقه امپریالیستی در ایران است.



**هم تاکتیک" را جهت مسلح کردن توده‌ها و رهبری مبارزات مسلحانه آنان برای رسیدن به پیروزی بر عهده دارند. به این واقعیت نیز باید اشاره کرد که سر داده شدن این شعارها توسط توده‌های میلیونی و اعمال انقلابی آنان تماماً منطبق بر نظرات و تحلیل‌های سازمان ما بوده و بیانگر آن است که توده‌های انقلابی ایران بر درستی شعارها و تحلیل‌های سازمان ما مهر تأیید زده اند. اما نکته قابل تأکید این است که با توجه به شدت گیری روزافزون تضاد بین ستمدگان جامعه با رژیم جمهوری اسلامی که حافظ مناسبات سرمایه‌داری ظالمانه حاکم بر ایران است، شکی نمی‌توان داشت که خیزش‌های بزرگ دیگری در راه است و دیر یا زود ما شاهد خیزش‌های توده‌ای جدیدی خواهیم بود که در هر گوشه این سرزمین بروز خواهند کرد. آگاهی به این امر در مقابل رفقا و کل سازمان ما این وظیفه را قرار می‌دهد که با هشیاری حوادث و تحرکات نیروهای طبقاتی مختلف در جامعه را تعقیب کنند تا بتوانند در شرایط مقتضی دست به عملکردهای لازم بزنند.**

با توجه به این واقعیت که در حال حاضر جنبش انقلابی مردم ما از وجود یک رهبری انقلابی در صحنه مبارزات درون جامعه ایران در رنج است جامعه با طیفی از دار و دسته های ضدانقلابی روبروست که برای رسیدن به قدرت چشم به امداد های قدرتهای امپریالیستی بسته و خود را آلترناتیو جمهوری اسلامی جلوه می‌دهند. مقابله با این دار و دسته‌ها و نظراتی که اشاعه می‌دهند و همچنین افشای نظرات اپورتونیستی در جنبش یک وظیفه انقلابی است که باید انجام شود. در نتیجه سازمان ما باید ضمن احوال شرایط جامعه برای دخالت آگاهانه در شرایط و اتخاذ مواضع انقلابی در مقابل رویدادهای پیشاروی به یک مبارزه ایدئولوژیک قاطع با نیروهای اپورتونیست در جنبش دامن زده و کماکان موفق به اشاعه نظرگاه های انقلابی در جامعه گردد.

### رفقا!

همانطور که نشان دادیم امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم آمریکا در تلاش اند تا جهت تحکیم موقعیت اقتصادی و سیاسی خود و حفظ مناطق نفوذ و بازارهای تحت نفوذشان بر طبل جنگ بکوبند.

این واقعیتی انکار ناپذیر می باشد که یک جنگ ویرانگر امپریالیستی شرایط بس مرگبار و دشواری را برای مردم به بار خواهد آورد. اما باید دانست که اوضاع هیچوقت تماماً به خواست دشمنان مردم پیش نرفته و پیش نخواهد رفت. بدون شک چنین جنگی فرصت های نوینی را در پیشاروی کمونیستها و توده‌های انقلابی قرار خواهد داد. فراموش نکرده ایم که انقلاب اکتبر در جریان جنگ جهانی اول

با توجه به این واقعیت که در حال حاضر جنبش انقلابی مردم ما از وجود یک رهبری انقلابی در صحنه مبارزات درون جامعه ایران در رنج است جامعه با طیفی از دار و دسته های ضدانقلابی روبروست که برای رسیدن به قدرت چشم به امداد های قدرتهای امپریالیستی بسته و خود را آلترناتیو جمهوری اسلامی جلوه می‌دهند. مقابله با این دار و دسته‌ها و نظراتی که اشاعه می‌دهند و همچنین افشای نظرات اپورتونیستی در جنبش یک وظیفه انقلابی است که باید انجام شود. در نتیجه سازمان ما باید ضمن احوال شرایط جامعه برای دخالت آگاهانه در شرایط و اتخاذ مواضع انقلابی در مقابل رویدادهای پیشاروی به یک مبارزه ایدئولوژیک قاطع با نیروهای اپورتونیست در جنبش دامن زده و کماکان موفق به اشاعه نظرگاه های انقلابی در جامعه گردد.

ستم و دیکتاتوری و وضع استثمارگرانه موجود خود را در خیزش‌ها یا به عبارت دیگر قیام‌هایی که توده‌های مبارزه ایران در چند سال اخیر برپا کردند آشکار ساخت. این قیام‌ها پاسخی به فقر و فلاکت شکل داده شده توسط سرمایه‌داران و رژیم مدافع آنان یعنی جمهوری اسلامی بوده است.

اگر از خیزش سال ۱۳۸۸ به این سو به خیزش‌های توده‌ای رخ داده نظری بیفکنیم می بینیم که از دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و اعتراضات ۱۴۰۰ و قیام توده‌ای بزرگ شهریور ۱۴۰۱ که به خیزش ژینا(مهسا) هم معروف شد کشور ما شاهد خیزش‌های مردمی بوده است که در فاصله زمانی کوتاهی از هم در بیشتر شهرهای کشور رخ داده است. در تمامی این خیزش‌ها شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" در وسعت توده‌ای سر داده شد که نشان می‌داد رژیم سرکوبگر حاکم تا چه اندازه مورد نفرت توده‌ها قرار داشته و فاقد هر گونه پایگاه و مشروعیت مردمی است. از طرف دیگر اقدام **جوانان انقلابی در حمله به مراکز ستم و سرکوب جمهوری اسلامی و کوشش در مسلح کردن خود و به کارگیری کوکتل مولوتف برای مقابله با نیروهای مسلح وحشی جمهوری اسلامی و همچنین سر داده شدن شعارهای انقلابی‌ای چون "وای به روزی که مسلح شویم" و نظایر آن و شعار گویانی که توده‌های ستم‌دیده و انقلابی بلوچستان سردادند: "ما اهل جنگیم حیف که بی‌تفنگیم"، خواست ستم‌دگان جامعه برای مسلح شدن و جنگ با دشمنانشان را هر چه بیشتر و در ابعاد توده ای آشکار ساخت. این خواست انقلابی توده‌های تحت ستم ایران در همان حال به نیروهای انقلابی پیشرو یادآوری می‌کند که وظیفه پی‌گیری راه "مبارزه مسلحانه هم استراتژی**

چشم همگان قرار داد. در جریان مضحکه انتخابات اخیر پس از مرگ رئیسی، سردمداران جمهوری اسلامی تلاش کردند با انتصاب مهره ای که به اصطلاح اصلاح طلب قلمداد می‌شود قدرت فریبکاری خود را فزونی بخشد اما بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی فاقد هرگونه پتانسیل اصلاح بوده و به همین دلیل هم انتخاب مسعود پزشکیان به عنوان رئیس جمهور جدید دیکتاتوری حاکم حتی قادر نیست کمترین قدرت مانوری در داخل کشور به دار و دسته حاکم بدهد. اگر جمهوری اسلامی با پروژه خاتمی برای مدتی توانست گفتمان اصلاح طلبی را در فضای سیاسی کشور حاکم کند اما در شرایط کنونی قادر به چنین کاری نیست. چرا که جمهوری اسلامی با ولی فقیه‌اش خامنه‌ای یعنی رأس دیکتاتوری حاکم حاضر نیست کوچکترین تغییری در سیاست های ضد مردمی خود ایجاد نماید. در واقع پزشکین کاریکاتور خاتمی می‌باشد و سناریو مضحک انتخاب او به عنوان رئیس جمهور اصلاح طلب تنها برای تطهیر چهره رژیم در مناسبات بین المللی به کار می‌آید و مطلقاً هیچ نکته مثبتی برای زندگی توده‌ها در بر ندارد.

سازمان ما در زمان انتصاب خاتمی به ریاست جمهوری یعنی از همان ابتدای پروژه کلان اصلاحات در سال ۱۳۷۶ در میان مخالفت‌های بسیاری از نیروهای سیاسی که با وجود رژیم جمهوری اسلامی امید به اصلاحات این رژیم بسته بودند شعار "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" را در جنبش مطرح نمود که به تدریج به صورت یک شعار همگانی در آمد. دیدیم که مفهوم این شعار بعدها از زبان توده‌های میلیونی در جریان خیزش دی ماه ۱۳۹۶ شنیده شد که فریاد زدند "اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا". این شعار امروز هم همچنان راهنمای عمل مبارزین در کف خیابان می‌باشد.

هنوز مدت کوتاهی از ریاست جمهوری پزشکین نمی‌گذرد که او چهره واقعی خود را به صورتی که مردم آگاه و مبارز ایران بیان کرده بودند به همگان نشان داد. افزایش شمار اعدام‌ها و از جمله اعدام رضا رسایی از بازداشت شدگان خیزش ۱۴۰۱ و همچنین اعدام گروهی حداقل ۲۲ نفر در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد در زندان قزل حصار کرج در شرایطی که سرکوب دختران و زنانی که تن به حجاب اجباری نمی‌دهند همچنان ادامه دارد، خود گواهی است بر نقش کاریکاتوری این مهره سوخته دیکتاتوری حاکم که در جریان مناظره‌های انتخاباتی مدعی بود "ما ۴۰ سال است با مداخله می‌خواهیم حجاب را نهادینه کنیم. آقایانی که به دنبال طرح نور هستند بگویند این موضوع ما را به نور می‌کشاند یا انتهای آن سیاه است؟".

همانطور که می‌دانیم شدت خشم و نفرت شدید توده‌های تحت ستم ایران از ظلم و

## گزارشی از نشست عمومی فعالین

### چریکهای فدایی خلق ایران

اخیراً فعالین چریکهای فدائی خلق در کشور های مختلف در تداوم جلسات برنامه ریزی شده جمعی خود اقدام به برگزاری یک نشست عمومی نمودند. آنچه در زیر می آید گزارشی کوتاه از چگونگی برگزاری این نشست می باشد.

در ابتدا به یاد همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم و همه کمونیستهای که در صفوف چریکهای فدائی خلق جان باخته اند، رفقا بپاخاسته و یک دقیقه سکوت کردند. سپس مقررات ناظر بر کار جلسات به تصویب جمع رسید و برای این که رفقای بیشتری دست‌اندرکار اداره جلسات باشند پیشنهاد چرخشی شدن مسئول جلسه ارائه و مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه رفیقی به عنوان مسئول جلسه برای روز اول انتخاب شد.

به روال نشست های قبلی در ابتدا ارائه و بررسی گزارش واحدها و فعالین هرکشور در دستور کار نشست قرار گرفت. به این ترتیب همه رفقا با ارائه گزارشات خود، نشست را بطور عینی در جریان شرایط سیاسی و حد و حدود فعالیت های نیرو های مخالف جمهوری اسلامی و خودشان در کشوری که در آن فعالیت می کنند قرار دادند. در نتیجه نشست با آگاهی از کمیت و کیفیت فعالیت های مبارزاتی در هر کشور ارزیابی دقیقی از اوضاع عمومی فعالیت های مبارزاتی در کشورهای مختلف به دست آورد تا بر مبنای آن برنامه فعالیت های مبارزاتی آینده هر چه واقعی تر و بهتر صورت گیرد. در جریان این مباحثات بر فعالیت های ارزشمند فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در سازماندهی و برگزاری حدود ۲۶۰ آکسیون و برنامه مبارزاتی علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و در دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکش ایران در فاصله بین دو نشست فعالین سازمان در کشورهای مختلف تاکید و بر آن ارج گذارده شد.

همچنین انعکاس فعالیت های سازمان در داخل کشور و استقبال جوانان از تحلیل ها و موضع گیری های صورت گرفته و راه های گسترش این فعالیت ها موضوع بحث های دیگری در این زمینه بود. نشست وقت مناسبی را برای بررسی و ارائه انتقادات و پیشنهاد های موجود جهت ارتقاء فعالیت های مبارزاتی در کشورهای مختلف تخصیص داد. به دنبال این امر گزارش کاملی از فعالیت های مبارزاتی کل تشکیلات چریکهای فدائی خلق در رابطه با حوزه های گوناگون (نظری، عملی، تشکیلاتی و مالی) در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و حول نقطه نظرات و ملاحظات رفقا در باره این گزارشات بحث و تبادل نظر صورت گرفت. نشست پس از استماع همه گزارشات و قرار گرفتن در جریان مسایل مربوطه و با آگاهی به توانائی ها و نقصان های موجود در فعالیت های سازمان، به بحث و تبادل نظر در مورد ارتقای فعالیت های سازمان و راه های غلبه بر نقصان ها پرداخت. در خاتمه این بخش گزارش مالی مورد بحث قرار گرفت و در این قسمت تاکید شد چون منابع درآمد تشکیلات حق عضویت اعضا و کمک های مالی دوستداران سازمان می باشد ضروری است که رفقا با جدیت بیشتری به جمع آوری کمک های مالی بپردازند.

پس از پایان این قسمت از کار نشست نوبت به بحث های رسید که از قبل برای ارائه در نشست تعیین شده بودند. یکی از این بحث ها مربوط به ماهیت حماس و بنیادگرایی اسلامی بود. دلیل انتخاب این موضوع برای بحث در نشست با توجه به این واقعیت بود که در بستر نسل کشی دولت صهیونیستی اسرائیل در غزه شاهد رشد برخی دیدگاه های انحرافی هستیم که به نوعی حماس را بخشی از مقاومت خلق فلسطین و نیرویی در صف خلق معرفی می کنند. در این بحث با تکیه بر واقعیات و اسناد منتشر شده، بر ماهیت ارتجاعی بنیادگرایی اسلامی در کل و حماس به مثابه بخشی از آن تاکید شد و سیاست مبتنی بر هر گونه دفاع از این جریان، تحت هر عنوانی مورد نقد قرار گرفت. یکی دیگر از بحث های نشست مربوط به مروری بر انقلاب اکبر و فراز و نشیب های این رویداد بزرگ تاریخی بود که با استقبال رفقا و شرکت فعال آنان مواجه شد. همچنین بحثی آگاهگرانه در باره دلائل تاریخی ستم بر زن و تکامل خانواده از سوی یکی از رفقای زن مطرح شد که بحثی روشنگرانه بود و باعث بحث های خلاقی در این زمینه شد. با توجه به حضور نیروهای جوان که به تازگی به صفوف فعالین سازمان پیوسته اند بحثی هم در باره دوران حضور سازمان در کردستان و اوضاع این منطقه و نوع فعالیت های پیشمرگان سازمان طرح شد که با استقبال رفقا مواجه گشت و به سوالات آنان در این زمینه پاسخ داده شد.

سرانجام، نشست با خواندن سرود انترناسیونال از طرف همه رفقا به پایان خود رسید. مهمترین نکته این جلسات حاکم بودن یک فضای رفیقانه و صمیمی و پر شور مبارزاتی در جمع رفقا بود. یکی دیگر از نکات مثبت این نشست این واقعیت بود که تقریباً هر روز پس از پایان ساعات رسمی برگزاری نشست رفقا به بحث های آزاد در مورد مسایل مختلف می پرداختند. در همین فواصل رفقائی هم به معرفی برخی از شهدای سازمان و بازگویی برخی خاطرات مربوط به تاریخ سازمان مبادرت کرده و یا پاسخگوی پرسش های رفقا در زمینه های مختلف بودند.

شکل گرفت و برخی از رهبران این انقلاب، جنگ امپریالیستی جهانی اول را موجب ایجاد شرایط انقلابی ای که به انقلاب اکبر منجر شد معرفی کرده اند. همچنین جنگ جهانی دوم نیز به رغم خواست سرمایه داران برای نابودی شوروی آن زمان به قدرتی هر چه بیشتر این قدرت و تسهیل پیروزی انقلاب چین انجامید. بنابراین باید دانست در حالیکه جنگ ها با ویرانی و قربانیان غیر قابل جبران توأم می باشند اما امکان انقلاب علیه وضع موجود را نیز فزونی می بخشند و وظایف نوینی جهت پیروزی مقابل نیرو های انقلابی و کارگران و ستمیادگان قرار می دهند. همچنانچه در ایران نیز خیزش های مردمی در حالیکه به دلیل فقدان رهبری انقلابی قادر به تحقق خواسته های اصلی کارگران نمی باشند اما روندهائی هستند که راه را برای شکل گیری چنین رهبری هائی صیقل داده و تسهیل می نمایند. در طی این جنبش ها است که نسل های جوان برای نبردهای پیروز آینده تجربه کسب می کنند. پس باید خود را برای استفاده از فرصت هائی که این خیزش ها و جنگ ها فراهم می کنند آماده نمود. بی شک تشکل و سازماندهی نیروها و کوشش در تحقق شعار "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه، پیروزی" و در کام اول این جهت گیری، حرکت به سوی ایجاد و تشکیل سازمان سیاسی-نظامی در داخل اصلی ترین کام برای استفاده از فرصت های مبارزاتی خواهد بود.

در این گزارش تلاش شده تا توجه نشست به موضوعاتی که باید روی آنها تمرکز نمود جلب شود. امید است که در بستر خرد جمعی که از درون مباحثات نشست حاصل خواهد شد مواضع و تحلیل های سازمان هر چه واقعی تر و عینی تر گردد تا بتوانیم در هر کجا که هستیم به وظایفی که تاریخ در برهه کنونی در مقابل کمونیستها قرار داده است عمل کنیم و سهمی در خدمت به تسهیل راه رهایی کارگران و زحمتکشان بر دوش گرفته و به نوبه خود سدی در مقابل بازدارندگان حرکت پویای تاریخ به پیش ایجاد کنیم.

با ایمان به پیروزی راهمان!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!  
مرکزیت چریکهای فدایی خلق ایران  
مرداد برابر با آگوست ۲۰۲۴





چریکهای فدایی خلق ایران



The Iranian People's Fadaee Guerrillas

## گزارش به رفقا!

حق انتخاب کردن و شدن هر رفیق. دوم گزارش دهی همه ارگانها به مرکزیت و مرکزیت به همه نهادها. سوم اصل تبعیت فرد از سازمان، ارگانهای پائینی از ارگانهای بالایی و تبعیت تمام سازمان از مرکزیت، حق انتقاد از همه ارگانهای سازمان از مرکزیت گرفته تا سایر ارگانها و انتقاد و انتقاد از خود.

در نتیجه در هنگام مطالعه این گزارش تشکیلاتی و ارزیابی از فعالیتها پیمان مهم است که تک تک ما با درک موقعیت و جایگاه و وزن تشکیلات خود، با توجه به اصل راهنمای تشکیلات ما یعنی سانترالیسم دمکراتیک، به این امر توجه کنیم که تا چه حد با ایفای نقش سازنده و برخورد فعال خود به تحکیم این اصل و جاری شدن آن در کل تشکیلات کمک کرده ایم و اگر در این زمینه کمکاری و نقصانی وجود دارد از این فرصت و از مباحثات نشست استفاده کرده و در جهت رفع آن نقایص برآییم تا تشکیلات ما بهتر بتواند به جنبش توده‌های ستمدیده و امر رهائی طبقه کارگر خدمت کند.

نباید فراموش کرد که لنین تا چه حد بر وجود سانترالیسم دموکراتیک و انضباط در حزب بلشویک به عنوان یکی از دلایل پیروزی این حزب در انقلاب، تأکید کرده است. مانو، رهبر انقلاب چین نیز تأکید می‌کند: "مرکزیت قبل از هر چیز تمرکز ایده‌های صحیح است" و "ارگانهای رهبری کننده نقش یک کارخانه تبدیلی را ایفا می‌کنند" او اضافه می‌کند "همه می‌دانند بدون مواد اولیه، یک کارخانه چیزی نمی‌تواند تولید کند، اگر مواد اولیه به اندازه کافی نباشد و

کارگران و زحمتکشان تلاش ورزیده اند قدردانی کنیم. بدون این کوشش‌ها کسب جایگاه کنونی و اعتبار چشمگیری که چریکهای فدایی خلق در نزد دوست و دشمن و در جنبش انقلابی دارند برای ما امکان پذیر نبود.

همانطور که رفقا می‌دانند سازمان ما برخلاف بسیاری از جریانات سابقاً چپ و یا مدعی چپ و کمونیست که به ویژه پس از تحولات سالهای دهه ۹۰ و فروپاشی به اصطلاح اردوگاه سوسیالیسم، تحت تأثیر تهاجم ایدئولوژیک بورژوازی یکی پس از دیگری در مقابل این تهاجم لنگ انداخته و از برخی از اصول مارکسیسم و کمونیسم دوری جسته و از جمله از لحاظ اصول تشکیلاتی خود را هر چه بیشتر به مواضع بورژوازی و امپریالیسم نزدیک کردند، به مارکسیسم-لنینیسم پای بند بوده و تبلیغ و ترویج و اشاعه آن را وظیفه خود قرار داده است. همچنین سازمان ما خود را به اصل سانترالیسم دمکراتیک متعهد و معتقد دانسته و روابط تشکیلاتی خود را مطابق این اصل کمونیستی و اساسنامه‌ای که منطبق با آن تنظیم شده، اداره می‌کند.

ساختار تشکیلاتی ما منطبق بر اساسنامه‌ای است که در خارج کشور و متناسب با شرایط مبارزاتی خارج تنظیم شده است. نیازی به تأکید نیست که اصل سانترالیسم دمکراتیک در حیات روزمره تشکیلات، خود را به طور خلاصه در محورهای زیر منعکس می‌کند: انتخابی بودن تمام ارگانهای تشکیلات با توجه به

رفقا! با دروهای انقلابی! آنچه در زیر ملاحظه می‌کنید گزارش تشکیلاتی مرکزیت "چریکهای فدایی خلق ایران" به فعالین سازمان در فاصله بین آخرین نشست سراسری فعالین تا به امروز می‌باشد. در نتیجه این گزارش در برگزیده رئوس مهمترین فعالیت‌های سازمان ما در زمینه تشکیلاتی، وضعیت کنونی، نقاط مثبت و کمبودها و نارسائی‌های فعالیت‌ها و مهتر آنکه درس‌گیری از آنها برای ترسیم چشم انداز فعالیت‌های ما در دوره آتی می‌باشد.

### نگاهی کلی به جایگاه "چریکهای فدایی خلق

#### ایران

مقدمتاً باید تأکید کنیم که ما در طول این مدت با توجه به انواع موانع و تغییر و تحولاتی که تمامی نیروهای جنبش از جمله به دلیل طولانی شدن عمر منحوس رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و طولانی شدن دوره تبعید تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند (از جمله آنها می‌توان به کمبود نیرو، رشد روحیه فردگرایی و تشکیلات‌گریزی، گرفتار شدن در مشغولیات بی‌نهایت روزانه، کمبود و اهمیت کافی ندادن به امر سیستماتیک آموزش سیاسی ایدئولوژیک خود، عدم توجه لازم به ضرورت فعالیت مبارزاتی و غیره اشاره کرد) کوشیده‌ایم تا با حفظ وحدت‌های سیاسی-ایدئولوژیک و وفاداری به انقلاب و منافع کارگران و زحمتکشان و تأکید بر درستی تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک، با دشمنان توده‌ها مبارزه و اصول یک تشکیلات انقلابی و کمونیستی را در مناسبات بین نیروهای جریان خود حفظ کنیم. جا دارد در همین‌جا از کوشش‌های کوچک و بزرگ تک تک رفقای که در راه تحقق این هدف و تحکیم وحدت‌های مبارزاتی و خدمت به

## کیفیت‌شان خوب نباشد نخواهد توانست محصولات ساخته شده خوبی را تولید نماید.

با در نظر داشتن مقدمه فوق اکنون گزارشی از رئوس فعالیت‌های چریک‌های فدایی خلق ایران در زمینه نظری و عملی و تشکیلاتی در اختیار رفقا قرار می‌گیرد.

### رئوس فعالیت‌های چریک‌های

#### فدایی خلق ایران

همانطور که رفقا می‌دانند به عنوان کمونیست‌هایی که در شرایط مشخص کنونی در خارج کشور قرار گرفته‌ایم رئوس برخی وظایف مبارزاتی نیروهای ما به طور خلاصه به این شکل تعریف شده: مبارزه با نظام سرمایه داری و امپریالیسم و سیاست‌های

نواستعماری آن که در ایران از کانال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اعمال می‌شود حمایت نظری و عملی از مبارزات برحق کارگران، زحمتکشان، دهقانان، زنان، جوانان، خلق‌های تحت ستم علیه سرمایه‌داران وابسته حاکم و رژیم نماینده آنان یعنی جمهوری اسلامی، دفاع از مبارزات مردمی علیه هر گونه شکلی از استثمار و سرکوب که توسط امپریالیست‌ها و سگان زنجیری‌شان در ایران بر حیات و معاش مردم ما اعمال می‌شوند. دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه به عنوان تئوری انقلاب ایران. دفاع از ضرورت انقلاب اجتماعی برای گذار از نظام سرمایه داری حاکم و دفاع از امر سوسیالیسم و کمونیسم در مقابل بورژوازی، مبارزه ایدئولوژیک با ایده‌های نادرست و شرکت فعال در مبارزات روزمره محل کار و زندگی علیه بورژوازی و امپریالیسم، تلاش برای انتقال تجارب مبارزاتی به مبارزین داخل کشور و ارتباط گیری.

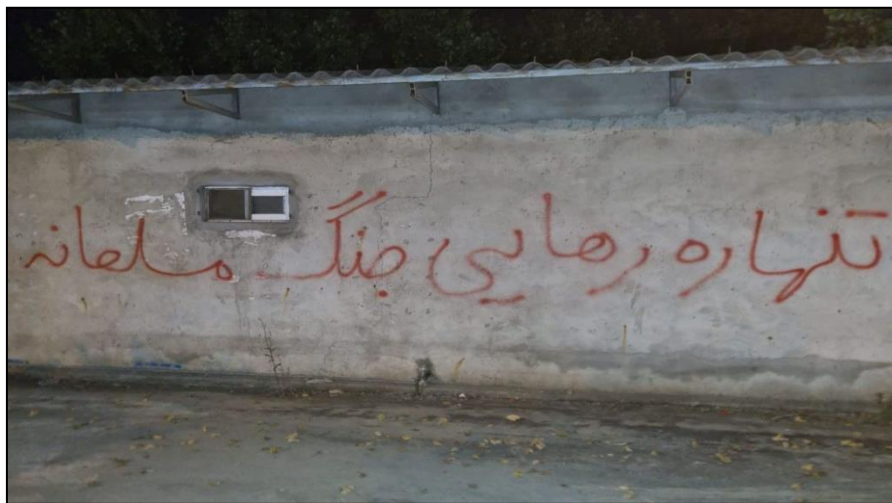
#### الف) در زمینه نظری

فعالیت‌های تشکیلات ما در زمینه نظری در نشریات پیام فدایی، ماهنامه کارگری، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های سازمان، کتب و جزوات، تولید فیلم و کلیپ‌های مبارزاتی منعکس شده‌اند.

• **پیام فدایی:** در این فاصله، ۶۸ شماره پیام فدایی منتشر شده که در آنها مواضع و تحلیل‌های روزمره سازمان منطبق با تئوری مبارزاتی راهنمای آن یعنی تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک از این کانال در اختیار افکار عمومی قرار گرفته است.

نگاهی به مطالب درج شده در این نشریه نشان‌دهنده حرکت سازمان در راستای

وظایف فوق در پرتو تئوری راهنمایش می‌باشد. با همت کلیه رفقا در این زمینه‌ها گام‌های ارزشمندی برداشته شده که تأثیرات غیرقابل انکاری بر جنبش انقلابی و کمونیستی موجود گذارده است. بررسی ادبیات منتشره در ارگان‌های تبلیغی و ترویجی سازمان و بطور مشخص در نشریه "پیام فدایی" بیانگر یک خط سیاسی منسجم مارکسیستی در تحلیل



شرایط جامعه می‌باشد که بی‌اغراق در تمام تندپیچ‌های اجتماعی در این دوره انطباق خود با واقعیت را در جریان پراتیک نشان داده است.

• **همانطور که می‌دانیم در سال‌های اخیر، جامعه ما شاهد ۲ برآمد و قیام بزرگ توده‌ای بوده که زمین را در زیر پای دشمنان مردم به لرزه درآورد؛** شورش گرسنگان در سال ۹۶، قیام ستمدیدگان در آبان ۹۸ و بالاخره خیزش توده‌ای سال ۱۴۰۱.

**برای درک اهمیت عظیم این جنبش‌ها یادآوری می‌کنیم که در طول ۲۰۰ روز از جنبش توده‌های ستمدیده در سال ۱۴۰۱، ۲۳۹۵ حرکت و اعتصاب و اعتراض مردمی صورت گرفت (پیام فدایی شماره ۲۸۷) برخی محلات و شهرها تا مدت کوتاهی در کنترل توده‌های به پاخاسته درآمد و جوانان و زنان به پاخاسته در برخی نقاط با شعارهای "وای به روزی که مسلح شویم" و حمله به پاسگاه‌ها و مراکز سرکوب از جمله با کوکتل مولوتف و حتی در برخی نقاط با خلع سلاح نیروهای مسلح به طور مثال در مراسم چهلم حدیث نجفی در کرج و اعمال قهر انقلابی عزم خود بر نابودی جمهوری اسلامی را به رساترین وجهی فریاد زدند. در طول این قیام هزاران نفر کشته و زخمی و حداقل ۹۲ هزار نفر دستگیر شده اند (پیام ۲۸۸)**

این خیزش‌ها جدا از هر درسی‌گرایش جامعه به راه چریک‌های فدایی خلق را هر چند به صورت خودبخودی و نطفه‌ای نشان داد و میخ محکم دیگری بر تابوت راه‌های

پیشنهادی برخی از نیروها در اپوزیسیون زد که در تمام عمر بی ثمر خود مشغول کوبیدن "میخ تابوت مشی چریکی" و دفاع از "اصلاحات" و "مبارزه مدنی مسالمت آمیز" بودند و آنها را واداشت تا با مشاهده عظمت قدرت توده‌های به میدان آمده با انقلابی‌ترین شعارها، با خفت تمام و البته به دروغ خود را مدافع قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه معرفی کنند! بدون تردید این خیزش‌ها نه تنها صحنه سیاسی جامعه ما را کلا تحت تأثیر قرار داد بلکه با اعتمادبه‌نفس کامل می‌توان گفت صحت مواضع اصولی سازمان ما را چه در تحلیل این جنبش‌ها، چه در اهمیت آنها برای انقلاب پیروزمند آتی و چه در بررسی نقاط ضعف و قوت آنان را به صورت بی‌نظیری به اثبات رساند. این امر در ضمن نشان داد که تبلیغ و ترویج هر چه

بیشتر ایده‌ها و نظرات چریک‌های فدایی خلق با هدف ارتقاء آگاهی توده‌ها و به ویژه جوانان آگاه دارای چه اهمیتی است و تلاش برای انجام این کار را به عنوان یک وظیفه انقلابی برای خود ما نیز بیشتر اثبات کرد.

در مبارزه با تفکرات و ایده‌های پاسیفیستی‌ای که این قیامها را به دلیل فقدان رهبری و تشکل، بی اثر شناخته و حتی جوانان آگاه را به عدم شرکت در آن‌ها تشویق می‌کردند، سازمان ما صراحتاً بدون پرده‌پوشی این واقعیت، بر عکس روشن‌فکران پاسیفیست هر آنچه در توان داشت در حمایت و آگاهی‌رسانی به این جنبش‌ها انجام داد و کوشید تا چگونگی و راه برطرف کردن ضعف بزرگ این جنبش‌ها یعنی گام برداشتن در راه ایجاد تشکلهای انقلابی با تئوری انقلابی را در مقابل توده‌های شرکت کننده و بویژه جوانانی که در این قیامها نقش فعالین پیشرو آن را باز می‌کردند ترسیم کند. همچنین در مبارزه با بخش دیگری از نیروهای سیاسی که می‌کوشیدند تا انرژی این جنبش‌ها را در زیر نفوذ نیروهای ارتجاعی، پرو امپریالیست و فریبکار از جمله حامد اسماعیلیون مضمحل سازند، سازمان ما مبارزه‌ای پیگیر برای افشای این تفکرات را رهبری کرد که در داخل و خارج کشور مورد استقبال و تأیید بسیاری از افراد و محافل و نیروهای مردمی و مبارز که نیروهای این تشکیلات نبودند نیز قرار گرفت.

درسهای قیام دیماه ۹۷ (پیام فدایی ۲۳۲) و موقعیت انقلابی و وظایف انقلابی نوشته رفیق اشرف دهقانی (پیام فدایی شماره ۲۳۲)، جنبش گرسنگان و توده‌های گرسنه برای نان، کار، آزادی و استقلال از جمله مقالاتی بودند که در این راستا



به سیاست درست مشارکت در اتحاد عمل‌های مبارزاتی‌ای که قادر به صحنه آوردن نیروی بیشتری در پیکار علیه جمهوری اسلامی گردد، ادامه داد. فعالیت‌های رفقای ما در انگلستان و هلند از زمره این گام‌ها هستند. در این دوره جریان‌ات موسوم به ۶ جریان سیاسی به طور غیررسمی از ما خواهان پیوستن به این اتحاد شدند که ما با توضیح اصل اعتقاد به وحدت و همکاری مبارزاتی اصولی در صف انقلاب، عقیم بودن ناگزیر این گونه اتحادهای موجود که مبتنی بر وحدت‌های غیر اصولی و جمع مکانیکی نیروهایی با مواضع گاه متضاد هم در سطح روی کاغذ بوده و در تجربه هم از انتشار چند اعلامیه و سپس کناره‌گیری برخی و جایگزین شدن برخی دیگر فراتر نرفته و منجر به کوچکترین گسترشی در صفوف پراکنده نیروهای جنبش نشده را یادآوری کردیم.



• یکی دیگر از فعالیتهای نظری ارزشمند در این دوره به کمک رفقا تنظیم سند ارزشمند "چریکهای فدایی خلق ایران چه می‌گویند و برای چه مبارزه می‌کنند" می‌باشد که یک مانیفست مبارزاتی مبتنی بر نظرات انقلابی بوده و در واقع برنامه عمل ما در شرایط کنونی که در آن فرار گرفته ایم، می‌باشد. ما بر ضرورت پخش دائم و تبلیغ و ترویج این نوشته که یک راهنمای مبارزاتی موثر و انقلابی برای جوانان آگاه و روشنفکران انقلابی داخل کشور می‌باشد توسط رفقا تأکید می‌کنیم. این سند پایه‌های نظری چگونگی عمل انقلابی و جهت‌گیری اعمال مبارزاتی یک فعال سیاسی رادیکال در داخل کشور را توضیح می‌دهد.

• تأکید بر مواضع مارکسیستی و انقلابی در مورد یکی از مهمترین مسایل انقلاب ایران یعنی مساله زنان در قالب برگزاری مراسم و یا نوشته‌های تهیه شده توسط رفقای زن یکی دیگر از محورهای فعالیت نظری پیگیرانه تشکیلات در این مدت بوده است. این مقالات منعکس کننده یک موضع مارکسیستی و کمونیستی در ارتباط با مساله رهایی زنان در جنبش به ویژه با توجه به بازار مکاره ای است که با تلاش امپریالیست‌ها برای نفوذ به جنبش زنان ایران و ترویج شعارها و ایده‌های بورژوازی نظیر شعار عقیم و بی‌مسما "زن زندگی آزادی"، یا انقلاب زنانه و ... در مراسم های گیس بران نیروها و محافل امپریالیستی به زنان مبارز ما به راه افتاده است.

امپریالیستی بین آمریکا با چین و ...، جنگ نیابتی در اوکراین، بحران همه‌گیری کرونا و عواقب فلج کننده آن برای سیستم و تأکید بر ضرورت سوسیالیسم و کمونیسم به عنوان راه حل نهایی نجات بشریت از تمام مصایب نظام سرمایه داری یکی از خطوط پیگیرانه ادبیات منتشر شده توسط سازمان ما در سطح جنبش بوده است.

• در این مدت در رابطه با انقلابی ترین طبقه در ایران یعنی طبقه کارگر، شرایط زیست و معیشت و مبارزات آن، توجه به موانع رشد و گسترش مبارزات این طبقه و امر تشکل و سازمانیابی آن و تأکید بر ضرورت رهبری این طبقه برای پیروزی انقلاب آتی، مقالات متعددی نوشته شده است که در این مورد در بخش ماهنامه کارگری توضیحات بیشتری در اختیار رفقا قرار می‌گیرد.

• همانطور که رفقا به یاد می‌آورند یکی از تأکیدات رفقا در نشست قبلی یافتن راه‌هایی به منظور تقویت وحدت بین نیروهای انقلابی و ضرورت گام برداشتن تشکیلات ما به منظور گسترش اتحاد عمل‌های مبارزاتی بود. در این زمینه در پیام فدایی ۲۳۱ در مقاله "ضرورت اتحاد عمل‌های مبارزاتی و مبانی آن" سازمان به طور مشروح و با طرح راه‌حل‌های عملی در این جهت گام برداشت. در این مقاله بار دیگر ضمن تأکید بر ضرورت ایجاد وحدت در جنبش انقلابی به محورهای اصولی حاکم بر اتحاد عمل‌های مبارزاتی و چگونگی آن اشاره شده و در عین حال سنت ناشایست وحدت‌های غیراصولی و ناپایدار و کاغذی که بارها و بارها شکست خود را اثبات و به عنوان مانعی در مقابل اتحاد عمل‌های مبارزاتی اصولی و پویا قرار داشته مورد نقد قرار گرفته است. این برخورد ابتکاری از طرف ما همانطور که پیش‌بینی می‌شد از سوی سازمانها و نیروهای راست و بینابینی که سابقه عناد آنها با هواداران جنبش مسلحانه و بویژه سازمان ما اظهر من الشمس است، با سکوت مواجه شد. اما سازمان ما در عمل

انتشار یافتند. (پیام ۲۴۴)، "راه انقلاب، شیخ سرخ مبارزه مسلحانه (پیام ۲۴۵)، چشم انداز شورش گرسنگان (پیام ۲۵۰)، شورش گرسنگان ضرورت مبارزه مسلحانه را به جلوی صحنه رانده است (پیام ۲۵۲)، شرایط کنونی و وظایف نیروهای انقلابی (پیام ۲۷۹)، بگذار برخیزند مردم بی‌لبخند، پاسخ به چند پرسش در باره جنبش اخیر (پیام ۲۸۰)، انقلاب جاری و دستاوردها (پیام ۲۸۲)، پیام درگیری مسلحانه ایده (پیام ۲۸۲)، نقش طبقه کارگر در خیزش اخیر (پیام ۲۸۶)، انقلاب و ضد انقلاب در جنبش اخیر، در باره مفهوم شعار نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال (پیام ۲۹۰) جنایت علیه خلق بلوچ، کردستان چشم و چراغ ایران و ... برخی از عناوین برجسته مقالات دیگر در ارتباط با خیزشهای

انقلابی جامعه ما در چند سال اخیر بوده اند.

• در طول این دوره تمام تلاش امپریالیسم و پادوهایش تداوم و گسترش کارزار ضد کمونیستی در عرصه‌های مختلف بوده است که از نتایج این کارزار می‌توان به رو برتافتن بسیاری از نیروهای سابقاً مدعی چپ و کمونیسم از مارکسیسم، غرق شدن در مرداب رفرمیسم، اعلام برائت از سائترالیسم دمکراتیک و نفی ضرورت وجود یک تشکیلات آهنین، ترویج سازشکاری و اصلاح طلبی در تمام زمینه‌ها، نقد خشونت و از این کانال مهر باطل زدن بر قهر انقلابی و انقلاب قهرآمیز به مثابه عنصر لازمه برای برافکندن نظام استثمارگرانه سرمایه داری و تلاش برای تلطیف موضع طبقه کارگر علیه امپریالیسم و بورژوازی و ناممکن شمردن انقلاب اجتماعی، برقراری سوسیالیسم و کمونیسم و ... اشاره کرد. در این میان، سازمان ما جزو معدود جریان‌اتی‌ست که با پایبندی به مارکسیسم -لنینیسم، به درستی امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری را دشمن اصلی کارگران و خلقهای ستم‌دیده ایران و جهان و مانع ایجاد هر گونه دمکراسی و رهایی توده‌های تحت ستم خوانده است و پراتیک اجتماعی در سطح جهان و در کشور خودمان مؤید این حقایق بوده است.

مقالات و ترجمه‌هایی که در ارتباط با علل ریشه‌ای و چگونگی بحران‌های اقتصادی فزاینده و غیر قابل توقف نظام سرمایه‌داری و نیاز روزافزون این نظام به برپایی جنگهای ویران کننده برای بقاء از طرف سازمان ما منتشر شده اند بررسی رقابت‌های

روشنفکران و مردمان مترقی جامعه و افکار عمومی را به خود مشغول کرده است، به طوری که موضع گیری حول آن به تشدید مرزبندی بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی منجر شده است. در این ارتباط سازمان ما به طور مشخص در طول جنگ ۱۱ ماهه اخیر به عنوان نقطه عزیمت

پیام فدایی در باره مساله رهایی زن در ایران نه تنها نقش درخشان زنان مبارز ایران، به ویژه تحت ستم ترین بخش آن یعنی زنان کارگر و زحمتکش در پیکار علیه امپریالیسم و رژیم وابسته جمهوری اسلامی را توضیح داده است، بلکه مبارزات زنان آگاه و رزمنده ایران برای رهایی از زنجیرهای سنگین جوامع طبقاتی و به طور مشخص برای رهایی از نظام حاکم و فرهنگ ارتجاعی پدرسالاری و مردسالاری که رژیم جمهوری اسلامی نمایندگی می کند را بازتاب داده و راه حل اصلی رهایی زنان از ستم و استثمار را به وضوح تشریح کرده است. به طور مثال نگاهی به مقالاتی نظیر انقلاب اخیر زنانه نیست انقلاب اجتماعی ست و جنبش زنان به شعارهای شفاف نیاز دارد (پیام ۲۸۴) مقالات و سخنرانی هایی در مورد شعار "زن، زندگی آزادی"، و آسیب شناسی این شعار (پیام ۲۸۸) وضعیت زنان بلوچ، پرسش و پاسخ با رفیق سارا نیکو در مورد نقش زنان در جنبش های اخیر (پیام ۲۳۶)، جایزه صلح نوبل (پیام ۲۹۲)، "آزادی زن در گرو آزادی جامعه (آسیب شناسی شعار زن، زندگی، آزادی)" سخنرانی رفیق سهیلا در کلاب هاوس (پیام ۲۹۵) اثبات واقعیت فوق بوده و ما شاهدیم که بسیاری از فعالین سیاسی رادیکال زن به تبلیغ و تقویت مواضع چریکهای فدایی خلق پرداخته اند.



تحلیل خود همچون گذشته قاطعانه از حقوق خلق فلسطین برای آزادی و حق تعیین سرنوشت و رهایی از سلطه صهیونیست ها و امپریالیست ها و بنیادگرایان اسلامی حمایت کرده است. در عین حال، ما با تفکراتی که با قبول ادعای صهیونیست ها و حامیان امپریالیست شان می کوشند جنگ دولت صهیونیستی اسرائیل با مردم غزه را جنگ با حماس جلوه دهند نیز مقابله کرده و تاکید کرده ایم که جنگ جاری برخلاف ادعای بلندگوهای امپریالیستی جنگ بین اسرائیل با حماس و حزب الله نیست بلکه این جنگ، جنگی برای نابودی خلق فلسطین و غصب هر چه بیشتر سرزمین های آنها توسط امپریالیست ها و صهیونیست ها است. در مقاله "همبستگی مردم جهان با مقاومت خلق فلسطین و افشای چهره جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم" (پیام ۲۹۱) به این امر که هدف نهانی اسرائیل از کوشش جهت اشغال این بخش از سرزمین فلسطین، دستیابی به منابع گاز در ساحل مدیترانه در بخش غزه می باشد اشاره شده است.

• همانطور که رفا می دانند در تقریباً یک سال گذشته عملیات هدفمند دار و دسته ضد انقلابی و وابسته حماس به مواضع اسرائیل و کشتار و اسیر گرفتن برخی از غیر نظامیان اسرائیلی، به بهانه دلخواه صهیونیست های حاکم بر اسرائیل و حامیان امپریالیست شان تبدیل شد که به لشکر کشی وحشیانه به غزه زیر نام نابودی حماس در واقع به سلاخی خلق محروم فلسطین و کوشش در راندن آنها به خارج از سرزمین های اشغال شده منجر شد. در طول این نسل کشی تا کنون بیش از ۴۰ هزار تن از توده های محروم فلسطینی - که نیمی از آنها زنان و کودکان هستند - کشته شده اند و از غزه نیز مخروبه ای بیش باقی نمانده است. این جنگ که نفرت تمام توده های تحت ستم و انسان های مترقی در سراسر جهان علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ریاکاری بورژوازی در مورد به اصطلاح حقوق بشر و دموکراسی و ... را برانگیخته در یک سال اخیر ذهن تمام

در واقع امپریالیست ها می پردازند؛ و از سوی دیگر، نیروهایی با رفتن زیر پرچم حماس و حزب الله که نیروهای بنیادگرای اسلامی دست ساز دشمنان مردم فلسطین و ابزار گسترش سلطه امپریالیستی در منطقه می باشند، آنها را نیروهای انقلابی و مردمی جا زده و در جنگ جاری به حمایت از بنیادگرایی اسلامی در می غلتند. ما در این میان ضمن مرزبندی قاطع با بنیادگرایی اسلامی که آنها را به دلیل عملکردشان جریانهای ماهیتاً ضدانقلابی می دانیم، و در حالی که هرگونه تجاوز و لشکرکشی صهیونیست ها علیه خلق فلسطین را محکوم می کنیم، از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین دفاع می کنیم. ما برخلاف راه حل دو دولت

دست پخت سازمان ملل امپریالیست ها و قدرت های امپریالیستی که با گذشت بیش از دو دهه از طرح آن حتی کوچکترین شانسی تحقق نداشته است ولی بر روی کاغذ از آن به عنوان راه حل آزادی مردم فلسطین یاد می شود معتقدیم که آزادی خلق فلسطین با مسئله آزادی طبقه کارگر و توده های ستم دیده در کل این سرزمین در هم کره خورده و تنها یک انقلاب اجتماعی علیه سلطه امپریالیسم و صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی که در آن توده های تحت ستم فلسطین و اسرائیل دوش به دوش هم شرکت می کنند می تواند باعث به ارمغان آمدن دموکراسی و رهایی برای مردم منطقه گردد. مقالاتی نظیر "امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان خلق فلسطین" در پیام فدایی ۲۹۰، "نسل کشی خلق فلسطین" پیام ۲۹۵ و "مصاحبه با رفیق فریبرز سنجری" در پیام ۲۹۱ از زمره این مقالات هستند.

• در فاصله دو نشست، مطالب ارزشمند بیشتری در مورد وابستگی جمهوری اسلامی و افشای پیچیدگی های حاکم بر روابط ارباب و نوکری امپریالیست ها به ویژه آمریکا با جمهوری اسلامی در قالب مقالات و سخنرانی ها در اختیار جنبش قرار گرفته و صحت تحلیل چریکهای فدایی خلق ایران در مورد ماهیت وابسته قدرت دولتی حاکم بر ایران یعنی جمهوری اسلامی به امپریالیست ها هر چه بیشتر در تند پیچ رویدادهای اجتماعی را ثابت کرده است. در ارتباط با نوشته هایی که برای افشای رابطه وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیست ها در پیام فدایی درج شده می توان به مقالات زیر اشاره کرد "سند ۲۵

همانطور که رفا می دانند ما در سطح جنبش حداقل با دو تفکر انحرافی در تحلیل بحران فلسطین و جنگ در غزه روبرو هستیم. از یک سو جریان های پرو امپریالیست هستند که با تاکید بر ماهیت ضد انقلابی بنیادگرایی اسلامی در ورطه حمایت از صهیونیست ها به مثابه چماق امپریالیست ها در منطقه می افتند و خواسته یا ناخواسته از کشتار خلق فلسطین و تجاوزگری صهیونیست ها به بهانه این که بنیادگرایی اسلامی دشمن مردم است دفاع نموده و به تایید سیاست های ضد خلقی صهیونیست ها و



## بعنوان اسناد درخشانی از قدرت و انسجام تئوری راهنمای ما و پایداری تشکیلاتمان بر اصول در تاریخ باقی خواهند ماند را ذکر کنیم.

۱. تحلیل ما از قیامهای جاری، تأیید و تقویت آنها از هر راه ممکن بوده است. ما با اذعان بر خودبخودی بودن آن قیامها ولی بر انقلابی بودن ماهیت این حرکات تأکید کرده‌ایم و در همین حال با نشان دادن ضعف بزرگ آنها یعنی فقدان وجود یک رهبری و یا تشکیلات انقلابی در رأس آنها، معتقد بوده‌ایم که این تشکل و رهبری انقلابی از دل خود همین جنبش‌ها امکان تشکیل و عروج می‌یابد و برای هموار کردن این راه به سهم خود کوشیده‌ایم. تشکیلات ما هیچ گاه چشم انداز کاذب در مورد این قیامها رواج نداده است. ولی با اتکاء به یک دید واقع بینانه ناشی از اعتقادات مارکسیستی خود با تمام وجود بر مبنای همان



آموزش‌های مارکسیستی و تجارب تاریخی از این جنبش‌ها با شعارهای رادیکال دفاع کرده و مطابق شعار "در مبارزات توده‌ها در هر شکل و سطح باید شرکت کرد و در جهت ارتقاء آنها کوشید" از آنها دفاع کرده و به سهم خود از هر طریق ممکن برای ارتقاء آنها تلاش کرده است. به خصوص در شرایطی که توده‌های تحت ستم ما در ایران چه با سر دادن شعارهایی که مبین خواست آنها برای مسلح شدن جهت مقابله با دشمنان‌شان می‌باشد و چه این خواست و ضرورت را با اقدامات عملی قهرمانانه خود نشان می‌دهند (واقعیتی که نشانه‌های خود را در قیام‌های ۱۴۰۱ بطور مثال با کنترل مهاباد، بیرون راندن قوای سرکوب از محله‌هایی در تهران و سایر شهرها، تظاهرات توده‌ای در بلوچستان با شعار "ما زن و مرد جنگیم چیف که بی تفنگیم" و یا درگیریهای مسلحانه در شهر ایذه و پرتاب کوکتل مولتوف به نهادهای سرکوب و... نشان داد) بر ضرورت ایجاد یک تشکل انقلابی از جوانان انقلابی و کارگران پیشرو در شکل هسته‌های سیاسی - نظامی تأکید کرده‌ایم. در همین رابطه مقاله ارزشمند رفیق اشرف دهقانی با نام موقعیت انقلابی و وظایف انقلابی مورد استقبال بسیاری از فعالین سیاسی خارج از خط ما و حتی کمونیست‌های کشورهای دیگر که شرایط ایران را تعقیب می‌کردند قرار گرفت. در یک مورد مبارزی از افغانستان ضمن فرستادن پیام تبریک به دلیل انتشار این مقاله و تحلیل حاکم بر آن، خود اقدام به صفحه بندی این مطلب و انتشار آن با جلد زیبایی نمود.

منطقه و جهان، نظیر همبستگی با جنبش انقلابی مردم عراق علیه اشغالگران امپریالیست و سگان زنجیری‌شان در این کشور، افشای سیاست‌های امپریالیستی که از کانال رژیم‌های حاکم بر عراق و ایران بر خلق‌های تحت ستم عرب و کرد و ترکمن و .. اعمال می‌شود. شرکت و سخنرانی در سمپوزیوم بین المللی نیروهای ضدامپریالیست و سخنرانی در رابطه با شرایط ایران در وین که با استقبال بسیاری از نیروهای شرکت کننده مواجه

ساله همکاری با چین" در پیام فدایی شماره ۲۵۲ و نوشته رفیق سنجری در مورد وابستگی به امپریالیست‌ها در پیام فدائی‌های شماره ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶ و ۲۳۷

رئوس مهمترین مطالب دیگری که به عنوان پاسخ سازمان ما به مسایل مبرم جنبش انقلابی و مواضع و تحلیلهای سازمان راجع به تحولات سیاسی ارائه شده اند به شرح زیر است:

### • برخورد با مواضع برخی سازمانها به ویژه برخورد به

رقمیسیم حاکم بر اقلیت در مورد مسایل مختلف و به ویژه به نظر آنها در مورد تئوری قیام مسلحانه و کار آرام سیاسی، (پیام ۲۳۲) نقد مواضع احزاب موسوم به کمونیسم کارگری و نیروهای پرو امپریالیست، برخورد و افشای سرسپردگی نیروهای سلطنت طلب و افشای دزدی‌ها و فسادهای تاریخی این

خاندان و سیاست‌های ضدخلق‌ی آنها در انظار نسل جوان. این افشاگری‌های در شرایطی انجام شده است که بر بستر رشد جنبش انقلابی و احساس خطر طبقه حاکم از انقلاب و شورش گرسنگان، امپریالیست‌ها فضای مانوری در اختیار آنها قرار داده‌اند. (پیام ۲۳۳). علاوه بر مقالاتی چون "جنبش انقلابی، کدام آلترناتیو" (پیام ۲۷۵)، "جایزه صلح نوبل" (پیام ۲۹۲)، افشای سیاست آلترناتیوسازی امپریالیست‌ها که در خود رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغ به نفع ضد انقلاب مغلوب و متعلق به بورژوازی وابسته که خارج از هیأت حاکمه هستند (تبلیغ به نفع سلطنت)، همچنین در رابطه با تحلیل و بررسی سیاست امپریالیست‌ها در رابطه با ایران و منطقه، افشای جنگ‌های امپریالیستی و منافع حاصل از آنها برای نظام سرمایه داری و رشد ناگزیر فاشیسم در شرایط بحران برای امپریالیست‌ها موضوعاتی است که پیام فدائی به آنها پرداخته است.

• مقالات متعددی در مورد مسأله زندانیان سیاسی نوشته شده اند که نشانگر دفاع قاطعانه و بی‌تردید سازمان ما از شعار محوری "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" می‌باشد. ما همچنین با سیاست ضد انقلابی و فریبکارانه "چهره سازی" از زندانیان سیاسی که برای نفوذ در جنبش ضدامپریالیستی دمکراتیک مردم صورت می‌گیرد، به طور قاطع مرزبندی کرده‌ایم.

• تأکید بر وظایف انترناسیونالیستی در قالب اطلاع رسانی و دفاع از جنبش‌های ضدامپریالیستی -دمکراتیک خلق‌های

دفاع پیگیرانه از حقوق پناهجویان و پناهندگان و افغان‌های مقیم ایران در قالب اطلاعاتی‌ها و مقالات و توضیح در مورد نقش نظام امپریالیستی و سیاست‌های ضد انقلابی و پناهنده ستیز قدرت‌های اعظم سرمایه‌داری در به وجود آمدن و گسترش پدیده پناهندگی و جا به جایی جمعیت در سراسر دنیا.

**جمع بندی: بطور خلاصه یک کنشگر سیاسی بی‌طرف و حقیقت‌جو می‌تواند با مرور نشریه پیام فدایی ببیند که سازمان ما نه تنها به وظایف نظری خود برای تأثیر گذاری در حال و آینده جنبش کمونیستی در حد توان تلاش و دخالت‌گری کرده است، بلکه در هیچ مورد مهمی نیست که چریک‌های فدایی خلق ایران فاقد یک نظر و تحلیل روشن از پدیده‌های جاری در سطح بین المللی و داخلی بوده باشند؛ و مهمتر آنکه همواره و فعالانه از یک موضع مارکسیستی و رادیکال با این پدیده‌ها برخورد کرده‌اند. البته از آنجا که حرکت این تشکیلات خلاف موج و جریان جاری بوده است همواره چه از سوی دشمن و چه از جانب سازشکاران فشارهای زیادی را متحمل می‌شود، اما چه باک که این تشکیلات ایستادن در سمت درست تاریخ را هدف خود قرار داده که راه درست خدمت به پیشرفت جنبش است.**

**به عنوان جمع‌بندی از نقش پیام فدایی شاید غیر لازم نباشد که دو مورد از مواضع این نشریه را که**

گفتمان فربیکارانه اصلاح طلبی در صحنه سیاسی جامعه ما نسل های جدیدی متولد شده اند و در راه برپایی یک انقلاب اجتماعی به منظور رهایی از نظام استثمارگرانه حاکم تلاش کرده و بدنبال شکستن بن بست و جواب چه باید کرد جنبش می‌باشند. این آثار یعنی کتاب های "هماره زندگان تاریخ"، "شکل گیری چریکهای فدایی خلق ایران و نقد تاریخ جعلی"، و

مهمترین آنها "بررسی زمینه ضربات سالهای ۵۴-۵۵ و ناکفته هایی از تاریخ چریکهای فدایی خلق ایران"، پس از سالها سلطه روایات جعلی، یک تاریخ واقعی از چگونگی تشکیل بزرگترین و معتبرترین سازمان انقلابی در جنبش نوین کمونیستی و تئوری ها و بنیانگذاران واقعی آن به جوانان و به جنبش ارائه می دهند. با انتشار این کتابها تشکیلات ما بواقع به یکی از وظایف مهم خود پاسخ داده است. ما اطلاع داریم که این کتابها در ایران و در حد مشخصی در سطح روشنفکران انقلابی پخش شده‌اند.

در این زمینه باید اضافه شود که سلسله مقالات و کتابها و نوشته‌هایی که در توضیح تاریخ سازمان چریکهای فدایی خلق و نقد روایت‌های جعلی (که متأسفانه منبع اولیه آنها تاریخی است که بیژن جزنی در زندان نوشته است) در رابطه با بنیانگذاری این سازمان و مسائل غیرواقعی دیگر به رشته تحریر در آمده است یکی از بزرگترین گام‌های نظری سازمان ما در خدمت به لایروبی طویله اوزیاس در مبارزه با رفرمیسم و اپورتونیسم بوده است. شکی نیست که مطالعه بیطرفانه آنها توسط هر مبارز حقیقت‌جو می‌تواند به روشن شدن صفحاتی از تاریخ این سازمان و راه یابی‌های آینده کمک کند. این مقالات و بویژه کتاب ارزشمند و تحقیقی تحلیلی از ضربات سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۵ از زمان انتشار نقش و تاثیر بسیار بزرگی را در شفاف سازی تاریخ این سازمان و آگاه سازی نیروها و افراد متعلق به نحله‌های مختلف سازمان فدایی ایفا نموده و مورد توجه بسیاری از آنان قرار گرفته است.

نیروهای اپورتونیستی که خود را منتسب به سازمان چریکهای فدایی خلق معرفی می‌کنند برخورد دوگانه با این اثر داشته‌اند. یک بخش سیاست خائفانه سکوت را در قبال آن اتخاذ کرده‌اند و بخش دیگر سعی کرده‌اند با تبلیغ به نفع بیژن جزنی و پنهان

از تحلیل ما در این مورد تاثیر گرفته بودند در بارگاه توده های تحت ستم و تاریخ از این تند پیچ پیروز و سرفراز بیرون آمدند.

در خاتمه باید به رفقا خاطر نشان کنیم که در رابطه با پیام فدایی همانطور که در نشست قبلی اذعان شد و جمع پذیرفت این نشریه نیاز مبرم به کار و فعالیت رفقای بیشتری برای تهیه و نوشتن مطلب و



همچنین تقبل کار صفحه بندی و انتشار آن دارد. اما اگر چه گامهای کوچکی از سوی برخی رفقا در طول این مدت برای رفع این نقیصه برداشته شده است، این کمبود همچنان به قوت خود باقی ست. ما در این نشست توجه رفقا را بار دیگر به این نیاز جلب می کنیم و خواهان برخورد مسئولانه و پیگیرانه برای رفع آن هستیم.

#### فعالیت‌های نظری دیگر

• یکی از مهمترین خطوطی که توسط تشکیلات ما در فاصله بین دو نشست تعقیب شده مقابله با کارزار ضد کمونیستی و فدایی ستیز جمهوری اسلامی و اتاق‌های فکر آنها علیه کمونیست‌های فدایی، تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک، جنبش مسلحانه دهه ۵۰ و شخصیت‌های مبارزاتی این جنبش بوده است که این مهم در قالب مقالات متعدد بخصوص توسط چهره‌های شناخته شده سازمان ما که از اولین روزهای حیات چریکهای فدایی خلق ایران و جنبش نوین کمونیستی دستی برآتش داشته‌اند انجام گرفته است. نظرات این رفقا در مورد تاریخ صحیح این جنبش و جعلیات جمهوری اسلامی مورد توجه فعالین جنبش کمونیستی قرار دارد.

• باید متذکر شد که ما در فاصله دوشنست با کمک های مالی ارزشمند رفقا چند کتاب منتشر کرده ایم. کتابهای منتشره در این مدت به عنوان آثاری ماندگار در خدمت تجهیز زرادخانه ایدئولوژیک سیاسی طبقه کارگر ایران برای نسل جوانی ست که بدنبال نسل کشی دهه ۶۰ و سپس گذار از

۲. یک مورد دیگر از صحت تحلیل ها و مواضع سازمان به مساله موضع تشکیلات ما در رابطه با تظاهرات برلین یعنی کارزاری که در اوج جنبش توده ها توسط نیروهای امپریالیستی با استفاده از چند چهره وابسته در ایران و با نمایش‌های کسپ‌بران فربیکارانه در حمایت از انقلاب مردم به راه انداختند و کوشیدند تمامی

نیروی سیاسی ایران را در یک آزمایش مردمی در زیر پرچم نیروهای پرو امپریالیست و به طور مشخص حامد اسماعیلیون به صف کنند، باز می‌گردد.

متأسفانه در حالی که بسیاری از نیروهای سازشکار و رفرمیست و حتی چپ خوانده حاضر شدند در زیر پرچم ضد انقلابی این

حرکت به صف شوند ولی کوس رسوایی این کارزار خیلی زود از ورای اقدامات نیروهای ارتجاعی هدایت کننده این حرکات از جمله با عدم دادن کمترین تریبون به این نیروها و قبضه تریبون توسط نیروهای غیر مردمی و راست و پرو امپریالیست به صدا درآمد و شکست سیاست اتحاد با نیروهای پروامپریالیست را به عینه به تمام سازشکاران و متوهمان نشان داد. پراتیک اجتماعی صحت تحلیل سازمان ما را نشان داد و یکبار دیگر ثابت کرد که عدم داشتن یک تحلیل صحیح از سیاست‌ها و نیروهای حاکم بر این حرکت در برلین جز مخدوش کردن صف خلق و ضد خلق و تبدیل شدن نیروهای سازشکار و بینابینی به پیاده نظام سیاست‌های پروامپریالیستی فرجام دیگری ندارد. در رابطه با تظاهرات برلین با سردمداری حامد اسماعیلیون تنها بخش کوچکی از نیروهای انقلابی که سازمان ما شناخته شده ترین و منسجم ترین آنها بود به افشای این حرکت و سازماندهندگان آن پرداخت و توضیح داد که به چه دلیل حمایت نیروهای انقلابی از این حرکت تحت رهبری پرو امپریالیست‌ها به ضرر منافع مردم ایران و انقلاب آنها خواهد بود. سازمان ما در جریان این حرکت به شدت تحت هجوم نیروهای سیاسی مختلف در یک جبهه واحد قرار گرفت که گویا دچار سکتاریسم بوده و صف خود را از آن جبهه جدا کرده است. اما با روشن شدن ماهیت سیاست‌ها و نیروهای رهبری کننده تجمع برلین که زیر نام پرطمطراق "اتحاد" همه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی در واقع به صف کردن تمام نیروهای انقلابی و ضد انقلابی زیر پرچم امپریالیست‌ها مشغول بود، معلوم شد که چریکهای فدایی خلق ایران و برخی محافل و فعالین سیاسی که



## خارج کشور چنین حجمی از مبارزه در خیابان را سازمان داده است.

بررسی آکسیون‌های مبارزاتی ما نشان می‌دهد که رفقای ما در هلند (با حمایت‌های ارزشمند رفقای آلمان)، سوئد و انگلستان تعداد بیشتری از این حرکات را به انجام رسانده‌اند.

برخی از این حرکات از جمله حرکات انجام شده در آمریکا و در مقابل سازمان ملل هنگام مسافرت رهبران مزدور جمهوری اسلامی (در برخی از نشریات رژیم نیز به این مورد از حرکت مبارزاتی اشاره شده است)، برپایی چادر اعتراضی در استکهلم به مدت سه روز، شرکت در سمپوزیوم بین المللی نیروهای ضد امپریالیست در وین از برجستگی خاصی برخوردار بوده است. فعالیت ما در این زمینه در کشورهای دیگر با توجه به تعداد و ترکیب نیرو کمتر بوده است. بدون شک گسترش فعالیت‌های مبارزاتی عملی در کشورهای مختلف اروپایی نقش مهمی در توجه افکار عمومی و جامعه تبعیدی به برنامه‌ها و مواضع سازمان ما داشته و زمینه‌ای برای جذب حمایت مادی و معنوی برای ما ایجاد می‌کنند.

**• در فاصله دو نشست ما چند جلسه در بزرگداشت دو روز بزرگ تاریخی یعنی رستاخیز سیاهکل و قیام شکوهمند نوده‌ها در بهمن سال ۱۲۵۷ را چه به صورت حضوری و چه از طریق کلاب هاوس برگزار کرده ایم.** سخنرانی‌های رفقا در این جلسات و به ویژه بخش پرسش و پاسخ آنها که یک تریبون دموکراتیک و آزاد را در اختیار فعالین سیاسی با هر گرایش قرار می‌دهد نه تنها با استقبال عمومی روبرو شده بلکه باعث درخواست‌های مداوم از ما به منظور برگزاری هر چه بیشتر این جلسات گشته است. به گواه اظهارات فعالین سیاسی‌ای که درصوف تشکیلات ما فعالیت نمی‌کنند، جلسات برگزار شده توسط سازمان ما یک فضای متفاوت با سایر اتاقهای بحث و گفتگو در اختیار فعالین جنبش گذارده و "حرفهای متفاوتی" را به مخاطب عرضه می‌کند. در این جلسات تعداد قابل توجهی شرکت کرده‌اند. ثبت یک تاریخ‌نگاری مستند و برجسته کردن اهداف و آرمان‌های رزمندگان سیاهکل و بنیانگذاران سازمان و حقانیت تئوری مبارزه مسلحانه بر بستر پراتیک اجتماعی و مسایل روز و انتقال تجارب مبارزاتی دهه ۵۰ به نسل جدید از اهداف برگزاری این جلسات بوده است. به جز برگزاری مراسم

تشکیلات" (ماهنامه ۱۰۳)، خیزش توده‌ها و رسالت طبقه کارگر (ماهنامه ۱۰۴)، کارگران و آلترناتیوهای امپریالیستی (ماهنامه ۱۰۹)، مساله کودکان کار، (ماهنامه ۶۶)، سوانح کار (ماهنامه ۶۷) اعتصابات در هفت تپه و فولاد و ... نمونه‌هایی از درک روشن و واقعی چریک‌های فدایی خلق ایران از طبقه کارگر و نقش

کردن خود در پشت این نام به جنگ این کتاب بروند. اما هر دوی آنها خود را ناتوان از آن دیده‌اند که حتی جرأت کنند به یک مبارزه نظری سالم حول حقایق طرح شده در این کتاب وارد شوند. خاصیت اپوتونیسم که تنها با نشر دروغ و تحریف مسائل امکان حیات پیدا می‌کند در اینجا نیز یک بار دیگر به روشنی خود را آشکار ساخت.



**خوانندگان مبارز "پیام فدایی"**  
برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما نکیه داریم. نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید ضمن مکاتبه با نشریه، رابطه فعالتری با ما برقرار کنید. نشریه "پیام فدایی" را بخوانید و آن را به دست دیگران برسانید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و مجموعه‌هاودانش منکی باشد.

تاریخی آن در انقلاب ایران و مهمتر از همه چگونگی تشکل و سازمانیابی این طبقه در شرایط حاکمیت یک دیکتاتوری امپریالیستی است.

در همین چارچوب باید تاکید کنیم که این نشریه برای ادامه‌کاری مانند پیام فدایی چه در زمینه تهیه اخبار و گزارشات و مطالب و چه در زمینه صفحه بندی به همکاران قابل اتکاء و پیگیر نیاز دارد تا با مشارکت آنان فشار دائمی بر روی رفقای که وظیفه آماده سازی، نوشتن و انتشار این نشریه را بر عهده دارند کاهش یابد.

### ب) فعالیتهای عملی

• آکسیون‌های اعتراضی: یکی از مهمترین جوانب کار مبارزاتی رفقای ما در کشورهای مختلف شرکت در حرکات اعتراضی، تظاهرات و آکسیون‌های افشاگرانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزات بر حق مردم ایران بوده است. در فاصله بین دو نشست، رفقای ما در محل کار و زندگی خود ۲۶۰ حرکت اعتراضی و تظاهرات و آکسیون را یا به تنهایی و یا در همکاری با سایر نیروها سازمان داده‌اند. بزرگی این رقم را موقعی می‌توان بهتر متوجه شد که در بین سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به دلیل ویروس کرونا و همه گیری ناشی از آن اصولاً تجمعی در هیچ جای دنیا صورت نمی‌گرفت با توجه به این واقعیت خواهیم دید که رفقای مبارز و رزمنده ما چه حجم از کار عملی‌ای را به انجام رسانده‌اند. با مقایسه عملکرد سازمان ما با سایر نیروهای سیاسی و به ویژه نیروهای مدعی چپ می‌توان دید که کمتر نیروئی در

**• ماهنامه کارگری: در فاصله بین دو نشست ۷۰ شماره از این نشریه به طور مرتب منتشر شده که در هر شماره مهمترین اخبار کار و زندگی کارگران در یکماه گذشته را در یک مجموعه جمع آوری می‌کند. در این نشریه در قدردانی از کارگران کمونیست و انقلابیونی که در راه دفاع از آرمان‌های این طبقه جان فدا کرده‌اند، در یک کار زیبا هر بار زندگی‌نامه یکی از آنها درج می**

گردد. هر فعال سیاسی که به مطالعه وضعیت واقعی طبقه کارگر ایران علاقه‌مند است، این نشریه یک آرشيو مطمئن و قابل اتکاء از تقویم روزمره کار و مبارزه طبقه کارگر ایران است. علاوه بر اخبار کارگری ایران، سرسخن‌های این نشریه به مسایل روز کارگران و همچنین مبارزات صنفی و سیاسی آنها پرداخته و مواضع و تحلیل‌های روشنگرانه و انقلابی در رابطه با طبقه کارگر و مبارزات آنها در اختیار جنبش قرار می‌دهد.

در توضیح نقش این نشریه با توجه به اینکه از نقطه نظر تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک، شرط پیروزی انقلاب ایران رهبری این انقلاب توسط طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته و با برنامه انقلابی است، و از طرف دیگر با در نظر داشتن فعالیت و تحرک طیف رنگارنگی از نیروهای پرو امپریالیست، خرده بورژوا و رفرمیست و اصلاح طلب چه در داخل و چه در خارج در ارتباط با طبقه کارگر ایران، ما اعتقاد داریم که ماهنامه کارگری چریک‌های فدایی خلق ایران صدای واقعی طبقه کارگر ایران را نمایندگی می‌کند و مبلغ راستین راه تشکل و رهایی این طبقه در جنبش کمونیستی است. مقالاتی همچون "شوراهای کارگری" (ماهنامه شماره ۵۷)، مساله حیاتی دستمزدهای کارگران و اعتصابات و مبارزات کارگران برای حداقل دستمزدها و شرایط انسانی کار(در شماره های مختلف)، درس‌هایی از یک اعتصاب کارگری (ماهنامه ۷۰)، طبقه کارگر و قیام آبان ۹۸ (ماهنامه ۷۱)، ضرورت همبستگی کارگران با خلق فلسطین (ماهنامه ۱۱۸) "چاره رنجبران وحدت و

**ماست.** در فاصله بین دو نشست جلسات تشکیلاتی ما برای فعالین سازمان همواره برگزار شده است.

• **جلسات آموزشی:** با تاکید بر اینکه مطالعه و آموزش دائمی و ارتقاء آگاهی یک وظیفه وقفه ناپذیر برای هر مبارز مارکسیست است، جلسات آموزشی بی وقفه ادامه یافته است. این جلسات یک ریسمان وحدت بخش نظری در بین نیروهای تشکیلات ماست. این جلسات با توجه به این که فرصتی برای مطالعه، تبادل نظر، بحث و آموزش مارکسیستی دایمی برای ما ایجاد می کند یکی از ارزشمندترین و مؤثرترین ابزار برای تحکیم وحدت های سیاسی ایدئولوژیک در بین نیروهای تشکیلات ما بوده است. در این جلسات نه تنها مسایل روز مورد بحث و بررسی قرار می گیرند بلکه مباحث تئوریک بسیاری مطرح می شوند که هر یک در تحکیم و ثبات مواضع ایدئولوژیک و سیاسی نیروهای ما نقش مهمی ایفا می کنند. به جز بحث های روز که به طور طبیعی تابع تحولات داخل ایران و تحولات بین المللی هستند، بحث های متعدد راجع به مواضع و ماهیت سازمانها، مرحله انقلاب، قیام شهری و جنگ توده ای طولانی، چگونگی و پروسه شکل گیری تشکلات کارگری، تحلیل ساختار جامعه و مساله وابستگی، چگونگی تشکیل ارتش خلق و حزب کمونیست و... صورت گرفته است. معمولا رفیقی عهده دار طرح بحث می شود و سپس بحث ها در یک فضای دمکراتیک و رفیقانه به پیش رفته و معمولا جمع بندی ای از آنها ارائه می گردد.

**مسایل مالی:** منابع مالی تشکیلات ما همچنان ثابت و پایدار هستند. کمک های مالی ارزشمند رفقا و به ویژه برخی رفقا در کانادا و آمریکا و سوئد، پرداخت حق عضویت، منابع تأمین مالی و مخارج سازمان برای مبارزه انقلابی می باشند. ما همچنان بر ضرورت تداوم کمک های ارزشمند رفقا مطابق توانشان - در هر سطحی که هست- برای تثبیت و تداوم فعالیت های تشکیلات تاکید می کنیم. پیش از آنکه گزارش را به پایان ببریم لازم است مطلب زیر را به عنوان جمع بندی ارائه دهیم:

۱. تشکیلات ما به رغم کمیت مشخص خود به طور اولی به دلیل مواضع و تحلیل های انقلابی خویش که ناشی از وفاداری آن به مارکسیسم لنینیسم و مبنای تئوریک مبتنی بر تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک می باشد، رادیکال ترین بخش جنبش انقلابی و صدای واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان و سایر توده های ستم دیده در مبارزه شان علیه دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته می باشد. با درک اهمیت وجود و تداوم و رشد چنین عاملی، وظایف سنگینی در مقابل تمام رفقای ما

**سایتهای ما در مقایسه با سایت های مشابه همچنان از زمره "بلاک شده ترین" و در همان حال پر بازدیدترین سایت ها در داخل می باشند.** در ارتباط با سایر کانالها و صفحات مجازی نظیر فیس بوک، اینستاگرام، یوتیوب و تلگرام رفیقی در این نشست وظیفه یافته است تا گزارشی از وضعیت آنها را با تحقیق و بررسی این سایتها در اختیار رفقا بگذارد.

**پستها و مطالب درج شده در این صفحات و کانالها گاه هزاران بیننده پیدا می کنند ما اطلاع داریم که این سایتها و کانالها در ایران با استفاده از فیلترشکن قابل دسترسی هستند و گزارشاتی از منابع معتبر در این زمینه در اختیار داریم. در اینجا لازم است به طور مختصر به اطلاع رفقا برسایم که از نشست قبل تا کنون ما به طور فزاینده ای با درخواست های پیوستن به سازمان از طریق کانالهای مجازی و ای میل های سازمان روبرو شده ایم. سیاست ما در این مورد همچون سابق عدم برقراری هیچ نوع از رابطه تشکیلاتی با آیدی های مجازی است. البته در ارتباط با برخی از مراجعه کنندگان و علاقه مندان به سازمان که شناخت از آنها وجود دارد به درخواست های آنان پاسخ گفته ایم. ما همچنین شاهد برخی فعالیت های فزاینده نظیر شعارنویسی به نفع سازمان و یا پخش مواضع و تحلیل های تشکیلات در داخل کشور هستیم.**

در طول این مدت دشمن که از فعالیت های ما و به ویژه از گسترش افکار و مواضع و تحلیل های چریک های فدایی خلق ایران در میان جوانان آگاه ایران هراسان است از طریق امکانات تروریسم سایبری خود یا اعمال نفوذ بر منابع و سازمان هایی که فضای صفحات مجازی در اختیار ما می گذارند برای تحت فشار گذاردن و از بین بردن صفحات و امکانات تبلیغی و ترویجی ما حرکت کرده و در این زمینه حتی یکی دو امکان ما را موقتاً سوزانده است (کانال تلگرامی بذرها ماندگار و فیس بوک سیاهکل فدائی از آن جمله بوده اند) که به همت رفقای دست اندرکار، این صفحات بازسازی و یا از نو ایجاد شده و دوباره به راه افتاده اند. بسیاری از پستها و مطالب انتشار یافته با ارقام بسیار بالا در فضای مجازی دیده شده و در خارج و داخل پخش شده اند. همین واقعیات موجد هراس دشمن و سایبری های آن و همچنین اهمیت فعالیت های رفقای ما در فضای مجازی ست و امیدواریم که شاهد افزایش فعالیت های تک تک رفقا در این زمینه باشیم.

#### مسائل داخلی

**در این بخش باید به برخی دیگر از عرصه های کار تشکیلاتی مان اشاره کنیم که متوجه مسایل داخلی**

یادمان سیاهکل جلسات دیگری در رابطه با شهدای ۱۱ اسفند (بنیانگذاران سازمان)، جنایات دولت اسرائیل در فلسطین و چشم اندازهای انقلاب خلق فلسطین و بزرگداشت جانبازان دهه ۶۰ نیز برگزار شده که در آن رفقای مختلف سخنرانی کرده و به پرسش های مخاطبین جواب داده اند.

#### فعالیت های مجازی

• در طول این مدت چندین ویدئو کلیپ و قطعات صوتی-تصویری توسط رفقا ساخته شده است که در سطح فضای مجازی پخش شده و مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. در باره چریک فدایی خلق مادر انقلابی، رفیق روح انگیز دهقانی، آبان خونین، آتشی که فرو نخواهد نشست، اولین شعر به خاطره رزمندگان سیاهکل، فتنوس سرخ چریک فدایی خلق رفیق مسعود احمدزاده، زندگی نامه رفیق عباس جمشیدی رودباری، شعری از رفیق سعید سلطانیپور، ایران در آتش خشم توده ها، آزادی زن در گرو آزادی جامعه است. همچنین تراکت ها و پوستره های چندی در این دوره توسط برخی رفقا درست شده است. بازخورد بالای این آثار در شرایط محدودیت های مشخصی که در برخورد دشمن با سازمان ما وجود دارد و مقایسه این بازخورد با آثار تولید شده توسط سایر جریانات، نمایانگر استقبال عموم از افکار حاکم بر این آثار و خط آنهاست. کلیپ رزم زنان چریک فدائی تاکنون بیش از ۲۰ هزار بار دیده شده است یا کلیپ رفیق روح انگیز ۶۴۰۰ بار و فتنوس سرخ ۵۲۰۰ بار دیده شده است. فعالیت بیشتر و مشارکت رفقای که میتوانند ویدئو کلیپ بسازند در این زمینه بسیار مهم است.

#### • سایتها و صفحات مجازی سازمان و امر تبلیغ و

##### ترویج مواضع ما:

تشکیلات ما دارای دو سایت اینترنتی به نام سیاهکل و سایت رفیق اشرف دهقانی ست. از حدود دو سال پیش مساله به روز کردن و مدرنیزه ساختن این سایتها در دستور کار ما قرار گرفت. این سایتها توسط رفیقی به سیستم "وورد پرس" تبدیل و توسط تیمی از رفقای جدید و زیر نظر مرکزیت مدیریت شد. گرچه در سیستم جدید یعنی وورد پرس مساله دسترسی به سایت راحت تر و در کار با آن ساده سازی های بزرگی صورت گرفت اما در مورد سایت سیاهکل قالب کنونی پاسخگوی نیازهای ما در نمایش مطالب تازه و دسترسی آسان به مطالب دیگر نیست. در نتیجه این نیاز مطرح است که با تغییر قالب سایت، ظاهر آن در قالبی متناسب با نیازهای تشکیلات درست شود. امیدواریم که در این نشست رفقا اگر تخصصی در این کار دارند و یا پیشنهادی به نظرشان می رسد آنرا با جمع در میان بگذارند.



رفقا با درک این اوضاع و برخورد جدی که سنت چریکهای فدایی خلق است، با بحث‌های سازنده در این نشست راه‌های عملی مناسب برای پیشروی‌های بعدی را ارائه و پس از نشست آن را راهنمای کار خود قرار دهند.

با ایمان به پیروزی راهمان  
مرکزیت چریکهای فدایی خلق  
ایران  
شهریور ۱۴۰۲ برابر با سپتامبر  
۲۰۲۲

جذب نیرو و حمایت‌های مادی و معنوی بیشتری شده‌ایم.  
۲. جا دارد یک بار دیگر تأکید شود که بدون فعالیت مبارزاتی ارزشمند بزرگ و کوچک تمامی رفقا نیل به موقعیت کنونی برای تشکیلات ما غیرممکن می‌بود. اما ضرورت گسترش صفوف تشکیلات و پیشروی‌های بیشتر به منظور خدمت بیشتر به امر رهانی طبقه کارگر و توده‌های ستمدیده، شناخت ضعف‌ها و موانع رشد را غیر قابل اجتناب می‌کند. امیدواریم که

که دل در گرو رهایی توده‌های دربند و خدمت در راه تحقق سوسیالیسم و کمونیسم دارند قرار می‌گیرد.  
۲. موفقیت‌های مبارزاتی ما در یکی از سخت‌ترین دوران حیات جنبش انقلابی غیرقابل انکارند. همانطور که حجم فعالیت‌های نظری و عملی تشکیلات ما نیز از سوی دوست و دشمن غیرقابل چشم پوشی می‌باشد. در بین دو نشست با این فعالیت‌ها ما بطور نسبی قادر به

## گاز، لفل و باطوم پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراضات پرستاران!

روز دوشنبه ۲۹ مرداد پرستاران بیش از پنجاه بیمارستان در ایران دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. پرستاران معترض از محیط بیمارستانها خارج شده و با دادن شعار "پرستار داد بزن، حقت و فریاد بزن" به خیابان سرازیر شدند. امروز که چهارشنبه ۳۱ مرداد می‌باشد هنوز این حرکت اعتراضی به رغم فشارهای امنیتی نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی و بازداشت تعدادی از پرستاران معترض در تعدادی از شهرها ادامه دارد.

اعتصاب کنندگان که اعتراضشان ابتدا حدود دو هفته قبل در استان البرز شروع شد و سپس به مناطق مختلف ایران گسترش یافت به رغم ترفندهائی که تاکنون دیده اند از پای فشاری بر مطالبات خود باز نمانده اند. پرستاران اعلام کردند که خواستار "اجرای قانون تعرفه گذاری، رفع تبعیض در پرداخت کارانه، حل مشکل اضافه کاری، بر طرف کردن کمبود نیروی انسانی در بیمارستانها و مراکز درمانی، تغییر شرایط سخت کاری و شیفت های طولانی" می‌باشند.

این اعتراضات و اعتصابات در استانهای خراسان شمالی، فارس، البرز، کهگیلویه و بویراحمد، استان مرکزی و در ده ها شهر مانند تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، کرج، اراک، یاسوج، قزوین، اهواز، همدان، لامرد، فسا و... روی داد و در بعضی از بیمارستانها نیروهای امنیتی به سرکوب و وحشیانه پرستاران پرداخته و با گاز لفل و گاز اشک آور و باطوم به آنها حمله ور شدند. جمهوری اسلامی که جنایت و حق کشی ذاتی خودش می باشد به این بگیر و ببند ها اکتفا نکرده و جدا از پرونده سازی برای پرستاران اعتصابی از بیمارستان‌های ارتش و سربازان و حتی دانشجویان پرستاری البته با تهدید و ارباب اعتصاب شکنان را برای شکست مبارزه پرستاران به خدمت گرفته است. اما به رغم همه این دسیسه ها پرستاران معترض این پیام اوران سلامت جامعه، در تجمعات خود فریاد می زنند: **"وعده وعید کافی - سفره ما خالی"**، **"اضافه کار ۲۰ تومن نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم"**، **"مسئول بی‌کفایت - استعفا استعفا"** و **"اعتصاب اعتصاب - حقمون رو پس می‌گیریم"**. بر اساس اخبار منتشر شده تاکنون چند تن از پرستاران معترض دستگیر و بازداشت شده اند. آنها در شرایطی که تنها خواستار حقوق طبیعی و بدیهی خود بودند.

واقعیت این است که کار پرستاری در زمره مشاغل سخت و پرخطر، با عوارض بالا طبقه بندی شده است اما جمهوری اسلامی حاضر نیست حقوق پرستاران را با توجه به این واقعیت و در سطحی که معیشتشان را تأمین کند پرداخت نماید. به رغم کمی حقوق خیلی از بیمارستانها از پرداخت به موقع همین دستمزد کم هم خود داری می کنند و دیکتاتوری حاکم هم حاضر نیست با تغییر شرایط کار پرستاران و افزایش حقوق آنها شرایط را برای استخدام پرستاران جدید تسهیل نماید. اوضاع کنونی طوری است که یک پرستار عملاً کار چند نفر را انجام می دهد اما با حداقل دستمزد به این ترتیب کارفرمایان با سرشکن کردن کار پرستاری که استخدام نکرده اند بر دوش پرستاران موجود عملاً فشار کار پرستاران را چند برابر نموده اند. به همین دلیل هم هست که مخالفت با شیفت های طولانی و اضافه کاری های اجباری بخشی از مطالبات پرستاران اعتصاب کننده می باشد.

اغراق نیست اگر گفته شود که سختی و فشار مضاعف کار، کمزوری پرستاران را در زیر سختی کار شکسته است. به همین دلیل هم پرستاران هر روز شاهد خودکشی همکاران خود در اثر فشار کار بالا بوده و یا می بینند که خیلی از پرستاران این شغل را ترک و به خارج از کشور مهاجرت می کنند. طبق گزارشات منتشر شده سالانه بیش از دو هزار پرستار، بدنال شرایط سخت کار و دستمزد کم برای رسیدن به شرایط بهتر معیشتی از کشور مهاجرت میکنند. این امر به آنجا رسیده است که مسئول کمیته وزارت بهداشت در شورای راهبری دولت، با اشاره به "کمرنگ شدن امید در جامعه پرستاران"، "وضعیت مهاجرت پرستاران یا ترک کارشان را وحشتناک" توصیف کرد.

حقوق پرستاران با همه حواشی اش در حال حاضر بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان است و این درحالی است که خط فقر ۳۰ میلیون می‌باشد. روشن است که به این ترتیب همه شاغلین این رشته در زیر خط فقر قرار دارند. برای درک فشاری که کارفرمایان بر پرستاران وارد می کنند تنها کافی است توجه کنیم که بر اساس استاندارد جهانی در هر بیمارستان به ازاء هر تخت باید دو و نیم پرستار آماده کار باشند در حالیکه بر اساس امار سال گذشته در ایران اعلام شده که به ازاء هر تخت ۹۵ صدم، پرستار وجود دارد یعنی بیمارستانهای ما هنوز به ازاء هر تخت یک پرستار هم ندارند و آمار رسمی زیر یک نفر است. روشن است که فشار کار این کمبود بر دوش پرستاران شاغل سر شکن می شود و سودش به جیب سرمایه داران می رود. برای روشن تر کردن این مطلب کافی است بدانیم که در حال حاضر در ایران ۲۳۰ هزار پرستار شاغل در حال خدمت هستند، در حالیکه بر اساس جمعیت ایران نیاز به ۶۰۰ هزار پرستار می باشد. جالب است که سالانه تنها ۱۵ هزار دانشجوی سهمیه رشته پرستاری است که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز های واقعی این رشته نمی باشد.

به رغم تداوم اعتراضات پرستاران و به جای رستدگی دولت به مطالبات بر حق پرستاران معاون پرستاری وزارت بهداشت در رسانه ها اعلام کرد که: مطالبات پرستاران مدت‌هاست مانده است. سازمانهای بیمه گر پول بهداشت و بیمارستانها را پرداخت نکرده اند. ما نمیدانیم حتی بودجه علوم پزشکی به کجا رفته است" این "مسئول بی کفایت" با این پاسخ اب پاکی روی دست پرستاران ریخت و عملاً گفت "از ما کاری ساخته نیست از عهده ما خارج است و فقط سران قوا میتوانند در این مورد تصمیم گیری کنند شاید بودجه ایی اختصاص دهند و بتوانند مشکل را حل کنند". چنین پاسخی بار دیگر ثابت کرد که پرستاران نباید برای حل مشکلاتشان به امید مسئولین نظام باشند. این رژیم همان گونه که تاکنون نشان داده رژیم دزد و فاسد است که به تنها مساله ای که فکر نمی کند سرنوشت مردم گرفتار و پر درد و گرسنه به حال خود رها شده می باشد. بی دلیل نیست که توده های ستمدیده در هر فرصتی فریاد ضرورت نابودی این دیکتاتوری عریان را سر می دهد. امری که دیر یا زود در بستر مبارزات متحد همه توده های ستمدیده از هر قشر و طبقه ای به سرانجام خواهد رسید و تنها در چنان شرایطی است که مردم ستمدیده ما امکان می یابند بر ویرانه های جمهوری اسلامی شرایطی را شکل دهند که همه ستمدیدگان زندگی انسانی داشته باشند.

مرگ بر امپریالیسم! زنده باد انقلاب! فیروزه ۳۱ مرداد ۱۴۰۲

## در باره ترور اسماعیل

## هنیه، رهبر حماس

بر اساس گزارشات خبرگزاریهای جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۰ مرداد اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در محل استراحتش در تهران که شدیداً از سوی نیروهای امنیتی محافظت می شد هدف حمله قرار گرفت و همراه با محافظش کشته شد. با اینکه اطلاع موثقی از نحوه کشتن وی تاکنون بطور رسمی با جرئیت منتشر نشده، گمانه زنی های متفاوتی در سطح بین المللی جریان یافته است.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ضمن تأیید ترور هنیه تأکید نمود که نامبرده در یکی از اقامتگاه های ویژه جانبازان در شمال تهران مستقر بود که با "اصابت پرتابه ای از هوا"، حدود ساعت ۲ نیمه شب کشته شد. سپاه پاسداران هیچ جزئیات دیگری را در این رابطه مطرح نکرد.

خبرگزاری العربیه وابسته به عربستان سعودی مدعی شد که "هنیه در تهران با شلیک مستقیم یک موشک کشته شده است". اما روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با استناد به گفته های چند مقام مطلع، مدعی شد که "هنیه در پی انفجار بمبی در محل اقامتش کشته شده است". از سوی دیگر خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی به نقل از شبکه "المیادین" ادعا کرد که یک "منبع آگاه ایرانی" گفته است که کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران "با شلیک موشک از کشوری به کشور دیگر بوده و از داخل ایران انجام نشده است".

این ترور به طور طبیعی انگشت اتهام را به سوی رژیم جنایتکار اسرائیل نشان گرفته است. حماس عامل کشته شدن رئیس دفتر سیاسی خود در تهران را دولت اسرائیل معرفی کرد و تأکید نمود که این اقدام بدون پاسخ نمی ماند. در همان حال خامنه ای وعده خونخواهی و مجازات سخت عاملین این عمل را داد و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه مدعی شد که ایالات متحده به دلیل حمایت از اسرائیل مسئولیت کشته شدن اسماعیل هنیه، رهبر حماس، در تهران را بر عهده دارد. این ادعاها در شرایطی مطرح می شود که حتی برخی نظریه ها در این مورد مدعی اند که این ترور در قلب تهران بدون نوعی از همکاری بین دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و یا عوامل آن با اسرائیل به این راحتی امکان پذیر نبوده است. نیاز به دقت بسیار زیادی نیست تا فهمیده شود که با توجه به تنیدگی غیر قابل اغماض حماس و سازمانهای مشابه با دستگاه های امنیتی قدرتهای ضد خلقی مختلف از آمریکا و قطر گرفته تا ایران و ... ترور این مهره مهم حماس به رغم تمام مخفی کاری های ممکن، کار شاقی برای هیچ یک از این دستگاه های اطلاعاتی و در راس آنها اسرائیل نبوده و نیست.

از سوی دیگر در حالیکه وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، آنتونی بلینکن اعلام کرد که "این موضوعی است که ما از آن آگاه نبودیم و در آن دخالتی نداشتیم" یکی از افسران بازنشسته سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) به نام "لری جانسون" اعلام کرد که ترور "اسماعیل هنیه" رهبر سیاسی حماس با اطلاع و حمایت انگلیس و آمریکا صورت گرفته است. بدون تردید دیر یا زود واقعیات هر چه بیشتری از این عمل تروریستی آشکار خواهد شد و همگان به عینه خواهند دید که در ماهیت ارتجاعی فرد ترور شده و ترور کننده تفاوتی وجود ندارد.

واقعیت این است که رهبر جریان بنیادگرای اسلامی حماس چه توسط موشکی که اسرائیل شلیک کرده کشته شده باشد و چه توسط بمبی که در محل مخفی و حفاظت شده اقامتش کار گذاشته شده بود ترور شده باشد هیچکدام در این واقعیت تردیدی ایجاد نمی کند که در افکار عمومی، ترور "مهمان" جمهوری

اسلامی در قلب تهران و در شرایط به اصطلاح حفاظت شدید نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از نظر اطلاعاتی و امنیتی شکست فزاینده برای این رژیم مزدور و تو دهنی محکمی به سران حکومت است که برای مرعوب کردن توده ها به طور دائم در مورد قدر قدرتی این رژیم و اشراف آن به هر گونه تحریکات ضد نظام داد سخن می دهند. ترور رهبر حماس به روشنی آشکار ساخت که سیستم امنیتی جمهوری اسلامی همچون بقیه اجزای این سیستم در فساد و تباهی غوطه خورده و فساد نه تنها در اقتصاد کشور و اختلاس های میلیاردی جاری است بلکه کل سیستم را فرا گرفته است، به صورتی که این سیستم حتی قادر نیست از مهمانان خود نیز محافظت کند. به این ترتیب ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران رسوائی دیگری در پرونده سراسر رسوای این رژیم جنایتکار است که با وجود آن که هر سال میلیونها میلیون دلار بودجه مملکت را صرف تقویت نیروهای امنیتی خود می کند اما حتی قادر نیست جان "مهمان" به اصطلاح عزیزتر از جان خود را در حیات خلوتش و در مجموعه ای که برای میزبانی از مقامهای برجسته و نیازمند به محافظت شدید درست شده، حفظ کند.

جدا از چگونگی ترور اسماعیل هنیه و عامل این ترور اما سوال اصلی این است که این ترور جدا از منافع انکارناپذیر لحظه ای اش برای صهیونیستهای حاکم بر اسرائیل به پیشبرد کدام سیاست و قدرتهایی کمک می کند. واقعیت این است که اسماعیل هنیه یکی از کهنه کارترین عوامل و سرکردگان جریان ضد انقلابی حماس به مثابه یکی از بازوهای بنیادگرایی و جاده صاف کن سیاستهای امپریالیستی و صهیونیستها در سطح منطقه بود، جریانی که از جمله توسط جمهوری اسلامی تغذیه و تسلیح می شود و نقش خود را در عمل به عنوان یکی از موانع حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین نشان داده است. ترور این سرکرده حماس در شرایط بحرانی کنونی قبل از هر چیز به فضای گسترش جنگ و ناامنی در منطقه دامن می زند، فضایی که امپریالیستها و صهیونیستها در جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خود از آن سود می برند.

هم اکنون امپریالیسم آمریکا در چارچوب سیاست حمایت بی چون و چرای خود از نسل کشی مردم فلسطین توسط صهیونیستها و دولت جنایتکار نتانیاهو، با ارسال ناوهای جنگی به منطقه بر حضور نظامی خود افزوده است. عربده کشی ها و تهدیدات ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی که رسوایی ناشی از این ترور در پایتخت خود را بر دوش می کشد، هر روز با گمانه زنی در مورد چگونگی "انتقام" این رژیم از اسرائیل در سطح بین المللی پژواک می یابد. در لبنان و ترکیه و یمن و عراق نیز، قدرتهای ضد خلقی حاکم با سوء استفاده از احساسات پاک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی توده های کشورهای خویش، بیش از هر زمان ندای "هل من المبارز" (طلبیدن حریف به میدان) علیه اسرائیل و آمریکا سر می دهند. تمامی این وقایع، مردم منطقه و جهان را در وحشت گسترش جنگ ضد خلقی و فاجعه باری که با نسل کشی فلسطینیان و ریختن خون ده ها هزار کودک و زن و مرد فلسطینی توسط اسرائیل تغذیه می شود، فرو برده است.

یک نکته اما روشن است و آن اینکه عربده کشی های جمهوری اسلامی در ارتباط با ترور یک مهره مهم یک جریان ضد انقلابی توسط یک قدرت ضد انقلابی دیگر تنها در خدمت تشدید فضای فاجعه بار جنگ، کشتار و سرکوبگری هایی است که طراحان و مجریان و میزبانان این ترور دست در دست یکدیگر در حال تحمیل آن به حیات مشقت بار کارگران و خلقهای تحت ستم منطقه و به ویژه خلق فلسطین هستند.

## مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

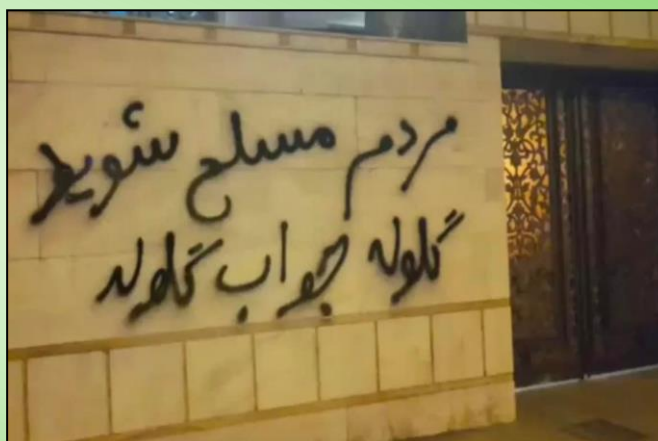
گسسته باد زنجیرهای اسارت خلق فلسطین از سلطه امپریالیسم، صهیونیسم و بنیادگرایان اسلامی!

چریکهای فدایی خلق ایران، ۲ آگوست ۲۰۲۴ برابر با ۱۲ مرداد ۱۴۰۳





## مروری بر آنچه در جنبش انقلابی ۱۴۰۱ گذشت!



حمایت از جنبش اعتراضی توده‌های مبارز ایران پرداختند اما در عمل دست در دست قدرت‌های غربی برای بقای این رژیم آدمکش و نوکر و سر سپرده‌ی امپریالیسم از هیچ تلاشی برای جهت دادن به راهکارهای برنامه‌ریزی شده در جهت به انحراف کشاندن و سرکوب این جنبش اعتراضی به نفع خود دریغ نورزیدند.

### برخورد ایرانیان نسبت به جنبش توده‌ها در خارج از کشور

در خارج از کشور، نیروهای چپ و آزادیخواه با ترتیب آکسیون‌های مبارزاتی به حمایت از مردم مبارز و تحت ستم برپا دارنده جنبش عظیم (۱۴۰۱) پرداختند. آنها در هر کجا که بودند سعی کردند فریاد آزادیخواهی مردم ایران را به گوش افکار عمومی در سطح جهان برسانند. اما در این میان نیروهای متعلق به صف ضد انقلاب که از حرکت‌های انقلابی ستم‌دیدگان ایران به وحشت افتاده بودند، ناگهان دست به کار شده و کوشیدند در حالی که خود را به ظاهر طرفدار جنبش مردم جلوه می‌دهند سدی در مقابل آن ایجاد کنند.

یکی از اقدامات نیروهای ضد انقلاب میدان دادن به شخصی به نام حامد اسماعیلیون بود که در جریان شلیک پاسداران جمهوری اسلامی به هواپیمای مسافربری اوکراینی، همسر و دخترش را از دست داده بود. او با توجه به جنایت جمهوری اسلامی در حق وی از نظر دشمنان مهره مناسبی بود که می‌توانست با جلب احساسات انسان‌دوستانه مردم، تبلیغات و خط انحرافی علیه جنبش انقلابی توده‌ها را به نفع حفظ وضع ظالمانه حاکم بر ایران پیش ببرد.

با ظهور حامد اسماعیلیون که به گفته‌ی خودش حتی در "مگس‌پران‌ترین انتخابات رژیم" هم شرکت می‌کرد و در ادامه ظهور سلطنت طلبانی که تا پیش از این جرات اظهار وجود و نمایان شدن نداشتند، در صف حرکت‌های حمایتی از جنبش انقلابی

خامنه‌ای"، "جمهوری اسلامی نمی‌خوایم، نمی‌خوایم" و شعار "هیبت منه‌ظله"، با نشانه گرفتن کلیت رژیم جمهوری اسلامی به طور مستقیم و بدون درنگ نشان دادند که آماج حمله‌های آنان چیزی جز خود رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیست. توده‌ها به روشنی دریافته‌اند که دشمن اصلی آنان به واقع خود رژیم است و با نابودی تمامیت این رژیم جنایتکار است که خواهند توانست با یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر از شر جنایات این حکومت خلاص شوند؛ مصداق بارز این هدف شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و مرگ بر جمهوری اسلامی" بود که به رسائی فریاد زده می‌شد.

مردم به جان آمده حالا دیگر در شرایطی قرار گرفته بودند که ارزشمندترین موجودی هر انسان، یعنی جان خود را در کف دست گرفته بودند و سینه‌هایشان را آماج رگبارهای بی‌امان دشمن کرده بودند. صحنه‌های فداکاری و شور انقلابی جوانان در روزهای قیام شهریور ۱۴۰۱ تا ابد در صفحات تاریخ مبارزاتی ما ماندگار خواهد ماند.

توده‌های آگاه در ابتدا با سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور و وای به روزی که مسلح شویم (۲۸ شهریور در تهران)، نشان دادند که آماده شروع یک جنگ تمام عیار با مزدوران رژیم هستند. آنها در کف خیابان مطالبات خود را فریاد می‌زدند و حضور پر جمعیت توده‌ها در صف مبارزه که لحظه به لحظه بر تعداد آنها افزوده می‌شد، لرزه بر اندام دشمنان قسم خورده مردم انداخته بود. در روزهای ابتدایی جنبش انقلابی ۱۴۰۱، در اوج شور مبارزاتی مردم تحت ستم ما که با رویای نابودی این رژیم جنایتکار و برای دست یافتن به حقوق انسانی خود فداکاری‌های بسیاری از خود نشان دادند، همزمان با رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی، اتاق فکر اربابان امپریالیستش به کار افتاد و همانطور که همگان شاهد بودیم با به راه انداختن نمایش‌های مضحک، در ظاهر به

اکنون دو سال از خیزش عظیم مردمی شهریور ۱۴۰۱ می‌گذرد، یک جنبش عظیم توده‌ای که در پی قتل حکومتی دختری جوان، ژینا (مهسا) امینی توسط پلیس گشت ارشاد رژیم خشم بی‌امان توده‌ها را در سراسر ایران رقم زد و به موجی سترگ از آتش نفرت توده‌ها نسبت به دشمن دیرینه‌شان، رژیم جانی جمهوری اسلامی، بدل شد. در آغاز جمهوری اسلامی نمی‌دانست که شعله‌های خشم مردم چه ابعادی پیدا خواهد کرد. از این رو دستپاچه بود، اما با گسترش و شدت گیری جنبش، با تجارب خیزش‌های قبلی توده‌ها، این بار نیز با تمام قدرت به مقابله با مردم برخاست؛ و توسط نیروهای مزدوریش با در دست داشتن هر گونه سلاح (اعم از سلاح سرد و جنگی) در مقابل جوانان انقلابی و زنان و مردان مبارز ایران ایستاد و با تمام قوا به آنها حمله کرد. رژیم از این طریق تلاش کرد که به زعم خود آتش خشم خروشان توده‌های دردمند را در نطفه خفه کند، غافل از اینکه آتش نفرت مردم به جان آمده از جنایات و وحشی‌گری‌ها و فقر و فلاکت و تبعیضات بی‌امان، هرگز در دل نسل‌هایی که در تمام طول حیات ننگین این رژیم همواره با آن مواجه بوده‌اند، خاموش شدنی نیست... و به همین دلیل هم هنوز جامعه آبیستن خیزش‌های بزرگتری است.

مبارزات مردم در شرایطی آغاز شد که پس از قیام بزرگ توده‌ها در سال ۱۳۹۸ که خیزش گرسنگان نامیده می‌شد، هزاران تن از جوانان انقلابی برای دستیابی به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود یعنی نان و کار و مسکن و آزادی به بهای خون خود به خیابان‌ها ریختند و تا پای جان برای دستیابی به این اهداف مبارزه کردند. پس از قتل حکومتی ژینا این‌بار نیز با تجربه جنبش‌های اعتراضی پیشین، توده‌های خشمگین در ساعات اولیه پس از اعلام این خبر در مقابل بیمارستان کسری تهران، محل بستری شدن ژینا، تجمع کردند و با سردادن شعارهای "مرگ بر

علی‌نژاد نام برد که رسوایی و سرسپردگی او و همسر نایاکی اش به جمهوری اسلامی امروز بر کسی پوشیده نیست.

در همین زمان، کنفرانس جرج تاون که بعدها به دلیل تصویب به اصطلاح "منشور همبستگی و سازماندهی"، به "کنفرانس مهسا" مشهور شد، برگزار گردید که هدف خود را ظاهراً مخالفت با جمهوری اسلامی و برای مبارزه با آن اعلام کرده بود. اجرای برنامه کنفرانس را شخصی به نام کریم سجادیور به عهده داشت، کسی که یکی از چهره‌های شناخته شده صادراتی رژیم است و سالها در تلویزیون جمهوری اسلامی حمد و ثنای خامنه‌ای خونخوار را گفته است. از دیگر شرکت کنندگان در این کنفرانس علی کریمی فوتبالیست لمپن به اصطلاح اصلاح‌طلب حکومتی بود که در خارج از کشور خود را طرفدار رضا پهلوی (یا به زبان مردم نیم پهلوی) معرفی نمود. در این کنفرانس شیرین عبادی هم شرکت داشت که تا همین چند وقت پیش با نظرات اصلاح طلبانه برای رژیم، آب به آسیاب جمهوری اسلامی می ریخت. ناگفته نماند که حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، علی کریمی، گلشیفته فراهانی، عبدالله مهتدی و ... که در این کنفرانس شرکت داشتند، همگی چشمشان به دهان قدرت‌های امپریالیستی بود و با دم تکان دادن برای دولت‌مردان کشورهای امپریالیستی چون کانادا، فرانسه، نروژ و ... خواهان گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی بودند. اینان همگی با طلب کمک‌های مالی از این دولت‌ها، ضمن پر کردن جیب‌های خود و به واقع کاسبی با خون جوانان ایران، در خدمت پیشبرد اهداف امپریالیسم گام برداشتند.

همه این تلاش‌ها نشانگر آن بود که همه این افراد همگی با یک سازماندهی ویژه از طرف مدافعان منافع جمهوری اسلامی با پشتیبانی امپریالیست‌ها، این دشمنان اصلی مردم ایران، دور هم جمع شده بودند تا سدی در مقابل رشد و پیشروی جنبش انقلابی مردم ایران ایجاد نمایند.

همه این اتفاقات و کوشش‌های صورت گرفته برای منحرف کردن جنبش توده‌ها در داخل کشور که البته با تبلیغات رسانه‌های وابسته به امپریالیسم همراه بود انرژی جوانان آگاه و مبارز داخل کشور را می‌گرفت؛ به نحوی که **آزادی‌خواهان مبارز در داخل می‌بایست هم با رژیم خون‌خوار در بیفتند و هم علیه اقدامات این خارج‌نشینان خود رهبر خوانده‌ها، به اقداماتی از جمله شعارنویسی دست بزنند. از جمله نمونه‌های آن شعارها این‌ها بودند: "پهلوی آخرین برگ خامنه‌ای!" و "ساواکی، سپاهی پیوندتان مبارک!"**

**فرزند دیکتاتور سابق برای ظاهرا گذار از جمهوری اسلامی می خواست به دولت‌های امپریالیسم متوسل شود. شخص رضا پهلوی که ارادتش به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بر همگان ثابت شده است، در روزهایی که مردم ایران همچنان در کف خیابان کشته می‌دادند اعلام کرد که با دیپلماسی باید از این حکومت گذر کرد و نیازی به حضور مردم در خیابان‌ها نیست. او همچنین مزدوران سپاهی و بسیجی را نیز تطهیر کرده و مدعی شد که در فردای گذار از رژیم، با همین سپاهی‌ها و بسیجی‌هاست که باید امنیت کشور را حفظ کرد. این‌گونه بود که جوانان آگاه ایرانی در دیوار نوشته‌های شبانه خود از زبان رضا پهلوی نوشتند که "من هم یک سپاهی هستم" و با واژه‌های سپاه و شاه را با طرخی گرافیتی در هم تلفیق کرده و این‌گونه نوشتند: "شپاه!"**

مساله حجاب زنان در ایران تقلیل دهد. ضمن تاکید بر مساله حضور زنان قهرمانی که در تمام مراحل این جنبش عظیم مردمی و همچنین تمامی مبارزات گذشته همواره حضور بسیار پررنگ و تعیین کننده داشته‌اند، اما خواسته و مطالبه واقعی همین زنان نیز علاوه بر حق آزادی پوشش که یکی از ابتدایی‌ترین و مسلم‌ترین حقوق هر زنی می‌باشد، همواره دستیابی به نان و کار و مسکن و آزادی و استقلال از هرگونه وابستگی به بیگانگان بوده است. مردم آگاه و انقلابی ما که می‌دانند امپریالیست‌ها همواره با چپاول و استثمار سرزمین‌های امثال کشور ما در پی سود بیشتر و افزایش منافع خود بوده و هستند، هدف از مبارزه انقلابی و خواست اصلی و اساسی خود را با طرح شعارهایی با گویایی فریاد زده‌اند.

به میدان آمدن توده‌های رنج‌دیده و مملو از خشم و نفرت نسبت به جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران زالو صفت در تابستان ۱۴۰۱، آن‌هم در ابعادی بسیار گسترده، چنان ترس و وحشتی بر دل این رژیم و اربابانش افکند که کسانی را با سابقه منتقد یا اصلاح طلب و غیره به خارج از کشور گسیل کرد تا در قالب مخالفت با جمهوری اسلامی در مقابل اپوزیسیون چپ و آزادیخواه به تقویت اپوزیسیون غیر انقلابی یا ضد انقلابی بپردازند. جالب است که اکثر فرستاده‌های جمهوری به محض رسیدن به خارج پشت سر رضا پهلوی فرزند دیکتاتور سابق ایستادند. در تداوم این برنامه، رژیم شروع به صادرات بازیگران حکومتی هم به خارج از کشور کرد و جالب اینجاست که همه آن بازیگران حکومتی همگی دست اتحاد به سوی رضا پهلوی دراز کرده و وی را رهبری شایسته برای فردای آزادی ایران خواندند.

از فرستاده‌های پیشین جمهوری اسلامی به خارج از کشور هم می‌توان از مسیح

مردم تزلزل ایجاد شد. بنابراین در شرایطی که توده‌های مبارز ایران در کف خیابان‌های شهرهای کوچک و بزرگ برای نابودی تمامیت این رژیم جنایتکار می‌جنگیدند بخش قابل توجهی از ایرانیان، خودآگاه و یا ناخودآگاه وارد صف تبهکارانی شدند که هدفی جز به انحراف کشیدن مسیر مبارزات مردم ما نداشتند. تبهکاران کوشیدند مسیر مبارزات خارج از کشور را به سمتی بکشانند که تنها جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش می‌توانستند از آن سود ببرند.

در آن هنگامه درست به مانند جنبش مردمی سال ۸۸ افرادی به یک‌باره در شهرهای مختلف ظاهر شدند که تا قبل از آن هیچ‌یک از ایرانیان ساکن آن شهرها آنها را در آکسیون‌های مبارزاتی نیروهای چپ و آزادیخواه ندیده بودند و نمی‌شناختند. اتفاقاً همان‌ها کسانی بودند که در صفوف تظاهرات حمایتی مردم، موزیانه نفوذ کرده و در چندین کشور موفق شدند کنترل اوضاع و برنامه‌ها را به دست خود بگیرند تا جایی‌که عملاً نیروهای مبارز واقعی از میدان به در شدند و فرمان کارزارهای نمایشی در ظاهر علیه رژیم اما در حقیقت همسو با سیاست‌های حفظ رژیم ننگین جمهوری اسلامی، یک شبه در دست این عوامل نفوذی افتاد.

یک دسته دیگر در میان ایرانیان خارج نشین که همواره از اصلاحات و اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی دفاع می‌کردند نیز نقش "اصلاح طلبانه" و رفرمیستی خود را به نفع بقای جمهوری اسلامی ایفا نمودند. اینان که پیشتر در دسته‌ای قابل توجه با افکار اصلاح‌طلبی پوچی مانند "نمی‌خواهیم ایران مانند عراق و یا افغانستان و سوریه شود"، دیگران را به شرکت کردن در انتصابات رژیم تشویق می‌کردند، اینک چنان سردمدار مبارزات شده بودند که خود را انقلابی خوانده و دیگرانی که تا آن زمان در عرصه‌های مختلف اقدام به اعتراض و افشاگری علیه حکومت می‌کردند و به دلیل راست‌روی‌های آشکار و در خدمت ضد انقلاب بودنشان در صفوف آنها حضور نمی‌یافتند را مورد سرزنش قرار می‌دادند. نکته ای هم قابل توجه است که با هماهنگی‌های ایجاد شده توسط مجموعه نیروهای متعلق به ضد انقلاب که در پوشش مخالفت با جمهوری اسلامی برای بقای این رژیم ننگین کار می‌کردند همزمان در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا در ساعات مشابه تظاهرات به ظاهر اعتراضی برگزار می‌شد. بر اساس مشاهدات عینی، پرچم‌ها، پلاکاردها، شعارها، برنامه‌ها و متن سخنرانی‌ها از یک موسسه در آمریکا برای آنها فرستاده می‌شد. محور اصلی این اعتراضات نیز تنها به مساله حجاب زنان در ایران محدود شده بود تا دلیل اصلی خیزش عظیم مردمی، یعنی فقر و فساد و تورم و گرسنگی و بیکاری و سرکوب مردم را تنها و تنها به



## ظهور ناگهانی سلطنت طلبان در خارج از کشور

اگر به تظاهرات ترتیب داده شده توسط نیروهای غیرمردمی و ضد انقلابی در خارج از کشور نگاهی بیندازیم می‌بینیم که پس از اینکه عوامل نفوذی دشمن که در بالا شرح داده شد، خود را موفق در ایفای نقش خود دیدند، اعلام کردند که اکنون زمان اتحاد همه با هم است. پس از آن فسیل‌های سلطنت‌طلب که سالیان سال در سوراخ موش‌های خود پنهان شده بودند به یک باره سر در آوردند و با وقاحت خاصی که مختص به این قماش لمپن‌های آموزش دیده در مکتب پهلوی می‌باشد، به خیابان آمده و شروع به تهدید و فحاشی و عربده کشی علیه نیروهای چپ و آزادیخواه نمودند. آنها حتی به صفوف نیروهای مبارز حمله‌ور شدند و به این ترتیب بار دیگر بر همگان ثابت کردند که ذات فاشیستی شعبان بی‌مخ‌های دیکتاتوری پهلوی پس از سال‌ها زیستن در کشورهای اروپایی و به قول خودشان جهان اول تغییر ناپذیر است. اما اینان با اعمال فاشیستی خود چهره واقعی خود را نیز برای نسل جوان ایران آشکار ساختند. اینکه ماهیت پس مانده پهلوی‌ها امروز تا چه حد برای ملت آگاه ایران روشن شده امر مشخصیست اما در این میان رسانه‌های وابسته به امپریالیسم و حامی پهلوی تا جایی که توانستند به حمایت از وی پرداختند و سعی کردند که با وارونه جلوه دادن حقایق تاریخی، احساس نفرت مردم از این خانواده منفور را هرچه کمتر کنند تا جایی که تلویزیون وابسته "من و تو" بی شرمی را به حدی رساند که یک برنامه با نمایش مضحک پرویز ثابتی رییس اداره سوم ساواک ترتیب داد و در آن ثابتی نوکر و جنایتکاری که دستش به خون جوانان انقلابی و مبارز ایران آلوده است با وقاحت تمام در مقابل تلویزیون نشست و با ننه من غریب بازی، سعی در تطهیر چهره جنایتکار ساواک نمود. نکته مضحک و در عین حال دردناک اینجا بود که سلطنت طلبان معلوم الحال پس از این مصاحبه با پوست‌های ثابتی جلاد در تظاهرات به اصطلاح حمایتی از مردم ایران شرکت می‌کردند.

شخص رضا پهلوی که ارادتش به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بر همگان ثابت شده است، در روزهایی که مردم ایران همچنان در کف خیابان کشته می‌دادند اعلام کرد که با دیپلماسی باید از این حکومت گذر کرد و نیازی به حضور مردم در خیابان‌ها نیست. او همچنین مزدوران سپاهی و بسیجی را نیز تطهیر کرده و مدعی شد که در فردای گذار از رژیم، با همین سپاهی‌ها و بسیجی‌هاست که باید امنیت کشور را حفظ کرد. این‌گونه بود که جوانان آگاه ایرانی در دیوار نوشته‌های شبانه خود از زبان رضا پهلوی نوشتند که "من هم یک سپاهی هستم" و یا واژه‌های سپاه و

شاه را با طرحی گرافیتی در هم تلفیق کرده و این‌گونه نوشتند: "شپاه"! فرزند دیکتاتور سابق برای ظاهرا گذار از جمهوری اسلامی می‌خواست به دولت‌های امپریالیسم متوسل شود. کاری که پدر بزرگ و پدرش و فرزند خلف آنها جمهوری اسلامی انجام داده‌اند. این امر نیز به زودی بر همگان معلوم شد که سران قدرتهای غربی هیچگاه نگران و دلواپس جان و سلامتی و آزادی و مال مردم ایران نیستند، بلکه هر رژیم دست‌نشانده‌ای همچون پهلوی و جمهوری اسلامی بر سر کار بیاید لازم است که در ابتدا سرسپردگی و تضمین حفظ منافع آنها را به اثبات برساند. پهلوی نیز صد البته با این انگیزه و در همین راستا و در جهت حفظ منافع قدرتهای قبلی در کنار جمهوری اسلامی ایستاد و به خوبی از پس نقش خود یعنی محافظت از تمامیت این رژیم برآمد.

**در سال ۹۸ هنگامی که توده مبارز با شعار محوری نان کار آزادی به خیابان آمد و بنا به گزارش خبرگزاری رویترز بیش از ۱۵۰۰ نفر از جوانان انقلابی ایران توسط رژیم به قتل رسیدند، پس از فیلتر شدن برخی از شبکه‌های اجتماعی در ایران رضا پهلوی در گفتگو با رویترز گفته بود که دولت آمریکا باید شرکت‌های ارتباطی و اینترنتی را تشویق کند به ایرانیانی که علیه رهبر روحانی کشورشان دست به اعتراض زده‌اند، خدمات ارائه دهند، در آن هنگام پائولو کوئیلو نویسنده برزیلی که در ایران بسیار شناخته شده است در توییتری علیه رضا پهلوی نوشت: خفه شو! ساواک، مرده است و اگر تو به دنبال یک کودتای دیگر باشی، مانند کودتایی که سازمان سیا در سال ۱۹۵۲ سازماندهی کرد، مردم ایران برای حمایت از کشورشان برمی‌خیزند! پائولو کوئیلو در پاسخ به کامنت یک طرفدار پهلوی نوشته بود که من از مردم ایران حمایت می‌کنم نه از افراد سبک مغزی مانند این وارث تاج و تخت که مثل بسیاری دیگر در همین توییتر خواستار دخالت خارجی هستند. برای بسیاری از جوانان ایران که این نویسنده برزیلی را می‌شناسند پاسخ کوئیلو همچون پتکی بود بر سر تمامی متوهمین به بازگشت ارتجاع سلطنتی و دیگرانی که می‌پندارند که باید کشورهای قدرتمند برای آزادی ایران از چنگال دیکتاتوری جمهوری اسلامی دست به کار شوند و گویا نه برای حفظ منافع غارتگرانه خود در ایران بلکه به کمک مردم ما می‌آیند. این دسته افراد کسانی هستند که می‌خواهند همیشه تحت سلطه و کاسه لیس شیخ و شاه باقی بمانند!**

یک نمونه از واقعیت‌هایی که افشاگر چهره سلطنت طلبان می‌باشد عکس‌العمل‌های همسر رضا پهلوی، یاسمین

می‌باشد. از جمله او در حرکتی کاسیکارانه در اولین سالگرد قتل ژینا اقدام به برگزاری نشست می‌کرد که حضور عموم در ازای پرداخت پول امکان‌پذیر بود؛ آن هم به سبک کنسرت‌های خوانندگان و شومن‌ها. قیمت از ۱۵۰ دلار شروع و در قسمت وی‌آی‌پی به ۲۵۰ دلار می‌رسید. یک نکته تمسخر آمیز دیگر آن ضیافت ناهار با خانم ملکه در محیطی خصوصی بود که می‌بایست ۴۵۰ دلار ناقابل بابت آن پرداخت شود. در فیلمی که از بخشی از این ضیافت خصوصی بیرون آمده بود، افراد حاضر که برای سالگرد قتل ژینا در آنجا گرد هم آمده بودند اقدام به سورپرایز کردن مکس امینی، شومنی که با نایاک همکاری‌های زیادی انجام داده است کرده و برای تولد او به جشن و پایکوبی پرداختند.

اکنون پس از گذشت دو سال از جنبش بزرگ اعتراضی توده‌های مبارز ما در سال ۱۴۰۱ مردم در ایران همچنان با فقر و مشکلات بسیار شدید معیشتی و گرانی و تورم افسار گسیخته‌ای که از طرف رژیم وابسته به امپریالیسم به آنان تحمیل شده دست و پنجه نرم می‌کنند. ابعاد فشار اقتصادی به گونه‌ای است که هر روز در خبرها شاهد افزایش دزدی و خودکشی و آسیب‌های اجتماعی بسیار جدی هستیم. با توجه به چنین زمینه مادی، شعله‌های جنبش ۱۴۰۱ هرچند که در ظاهر فروکش کرده اما بدون شک دیر یا زود به آتشی فروزان تبدیل خواهد شد. شرایط جامعه ایران آتش پنهان زیر خاکستری‌ست که در زمانی که شعله‌ور شود حیات و هستی و موجودیت رژیم تبهکار و آدم‌کش و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر به چالش خواهد کشید. آنچه مسلم است این است که جنبش اعتراضی ۱۴۰۱ نیز علیرغم حضور تمام طبقات جامعه و کشته و زخمی و کور شدن تعداد بسیار زیادی کودک و زن و مرد و پیر و جوان به دلیل فقدان یک نیروی متشکل رهبری آسیب دید و نتوانست سرانجام شیرین سرنگونی رژیم و رسیدن به مطالبات مردمی را نتیجه بدهد؛ اما با تأکید باید گفت که این جنبش ضربات اساسی و کاری بر پیکره رژیم وارد کرد و راه را برای روزی که این رژیم در آتش خشم توده‌ها سوزانده شود، صیقل داده است.

اما درس بزرگی که از این خیزش و رویدادهایی که طی آن شاهد بودیم، می‌گیریم این است که عناصر آگاه طبقه کارگر و روشنفکران انقلابی می‌توانند با ایجاد تشکل‌های سیاسی-نظامی و مبارزه مسلحانه چریکی که منجر به مبارزه مسلحانه توده‌ای خواهد شد، این رژیم جنایتکار را به زانو درآورده و به زیر بکشند؛ حقیقتی که با شعار "تشکل تسلیح اتحاد مبارزه پیروزی" معنا پیدا می‌کند.

آساره پویان، شهریور ۱۴۰۲

## چند گزارش از آکسیونها و فعالیتهای مبارزاتی فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد، هلند، انگلستان و اتریش در حمایت از مبارزات مردم ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی

### گزارش آکسیون مبارزاتی ۱۵ سپتامبر در استکهلم



روز یکشنبه پانزده سپتامبر به مناسبت دومین سالگرد جنبش انقلابی ۱۴۰۱ تظاهراتی در "مینت تورت" استکهلم برگزار شد. این آکسیون که در ساعت دو بعد از ظهر شروع و تا ساعت چهار بعد از ظهر ادامه داشت با فراخوان شورای استکهلم و با شرکت نیروهای کمونیست و چپ شروع شد و ادامه یافت.

برنامه بزرگداشت دومین سالگرد خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با سرودها و شعارهای انقلابی آغاز گشت. سپس تعدادی از شرکت کنندگان مبادرت به سخنرانی کردند. سخنرانان با قدر دانی از شرکت وسیع مردم در این خیزش انقلابی یاد جانباختگان جنبش ۱۴۰۱ را گرامی داشته و همدردی خود را با خانواده های آنها اعلام نمودند. سخنرانان ضمن گرامیداشت یاد ژینا(مهسا) امینی که قتل فاجعه بارش توسط مزدوران گشت ارشاد جمهوری اسلامی جرقه آغاز این خیزش بود بر این واقعیت انگشت می گذاشتند که جنبشی که با سوزاندن حجاب اسلامی و فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی شروع شد در فاصله کوتاهی سرتاسر ایران را فرا گرفت و فریادش به جهان رسید. برخی از سخنرانان بر نقش برجسته زنان در این خیزش تاکید نموده و می گفتند که با اینکه رژیم تمام نیروهای سرکوبگرش را به میدان آورده بود اما این خیزش مدتها ادامه یافت و پایه های جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم را به لرزه در آورد. سخنرانان همچنین تاکید داشتند که در این دو سال مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب به شکل های مختلف ادامه داشته و جوانان تجربه مبارزاتی زیادی آموختند. همچنین برخی از سخنرانان بر نقطه ضعف جنبش یعنی فقدان رهبری انقلابی و عدم سازماندهی سراسری تاکید داشتند و یا می گفتند طبقه کارگر بایستی با تشکل مستقل خودش و با برنامه مشخص برای بدست گرفتن قدرت سیاسی به میدان آید و این تنها راه پیروزی است که البته راهی طولانی است.

فعالین چریکهای فدایی با بنر ها و عکس های گوناگون از جانباختگان این خیزش و با آرم سازمان و تصاویری از بنیانگذاران سازمان در این برنامه شرکت داشتند. آنها مطالبی در باره آرم چریکهای فدایی خلق و ضرورت مبارزه مسلحانه و همچنین پیوند مبارزات مردم ایران با خلق فلسطین را در محل تجمع خود ارائه می کردند.

در طول تظاهرات چند خانواده سوئدی بادی بنر ها گفتند ما از وضعیت سخت اقتصادی ایران اطلاع داریم ولی از این حد از کشتار و وحشیگری کمتر می دانستیم. چند نفر از اهالی عراق و سوریه هم ضمن دیدن بنر ها و تصاویر جانباختگان خیزش گفتند که این وضعیت تنها مختص ایران نیست و همه منطقه زیر ضرب امپریالیستها با هدف غارت و کشتار قرار گرفته است و به همین دلیل هم باید متحد شویم. این آکسیون در ساعت چهار بعد از ظهر با شرکت بیش از صد نفر با موفقیت به پایان رسید.

گرامی باد یاد همه جانباختگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱!  
سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب!  
سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد  
۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

### گزارشی از برگزاری مراسم یادمان قتل عام

#### زندانیان سیاسی در هلند



به روال سالهای گذشته، در سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و نقطه اوج آن یعنی قتل عام هزاران تن از زندانیان سیاسی کمونیست و مبارز در سال ۱۳۶۷، روز شنبه ۲۴ آگوست ۲۰۲۴ در شهر آمستردام هلند مراسم باشکوهی به یاد آن عزیزان برگزار شد.

در آفیش برنامه عنوان شده بود که این مراسم در بزرگداشت یاد جانباختگان دهه ۶۰، افشای جنایات رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و همچنین در همبستگی با مادران داغدار و دادخواه خاوران های بیشمار ایران و بازماندگان این جنایت تاریخی برگزار می شود. مراسم بزرگداشت جانباختگان دهه ۶۰ توسط کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند بخشی از آن هستند برگزار شد. این مراسم از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شد.

در محل آکسیون یک پودیوم بزرگ نصب شده بود و تصاویر و بنرهای مبارزاتی بزرگ نظیر عکس اعدام شدگان در سنج در شهریور ۵۸ تا جانباختگان قیامهای اخیر به نمایش درآمده بود که توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می کرد.

در طول این مراسم چند سخنرانی ایراد شد و رفیق محمد هشی از زندانیان سیاسی شناخته شده و از جان بهدربرندگان کشتار دهه ۶۰ یکی از این سخنرانان بود که در سخنانی در دو نوبت به زبان انگلیسی گوشه ای از تجارب وحشتناک عینی خود از زندانهای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در سالهای دهه ۶۰ را به سمع مخاطبین رساند. او در سخنان خویش از تاریخچه سرکوب ها توسط رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی از اولین روزهای روی کار آمدنش تا سرکوبهای اخیر به شکلی غرا و جذاب سخن گفت. این سخنان آگاهی دهنده و محکم، با استقبال بازدیدکنندگان مواجه شد و تعدادی از عابرین با شنیدن این سخنان به بحث و گفتگو با رفقا در مورد شرایط ایران پرداختند.

سخنران بعدی رفیق اصغر فتاحی، فعال کارگری و زندانی دو رژیم وابسته ستمشاهی و جمهوری اسلامی بود. او نیز با بیان تجارب



میزها بود و فعالین سازمان ضمن پاسخ به پرسش‌های جوانان بازدیدکننده به تشریح مواضع انقلابی تشکیلات در مورد اوضاع ایران پرداختند.

جشنواره "صدای مردم" تریبونی برای نمایش همبستگی مردم و ارائه فرهنگ مردمی می‌باشد. جشنواره امسال که برگزاری آن از تاریخی طولانی در بین مردم اتریش برخوردار است، پس از دو روز با پایکوبی جوانان و شرکت کنندگان تا پاسی از شب ادامه یافت و سپس با موفقیت به پایان رسید.

**فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در وین - اتریش**  
۲ سپتامبر ۲۰۲۲

## هلند: گزارشی از آکسیون علیه اعدامهای وحشیانه و

### احکام جدید اعدام در بیدادگاه های رژیم!



در اعتراض به موج اعدامها توسط رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی و از جمله اعدام ۶۰ تن دیگر در هفته های اخیر و صدور احکام اعدام وحشیانه علیه فعالین کارگری و بویژه زنان، روز شنبه ۱۰ آگوست ۲۰۲۴ یک آکسیون اعتراضی در شهر آمستردام برای افشای این جنایات و رساندن صدای زندانیان سیاسی به افکار عمومی برگزار شد.

این آکسیون در ادامه سلسله حرکات مبارزاتی ای صورت گرفت که توسط "کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران- هلند" - که فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند بخشی از آن هستند- سازمان یافته و برگزار می شود. این آکسیون همچنین در محکومیت نسل کشی دولت صهیونیستی اسرائیل و حامیان امپریالیستش علیه خلق فلسطین صورت گرفت که ۱۰ ماه است به بهانه جنگ با دار و دسته ارتجاعی حماس به قتل عام مردم فلسطین مشغولند.

در طول این آکسیون، ترانه سروردهای مترقی مختلفی پخش شد و همچنین فایل‌های صوتی افشاگرانه ای به زبانهای انگلیسی و هلندی در رابطه با جنایات جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان ایران و بویژه کشتار وحشیانه دهه ۶۰ و سال ۶۷ پخش شد که مورد توجه عابرین قرار می گرفت.

مراجعین بسیاری از محل آکسیون و بنرها و عکسها دیدن کرده و با رفقا در مورد مسایل مختلف به گفتگو پرداختند. دو جوان بلوچ که اخیرا به عنوان پناهجو مجبور به آمدن به هلند شده اند از جمله این مراجعین بودند که با رفقای برگزار کننده آکسیون در ارتباط با وضعیت نابسامان پناهجویان در هلند و برخوردهای غیر مردمی دولت هلند با پناهجویان و از جمله اسکان ۱۴۰۰ پناهجو در یک کشتی بر روی آب و اوضاع بلوچستان و وضعیت مردم و مبارزات برحق خلق بلوچ به صحبت با رفقا پرداختند. در این گفتگوها بر روی ضرورت وجود یک رهبری انقلابی و مردمی برای پیشرفت مبارزات مردم منطقه تاکید شد.

ادامه در صفحه ۲۶

خوبش از زندان در دو دیکتاتوری امپریالیستی شاه و جمهوری اسلامی در سخنرانی خود به افشای چهره این دو رژیم پرداخت. او از جنایات این رژیمهای وابسته در زندانها سخن گفت. کلا سخنرانی ها و اطلاعاتیه کمیته با استقبال بازدید کنندگان از محل آکسیون از کشورهای مختلف روبرو شد. در برنامه، رفیق سوسن اطلاعاتیه کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران- هلند را به زبان فارسی و رفیق جوان دیگری نیز اطلاعاتیه کمیته را به زبان هلندی و انگلیسی قرائت کرد.

در طول مراسم سروردهای انقلابی و از جمله سرود شهیدان که توسط یک هنرمند جوان با پیانو نواخته و اجرا گشت پخش شد. برنامه بسیار خوب پیش رفت و جمعیت را جذب خود می کرد به طوری که این مراسم که قرار بود در ساعت ۴ بعدازظهر تمام شود تا ساعت ۴:۳۰ ادامه یافت.

در این آکسیون فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند فعالان شرکت کردند و به برپایی میز کتاب مبادرت ورزیدند. در این مراسم فعالین سازمان ۸ مارس نیز شرکت کرده و اعلامیه خود را از تریبون مراسم قرائت کردند.

**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در هلند**  
۲۰ آگوست ۲۰۲۴

## گزارشی از جشنواره "صدای مردم" در وین، اتریش!



به روال هر سال جشن "صدای مردم" با شرکت بیش از ۵۰ هزار نفر از اهالی شهر وین در محل "Prater Wiener im Jesuitenwiese" برگزار شد. این جشن مردمی در روزشنبه اول و یکشنبه دوم سپتامبر برگزار شد. در این مراسم مردمی نیروهای سیاسی مختلف با نصب چادر، مبادرت به معرفی آرمانهای سیاسی و مواضع خود و پخش موزیکهای مترقی نمودند. تقریباً اکثر فعالین سیاسی ملیت‌های مختلف ساکن وین در این جشن شرکت نموده و حضور پررنگی داشتند.

این جشنواره از صبح زود روز شنبه شروع و تا پاسی از یکشنبه شب ادامه داشت. فعالین چریکهای فدائی خلق در وین از جمله نیروهایی بودند که با نصب چادر اطلاعاتی و گذاشتن میز کتاب به توزیع انتشارات سازمان به ویژه به زبان آلمانی در جریان این جشن پرداختند. محل چادر با بنرها و عکس‌های بنیانگذاران سازمان و همچنین شهدای خیزش‌های اخیر تزئین شده بود.

در جریان این حرکت چند اعلامیه به زبان آلمانی در بین مردم پخش شد که با استقبال مردم مواجه شد. بطوری که از هرکدام از این اعلامیه‌ها ۲۰۰ عدد پخش شد. در این اعلامیه‌ها و متن‌های اطلاعاتی در مورد کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و حمله جنایتکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل به مردم غزه توضیحاتی داده شده بود. میزان بازدید جوانان اتریشی از میز کتاب بیش از انتظار بود و چندین جلد کتاب مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک رفیق مسعود احمدزاده و حماسه مقاومت نوشته رفیق اشرف دهقانی به زبان آلمانی توسط این جوانان خریداری شد. به واقع میز کتاب یکی از پربازدیدترین و شلوغ‌ترین

## ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، نشانگر موقعیت انقلابی در ایران!



به شیوه های سابق و عدم خواست مردم در زندگی به شیوه سابق بود. از این زمان به بعد انقلاب توده ها با چنان سرعتی رشد کرد که رژیم شاه به هر وسیله ای متوسل شد- که به کار گیری فریب و نیرنگ و دادن ظاهراً امتیازاتی به مردم (انحلال ساواک، تشکیل شورای سلطنت بدون حضور شاه) از آن جمله بود- نتوانست جلوی موج انقلاب را بگیرد، اما به گفته لنین برای این که یک موقعیت انقلابی منجر به انقلاب به مفهوم دگرگونی در سیستم اقتصادی- اجتماعی پیشین گردد نیاز به آن است که طبقه انقلابی توده ها را به عهده دارد به حد کافی قوی باشد. این رسالت در جامعه ایران بر دوش طبقه کارگر قرار دارد که در آن شرایط به دلیل نفوذ اپورتونیسیم در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حتی از وجود سازمان پیشاهنگ خود نیز محروم مانده بود.

واقعۀ ۱۷ شهریور به طور برجسته افشاگر چهره واقعی ارتش امپریالیستی ایران می باشد. همان ارتشی که رژیم جانشین شاه یعنی جمهوری اسلامی بلافاصله پس از روی کار آمدن، آن را علیه توده های انقلابی به کار گرفت و مبارزات خلقهای ما در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان را بخون کشید و با به راه انداختن جنگی ارتجاعی با عراق که تنها به نفع امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و شرکاء سازمان یافته بود میلیونها تن از نسل جوان انقلابی ایران را به قتلگاه فرستاد.

۱۷ شهریور، جلوه شکوهمندی از مبارزات خلقهای ما و در همان حال جلوه ای از ماهیت دمنشانه نظام سرمایه داری وابسته ایران می باشد که برای حفظ سلطه منحوس خود نشان داده است از هیچ جنایتی فرو گذاری نمی نماید.

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای این روز تاریخی بر این نکته باید تاکید کنیم که اگر ۱۷ شهریور ماهیت واقعی ارتش ایران را بار دیگر در مقابل توده های ما به نمایش گذاشت در همان حال این وظیفه بزرگ را نیز در مقابل ادامه دهندگان راه شهدای ۱۷ شهریور قرار داد که تا نابودی ارتش امپریالیستی ایران به مثابه عمده ترین عامل بقای سلطه ظالمانه امپریالیستها و سرمایه داران وابسته از پای ننشینند؛ چرا که تحقق اهداف این شهدا تنها با نابودی نظام سرمایه داری وابسته و ارتش جنایتکارش و تمامی زواید آن امکان پذیر میباشد.

### چریکهای فدائی خلق ایران شهریور ۱۳۹۶

### هلند: گزارش آکسیون علیه اعدامهای وحشیانه ...

از صفحه ۲۵

همچنین یک خانواده دیگر ایرانی که به آمستردام سفر کرده بودند از محل آکسیون و پرچمها و بنرهای کمیته و چریکهای فدایی خلق دیدن کرده و با آگاهی از اهداف برگزار کنندگان آکسیون بسیار ابراز خوشحالی و قدردانی کردند. آنها با علاقه و صمیمیت در رابطه با وضعیت جوانان و بویژه مساله حجاب و مبارزات زنان در ایران با رفقا به بحث و گفتگو پرداختند. این حرکت از ساعت ۱/۳۰ بعداز ظهر روز شنبه در میدان دام آمستردام شروع و در ساعت ۴ بعد از ظهر با موفقیت خاتمه یافت.

**نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!  
زندانی سیاسی، به همت توده ها آزاد باید گردد!  
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!**

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- هلند  
۱۳ آگوست ۲۰۲۲

در مبارزات قهرمانانه توده های تحت ستم ایران در سالهای ۵۷-۵۶ علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، ۱۷ شهریور بیانگر نقطه عطف تاریخی است. این مبارزات که هدفش کسب استقلال (قطع قطعی هرگونه نفوذ امپریالیستها در ایران) و برقراری آزادی و دموکراسی در جامعه بود در این روز به نقطه ای رسید که برگشت از آن دیگر ممکن نبود.

پس از قیام مردم مبارز تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، امپریالیستها و بورژوازی وابسته ایران که متوجه جدی بودن موج انقلابی توده های تحت ستم ایران شده بودند در حالی که مشغول تدارک و تقویت آلترناتیوهای برای فردای سقوط احتمالی رژیم شاه شدند (از جمله اقدام به آماده سازی خمینی و دار و دسته های اسلامی) ولی هنوز امیدوار بودند که بتوانند موج انقلاب در ایران را با سرکوب توسط نیروهای مسلح شاهنشاهی خوابانده و رژیم شاه را حفظ کنند. اما شدت گیری مبارزه توده های جان به لب رسیده از مظالم رژیم شاه پس از قیام مردم تبریز در شرایطی که این توده ها از مبارزه مسلحانه پیشاهنگان صدیق و جان برکف خود الهام گرفته و فضای رادیکال و انقلابی بر همه جامعه سیطره داشت، به طور روزن افزون به دشمنان مردم می فهماند که بیهوده در انتظار فروکش موج انقلابی در ایران می باشند.

در ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ شریف امامی که پس از برکناری نخست وزیر ظاهراً مادام العمر شاه، امیر عباس هویدا سومین نخست وزیر بود که دولت تشکیل داده بود. در تهران و یازده شهر دیگر اعلام حکومت نظامی نمود و از مردم خواست که به هیچوجه از خانه های خود بیرون نیایند. اما توده های انقلابی جنوب شهر تهران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ برای برگزاری تظاهراتی بزرگ علیه رژیم شاه به مثابه نوکر امپریالیستها، در میدان ژاله جمع شدند. در این روز ارتش که عمده ترین عامل حفظ رژیم های وابسته به امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته در ایران می باشد و به قول تئوریسین کبیر چریکهای فدائی خلق ایران، رفیق مسعود احمدزاده، ستون فقرات سلطه امپریالیستی در ایران را تشکیل می دهد، به روی مردم تظاهرکننده آتش گشود و با رگبار مسلسل های آمریکائی چند صد تن از زنان و مردان مبارز و انقلابی را به قتل رساند. "ژاله خون شد". رژیم شاه با به کار گیری ارتش مزدور و فاجعه ای که آفرید امیدوار بود که بدین وسیله از رشد مبارزات انقلابی توده ها جلوگیری خواهد کرد. ولی هیئات که درست از همان روز ۱۷ شهریور معلوم شد که انقلاب توده ها دیگر مهار شدنی نیست. "ژاله خون شد، خون جنون شد" و نوید سرنگونی رژیم شاه را داد و بالاخره "سلطنت واژگون شد". (جملات توی گیومه از سرود "ژاله خون شد، خون جنون شد، سلطنت زین جنون واژگون شد..." می باشد)

در ترم ادبیات مارکسیستی، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بیانگر به وجود آمدن موقعیت انقلابی در جامعه بود. به عبارت دیگر این روز آغازگر شرایطی گردید که وجه مشخصه آن ناتوانی رژیم شاه در حکومت



## کمکهای مالی به چریکهای فدایی خلق ...

از صفحه ۲۸

رفیق امیر پرویز پویان	۱۰ پوند
رفیق بیژن مجنون	۱۰ پوند
نقدی بر کتاب اسپار تاکوس دو عدد	۱۰ یورو
اسپار تاکوس	۱۰ پوند
کتاب	۵ پوند
کتاب نقد اسپار تاکوس	۵ پوند
کتاب اسپار تاکوس	۵ پوند
س - پ، جزئی	۲۰ پوند

## آمریکا

چریک فدایی رفیق یوسف زر کاری	۲۰۰ دلار
چریک فدایی رفیق جلیل انفرادی	۲۰۰ دلار
برای نشست	۴۰۰ یورو

## سوئد

چریک فدائی خلق طاهره قاسم زاده (قاسمی)	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق حسین برنشان	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق محمد عظیمی	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق یداله سالاری	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق موسی آباد	۵۰ یورو
رفیق محمد رضا قنبر پور	۵۰ یورو
رفیق عزیز پور احمدی	۵۰ یورو
رفیق مهشید معتضد	۵۰ یورو
رفیق علی مهمی	۵۰ یورو

## کانادا

رفیق کبیر امیر پرویز پویان	۵۰۰ پوند
رفیق کبیر عباس مفتاحی	۵۰۰ پوند
رفیق کبیر مسعود احمدزاده	۵۰۰ پوند
چریک فدائی خلق میر هادی کابلی	۲۰۰ پوند
چریک فدائی خلق جمشید هدایتی	۲۰۰ پوند
چریک فدائی خلق محمدحسین خادمی	۱۰۰ پوند
برای نشست	۱۰۰۰ یورو

## نروژ

برای نشست	۵۰۰ دلار
چریک فدائی خلق شاهرخ هدایتی	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق سیروس سپهری	۵۰ یورو
چریک فدائی خلق فرخ سپهری	۵۰ یورو
رفیق مهرنوش ابراهیمی	۵۰۰ کرون
رفیق پوران یدالهی	۵۰۰ کرون
چریک فدائی خلق مهناز نجاری	۲۰۰ دلار
چریک فدائی خلق حسن نوروزی	۲۰۰ دلار
چریک فدائی خلق اعظم روحی آهنگرانی	۲۰۰ دلار
رفیق نور آذر آقازاده	۲۰۰ دلار
رفیق حمید آقاوردی زاده	۲۰۰ دلار

## هلند

چریک فدائی خلق رفیق احمد پیل افکن	۳۰ یورو
چریک فدائی خلق رفیق فاطمه رخ بین	۳۰ یورو

## گرامیداشت خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در لندن ... از صفحه ۲۸

این رفیق سخنران در صحبتهای خود جلوه هایی از جنایات جمهوری اسلامی در طول ۴۵ سال گذشته در سرکوب خونین توده های کارگر و زحمتکش بویژه قتل عام سیستماتیک دهه ۶۰ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را در صحبتهای خود مطرح کرد و سپس با ذکر تاریخچه کوتاهی از چگونگی قتل ژینا (مهسا) امینی به دست مزدوران جمهوری اسلامی به شورش بزرگ مردمی در سال ۱۴۰۱ پرداخت و راجع به مبارزات دلیرانه مردم ایران در این سال صحبت کرد. او سپس با تاکید بر ضرورت حمایت افکار عمومی مردم آزادی خواه از مبارزات توده های ستمدیده ایران و فشار بر دولت‌های امپریالیستی حامی جمهوری اسلامی توسط مردم این کشورها صحبت خود را به پایان برد. همچنین تعداد زیادی اعلامیه به زبان انگلیسی از سوی فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن و سازمان دمکراتیک ضدامپریالیستی ایرانیان در انگلستان در میان بازدیدکنندگان از آکسیون توزیع شد. در طول حرکت شعارهای زیادی به زبانهای انگلیسی و فارسی نظیر "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اعدام تظاهر کنندگان باید متوقف شود"، "به قربانی کردن زنان در ایران باید پایان داده شود"، "کارگر زندانی، دانشجوی زندانی، معلم زندانی، آزاد باید گردد" و... سر داده شد. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن و سازمان دمکراتیک ضدامپریالیستی ایرانیان در انگلستان از فراخوان دهندگان این تظاهرات بودند که پس از چند ساعت با موفقیت به پایان رسید.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴

## گرامیداشت خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در لندن



روز شنبه در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴ به مناسبت فرارسیدن دومین سالگرد جنبش بزرگ انقلابی مردم ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تظاهرات بزرگی در میدان ترافلگار اسکوتر لندن برگزار شد. فراخوان برگزاری این تظاهرات توسط گروه‌ها و جریانات مختلف سیاسی داده شده بود و تعداد بسیار زیادی از ایرانیان مبارز لندن در آن شرکت کردند. این تجمع از ساعت ۱۲ ظهر آغاز شد. صحن بخشی از این تظاهرات با عکسها، بنرها و شعارهای متنوع مبارزاتی و رادیکال، نظیر "نان، کار مسکن، آزادی و استقلال"، "نابود باد رژیم جمهوری اسلامی با تمام دسته‌ها و باندهایش"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "زنده باد سوسیالیسم، زنده باد انقلاب" به زبانهای فارسی و انگلیسی تزیین شده بود. همچنین عکسهای جانباختگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و آرم چریکهای فدایی خلق ایران در محل تظاهرات نصب شد که توجه بازدید کنندگان را جلب می‌کرد و عابرین از این تصاویر و بنرها عکس می‌گرفتند و با رفقا در مورد شرایط کار و زندگی و مبارزات مردم ایران به گفتگو می‌پرداختند. در جریان این حرکت سخنرانی‌های متعددی به زبانهای فارسی و انگلیسی انجام شد. از جمله رفیق محمد هشی در جریان دو نوبت سخنرانی به زبان انگلیسی گوشه‌ای از تاریخ حیات ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سرکوبهای خونین این رژیم علیه مخالفان از نخستین روزهای به قدرت رسیدنش را با بیانی رسا و تاثیر گذار به نمایش گذارد. با توجه به این که میدان ترافلگار اسکوتر یک محیط توریستی ست که روزانه هزاران تن از اتباع کشورهای مختلف از سراسر دنیا از آن عبور می‌کنند، سخنان این رفیق توجه بسیاری از عابران را جلب کرد و آنها به صحبت‌های این سخنران و سایر سخنرانان در رابطه با شرایط ایران گوش می‌کردند.

در صفحه ۲۷

کمکهای مالی به  
چریکهای فدایی خلق ایران

## آلمان

- چریک فدائی خلق شهرام شافعیان ۵۰ یورو  
 چریک فدائی خلق عباس گرمی ۵۰ یورو  
 چریک فدائی خلق محمد رضا الماسی ۵۰ یورو  
 چریک فدائی خلق پری روشنی ۵۰ یورو  
 کتاب اسپار تاکوس ۲۵ یورو  
 رفیق خسرو ترگل ۵۰ یورو  
 رفیق مصطفی حسن پور ۵۰ یورو  
 رفیق فاطمه حسن پور ۵۰ یورو  
 رفیق طاهره خرم ۵۰ یورو  
 فروش کتاب و کمک مالی ۳۰۰ یورو  
 م-الف-پویان ۴۰ دلار  
 رضا درتموند ۵۰ یورو  
 رفیق شهید احمد کریمی ۵۰ یورو  
 رفیق شهید نصرت کریمی ۵۰ یورو  
 رفیق شهید علی کریمی ۵۰ یورو  
 رفیق شهید مهرداد شاهمرادی ۵۰ یورو  
 رفیق شهید شهرام حسینخانی ۵۰ یورو  
 فروش کتاب در کلن ۱۰۵ یورو

## انگلستان

- ۱۴ سپتامبر کتاب اسپار تاکوس ۵ پوند

در صفحه ۲۷

آدرس پست الکترونیک  
E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان  
Siahkal Fadayee

کانال تلگرام  
@BazrhayeMandegar

اینستاگرام  
BazrhayeMandegar2

برای تماس با  
چریکهای فدایی خلق ایران  
با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051  
LONDON WC1N 3XX  
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت  
از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران  
در اینترنت دیدن کنید:  
[www.siahkal.com](http://www.siahkal.com)

از صفحه رفیق اشرف دهقانی  
در اینترنت دیدن کنید:  
[www.ashrafdehghani.com](http://www.ashrafdehghani.com)

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!